



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# الکومی مصرف

از کلمات قرآن و حدیث

عربی - فارسی

عزیزای شری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۶	پیش گفتار
۱۶	اشاره
۲۰	درآمد
۲۰	الف مبانی اصلاح الگوی مصرف
۲۰	۱. مبانی عقلی
۲۱	۲. مبانی دینی
۲۱	یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعال
۲۲	دو. اعتقاد به برادری دینی
۲۳	سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت‌های مادی
۲۴	ب الگوی تخصیص درآمد
۲۴	۱. نیازهای شخصی
۲۴	۲. گشاده دستی برای خانواده
۲۵	۳. پس انداز
۲۶	۴. سرمایه گذاری در تولید و تجارت
۲۶	۵. مشارکت اجتماعی
۲۹	ج بایدهای الگوی مصرف، از امکانات شخصی
۲۹	۱. برنامه ریزی
۳۰	۲. میانه روی
۳۱	مراتب نیاز

- ۳۱ ..... یک. ضرورت (نیاز به امکانات ضروری)
- ۳۱ ..... دو. کفایت (نیاز به امکانات مکفی)
- ۳۱ ..... سه. رفاه (نیاز به رفاه نسبی)
- ۳۲ ..... ۳. رعایت اولویت ها
- ۳۲ ..... اشاره
- ۳۳ ..... یک. در نظر گرفتن اولویت ، در شخص مصرف کننده
- ۳۳ ..... دو. در نظر گرفتن اولویت ، در نیاز مصرف کننده
- ۳۳ ..... اصلی ترین معیار اصلاح الگوی مصرف
- ۳۴ ..... ۴. همدردی در تنگناهای اقتصادی
- ۳۵ ..... ۵. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی
- ۳۶ ..... ۶. ساده زیستی
- ۳۷ ..... ۷. در نظر گرفتن فرهنگ جامعه
- ۳۸ ..... د. نیابدهای اصلاح الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی
- ۳۸ ..... اشاره
- ۳۹ ..... ۱. اسراف و تبذیر
- ۳۹ ..... اشاره
- ۴۰ ..... یک. گستره اسراف
- ۴۱ ..... دو. اسراف کمی و اسراف کیفی
- ۴۳ ..... سه. نسبی بودن مفهوم اسراف
- ۴۳ ..... چهار. اسراف در کارهای خیر
- ۴۷ ..... پنج. فرق اسراف و تبذیر
- ۴۸ ..... شش. اسراف ، عنوان کلی انواع مصرف های ناروا
- ۴۸ ..... ۲. افراط در رفاه طلبی و تجمل گرایی
- ۴۸ ..... اشاره

- ۵۰ ..... فرق میان تجمل و تجمل گرایی
- ۵۱ ..... ۳. تباه کردن ثروت
- ۵۲ ..... ۴. ساخت و سازهای بی رویه و افزون بر نیاز
- ۵۳ ..... ۵. پیروی کورکورانه از بیگانگان، در مصرف
- ۵۴ ..... ۶. تفریط در مصرف
- ۵۵ ..... ه راه کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی
- ۵۵ ..... اشاره
- ۵۶ ..... ۱. تقویت برنامه ریزی های کلان اقتصادی
- ۵۷ ..... ۲. استفاده بهینه از منابع ملی
- ۵۷ ..... ۳. نهایت صرفه جویی
- ۵۸ ..... ۴. پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی
- ۶۰ ..... ۵. دوری جستن از بذل و بخشش اموال عمومی
- ۶۱ ..... و سیره پیشوایان دین در مصرف
- ۶۱ ..... ۱. رعایت وظیفه خاص پیشوایان
- ۶۲ ..... ۲. رعایت مقتضیات زمان
- ۶۳ ..... ۳. در تنگنا قرار ندادن خانواده
- ۶۴ ..... ۴. آراستگی همراه با ساده زیستی
- ۶۵ ..... ۵. گرمی داشت میهمان
- ۶۷ ..... ۶. ایثار نسبت به نیازمندان
- ۷۰ ..... فصل یکم: مبانی الگوی مصرف
- ۷۰ ..... ۱ / ۱ پیروی عقل
- ۷۰ ..... ۱ / ۲ ایمان به مالکیت خداوند متعال ، و این که همه چیز، امانت است
- ۷۶ ..... ۱ / ۳ اعتقاد به برادری دینی
- ۷۸ ..... ۱ / ۴ تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت های مادی

۸۲	فصل دوم : موارد تخصیص درآمد شخصی
۸۲	۲ / ۱ نیازهای شخصی
۸۶	۲ / ۲ آشکار کردن نعمت
۹۰	۲ / ۳ گشاده دستی برای خانواده
۹۴	۲ / ۴ پس انداز
۹۶	۲ / ۵ ساماندهی ثروت و سرمایه گذاری
۹۸	۲ / ۶ انفاق در راه خدا
۱۱۲	فصل سوم: آنچه در مصرف درآمدهای شخصی شایسته است
۱۱۲	۳ / ۱ توازن میان دخل و خرج
۱۱۴	۳ / ۲ میانه روی در مصرف
۱۲۲	۳ / ۳ کفایت
۱۲۴	۳ / ۴ رعایت اولویت ها
۱۲۸	۳ / ۵ رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی
۱۲۸	۳ / ۶ موااسات با دیگران
۱۳۰	۳ / ۷ قناعت
۱۳۲	۳ / ۸ نگاه به فرودست در زندگی
۱۳۴	۳ / ۹ ساده زیستی
۱۳۶	فصل چهارم: آنچه در مصرف اموال شخصی و عمومی شایسته نیست
۱۳۶	۴ / ۱ اسراف و تبذیر
۱۵۳	۴ / ۲ افراط در رفاه طلبی
۱۶۵	۴ / ۳ تفریط در مصرف
۱۷۳	۴ / ۴ تباه کردن ثروت
۱۷۳	۴ / ۵ هزینه کردن ثروت در گناه
۱۷۵	۴ / ۶ هزینه کردن نابجا



- ۱۷۹ ..... ۴ / ۷ هزینه کردن در ساختمان ، بیش از نیاز
- ۱۸۳ ..... ۴ / ۸ تقلید از بیگانگان در مصرف
- ۱۸۷ ..... فصل پنجم: راه کارهای اصلاح الگوی مصرف در اموال عمومی
- ۱۸۷ ..... ۵ / ۱ تقویت برنامه های راهبردی
- ۱۸۹ ..... ۵ / ۲ نهایت صرفه جویی و سختگیری
- ۱۹۱ ..... ۵ / ۳ پرهیز از سوء استفاده فرزندان و نزدیکان
- ۱۹۱ ..... ۵ / ۴ پرهیز از بخشش اموال عمومی
- ۱۹۵ ..... فصل ششم: سیره رهبران دینی
- ۱۹۵ ..... ۶ / ۱ همسانی با ناتوان ترین مردم
- ۲۰۳ ..... ۶ / ۲ رعایت مقتضیات زمان
- ۲۰۹ ..... ۶ / ۳ سخت نگرفتن بر خانواده
- ۲۱۳ ..... ۶ / ۴ آراستگی همراه با ساده زیستی
- ۲۱۵ ..... ۶ / ۵ احترام به میهمان
- ۲۱۹ ..... ۶ / ۶ فداکاری
- ۲۳۱ ..... فهرست منابع و مأخذ
- ۲۴۸ ..... درباره مرکز

## الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث

### مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث / محمدی ری شهری.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۳۶ ص:؛ ۱۵×۲۲ س م.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۲۰۲.

شابک : ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۴۵۰-۶؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

یادداشت : فارسی - عربی

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۸.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره : ۳۵/۲۵۰/BP۲۵۰/۳۵م۲۸الف۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۰۶۶۷۵

ص: ۱

اشاره











ص: ۷

## پیش گفتار

## اشاره

پیش گفتاریکی از پایه های اصلی توسعه اقتصادی، «اصلاح الگوی مصرف» است. (۱) افزایش درآمد سرانه ملی، بدون این اقدام اساسی، نمی تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار، ایفا نماید؛ زیرا اگر الگوی مصرف اصلاح نگردد، مصرف بی رویه، موجب تباهی منابع قابل سرمایه گذاری می شود و زمینه رشد اقتصادی و رفاه جامعه در بلندمدت از بین می رود. همچنین امکان مشارکت در هزینه های عمومی و بهبود توزیع درآمد فراهم نمی شود؛ از این رو، موضوع اصلاح الگوی مصرف در نظام اسلامی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نام گذاری سال جاری (۱۳۸۸) توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه ای، به نام «سال اصلاح الگوی مصرف»، قطعاً، اهمیت بررسی این موضوع را دوچندان نموده است.

---

۱- پایه های توسعه اقتصادی، عبارت است از: دانش، برنامه ریزی، کار، بازار، مصرف و دولت. در اسلام، علاوه بر این اصول، برای توسعه پایدار اقتصادی، پایه های دیگری نیز مطرح شده اند، مانند: اصول اعتقادی، اصول حقوقی، اصول اخلاقی، اصول عبادی و... در این باره، ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث.



ص: ۸

همان طور که در سخنان ایشان اشاره شده، اصلاح الگوی مصرف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز دارد. (۱) اصلاح الگوی مصرف، می‌تواند به خودسازی انسان و مهار تمایلات غریزی او مانند: خودخواهی، حرص، طمع و تجمل‌گرایی کمک کند و با ریاضت اختیاری، موجب شکوفایی معنوی انسان گردد. از این رو، همه پیروان قرآن و علاقه‌مندان به پیشرفت و بالندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ایران، باید همه توان خود را به کار گیرند تا حرکت مبارکی که با نام گذاری سال جاری آغاز شده، هر چه بیشتر تقویت شود. بی‌تردید، نخستین گام در جهت تقویت این حرکت و پاسخگویی مثبت به این دعوت سرنوشت‌ساز، آشنایی دقیق با الگوی مصرف از نگاه قرآن و احادیث اسلامی است. گفتنی است که در قرآن و احادیث اسلامی، چیزی تحت عنوان «الگوی مصرف» به طور مستقل، مطرح نشده است؛ اما با ملاحظه و جمع‌بندی آیات و روایاتی که در باره انفاق، نفقه، قصد، اقتصاد، قناعت، تقدیر در معیشت، اسراف، تبذیر، اتراف و همانند آنها آمده، می‌توان دیدگاه اسلام را در باره الگوی مصرف، استنباط کرد. کتاب الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، برای نخستین بار و با نظمی نوین، آیات و روایاتی را که با تأمل در آنها، رهنمودهای اسلامی در باره الگوی مصرف قابل‌ارائه‌اند، بررسی کرده است. تأمل در این آیات و احادیث، نشان می‌دهد که رهنمودهای اسلام در باره الگوی مصرف، در واقع، همان راه کارهای عقل و منطق برای

---

۱- سخنرانی معظم له در تاریخ ۱/۱/۱۳۸۸ در آستان قدس رضوی.

ص: ۹

توسعه پایدار اقتصادی و ساماندهی زندگی سالم، همراه با رفاه و آسایش جامعه انسانی است. (۱) بدین منظور، بررسی مسائل زیر از نگاه قرآن و حدیث، ضروری است: ۱. مبانی اصلاح الگوی مصرف. ۲. الگوی تخصیص درآمد. ۳. بایدهای الگوی مصرف از امکانات شخصی. ۴. نبایدهای الگوی مصرف از امکانات شخصی و ملی. ۵. راه کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی. ۶. سیره عملی پیشوایان دینی در مصرف. اینک متن رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی در باره این مسائل، در شش فصل ارائه می شود و پیش از آن، جمع بندی این رهنمودها، با عنوان «درآمد» تقدیم علاقه مندان می گردد. (۲) توفیق همگان را در خدمت به آرمان های بلند اسلام و زمینه سازی برای حکومت جهانی این آیین آسمانی، به رهبری حضرت امام مهدی (عج)، از خداوند مَنَّان، مسئلت دارم. محمد محمدی ری شهری ۲۷ / ۱ / ۱۳۸۸

۱- ر. ک: ص ۶۱ «مبانی الگوی مصرف / پیروی عقل».

۲- گفتنی است که بخشی از آیات و روایات این مجموعه، از بخش یکم فصل پنجم کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، تألیف این جانب، با همکاری آقای سیدرضا حسینی، و ترجمه آقای ابوالقاسم حسینی (ژرفا) اخذ شده است. همچنین از انتقادات و پیشنهادهای ارزنده فضیای ارجمند، آقایان: سید کاظم طباطبایی، عبدالهادی مسعودی و بویژه سید رضا حسینی، جهت تکمیل این کتاب بهره برده ام که از همه آنان صمیمانه سپاس گزارم.

ص: ۱۰

..

ص: ۱۱

**درآمد****الف مبانی اصلاح الگوی مصرف****۱. مبانی عقلی**

درآمدواژه «الگو»، به معنای معیار، نمونه و سرمشق است. (۱) بنا بر این، مقصود از عنوان «الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث»، ارائه معیارها، بایدها و نبایدهایی است که برای اصلاح شیوه مصرف در جامعه اسلامی، در قرآن و سخنان پیشوایان اسلام آمده است. بدین منظور، چند مسئله باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

الف مبانی اصلاح الگوی مصرف آنچه را که در فصل اول این کتاب، تحت عنوان مبانی اصلاح الگوی مصرف آمده، می توان در دو مبنا خلاصه کرد:

۱. مبانی عقلیرفاه و توسعه اقتصادی پایدار جامعه، راهی جز اصلاح الگوی مصرف ندارد؛ زیرا همان طور که اشاره شد، اگر الگوی مصرف اصلاح نشود، مصرف بی رویه، موجب تباهی منابع سرمایه گذاری و مانع مشارکت

۱- الگو: شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست؛ نمونه؛ سرمشق (فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری: ج ۱ ص ۵۲۲).

ص: ۱۲

## ۲. مبانی دینی

## یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعال

همگان در هزینه های عمومی و بهبود توزیع درآمد می شود و بدون منابع سرمایه گذاری و مشارکت همگانی ، توسعه پایدار، امکان پذیر نیست . از این رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام میانه روی که از لوازم اصلاح الگوی مصرف است ، از سپاهیان عقل ، و مصرف بی رویه و اسراف، از سپاهیان جهل شمرده شده است . (۱) همچنین در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است : *العقلُ أُنْكُ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ* . (۲) خردمندی ، این است که : میانه روی کنی و اسراف نکنی . بنا بر این ، اگر هیچ دلیل شرعی ای برای اثبات ضرورت اصلاح الگوی مصرف نداشته باشیم ، مقتضای عقل و تدبیر برای رسیدن به توسعه و رفاه پایدار ، و خوب اصلاح الگوی مصرف و اجتناب از مصرف بی رویه است .

۲. مبانی دینیاظر اسلام ، ضرورت اصلاح الگوی مصرف، لااقل سه مبنای محکم اعتقادی و اخلاقی دارد :

یک. اعتقاد به مالکیت خداوند متعالباور داشتن به این اعتقاد که مالکیت انسان ، اساسا اعتباری و در طول مالکیت حقیقی آفریدگار هستی است. (۳) این باور، بدین معناست که

۱- ر. ک : ح ۲ .

۲- ر. ک : ح ۱ .

۳- ر. ک : ص ۶۱ «مبانی الگوی مصرف / ایمان به مالکیت خداوند و این که همه چیز امانت است» .

**دو. اعتقاد به برادری دینی**

انسان، اجازه ندارد اموال در اختیارش را هرگونه که می خواهد، مصرف کند، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: **المالُ مالُ الله عز و جل، جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَلْبَسُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَنْكِحُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَرْكَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ مَا أَكَلَهُ حَرَامًا، وَمَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَامًا وَمَا لَبَسَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا نَكَحَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا رَكَبَهُ مِنْهُ حَرَامًا.** (۱) اموال، از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن، با میانه روی بخورند و با میانه روی بنوشند و با میانه روی بپوشند و با میانه روی ازدواج کنند و با میانه روی، وسیله سواری بخردند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد [اعتدال و میانه روی] فراتر رود، آنچه از آن مال می خورد، حرام است و آنچه می نوشد، حرام و آنچه می پوشد، حرام و آنچه به وسیله آن مال ازدواج می کند، حرام و آنچه سوار می شود، حرام است. این سخن، بدین معناست که اسراف، و مصرف بی رویه مال، با اعتقاد به مالکیت خداوند متعال، در تضاد است، و اصلاح الگوی مصرف، از لوازم توحید عملی است.

دو. اعتقاد به برادری دینیاز چشم انداز قرآن، همه اهل ایمان، برادر یکدیگرند. پیوند برادری اهل ایمان از نگاه روایات اسلامی، آن قدر قوی است که آحاد جامعه،

**سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت های مادی**

همانند اعضای پیکر یک انسان اند: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ ، إِنَّ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ ، وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا . (۱) مؤمن ، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید ، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود ، احساس می کنند . روح آن دو مؤمن ، از یک روح است . پیوند روح مؤمن به روح خداوند ، بیشتر از پیوند پرتو خورشید به خورشید است . این باور ، ایجاب می نماید که در جامعه اسلامی ، توسعه و رفاه باید به صورت متعادل در میان یکایک مردم ، تقسیم گردد .

سه. تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت های مادی در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است : دَوَاءُ النَّفْسِ الصَّوْمُ عَنِ الْهَوَى ، وَالْحَمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا . (۲) دواي نفس، باز ایستادن از هوس است ، و منع نمودن از لذت های دنیا . در مقابل ، لذت گرایی و زیاده روی در مصرف قرار دارد که موجب انحطاط معنوی و مانع کمالات نفسانی است . (۳) بر این اساس ، کنترل خواسته های مادی ، به منظور تکامل معنوی ، لازم و ضروری است .

۱- ر . ک : ح ۱۱ .

۲- ر . ک : ح ۱۸ .

۳- ر . ک : ص ۱۴۳ «افراط در رفاه طلبی» .

**ب الگوی تفصیص درآمد****۱. نیازهای شخصی****۲. گشاده دستی برای خانواده**

ب الگوی تفصیص درآمد فصل دوم این مجموعه، به تبیین الگوی تفصیص درآمد، و توضیح مواردی که درآمد باید در آنها مصرف شود، اختصاص یافته است که عبارت اند از:

۱. نیازهای شخصی‌آیات و روایات فراوانی تأکید دارند که انسان باید از لذت‌های حلال مادی استفاده کند (۱) و در شماری از روایات، با این تعبیر که «خداوند متعال، دوست دارد که بهره‌گیری از نعمتی را که به بنده اش داده، ببیند»، (۲) مردم را به استفاده از این لذت‌ها به اندازه نیاز، تشویق می‌نمایند، و نیز کسانی را که خود را از لذت‌های مشروع زندگی، محروم کرده اند، به شدت نکوهش می‌نمایند. (۳) البته تفصیص درآمد به نیازهای شخصی، باید‌ها و نبایدهایی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

۲. گشاده دستی برای خانواده‌دومین مورد تفصیص درآمد که در روایات اسلامی به آن، توصیه شده، گشاده دستی در تأمین نیازهای خانواده است. این موضوع، آن قدر اهمیت دارد که در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

۱- ر. ک: ص ۷۳ «نیازهای شخصی».

۲- ر. ک: ص ۷۷ «آشکار کردن نعمت».

۳- همان جا.



**۳ . پس انداز**

أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ . (۱) خشنودترین شما نزد خداوند ، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد . در روایتی دیگر نیز ، امام رضا علیه السلام می فرماید : صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ . (۲) بر آن که از نعمت برخوردار است ، واجب است که بر خانواده اش گشاده دستی کند .

۳ . پس انداز آینده نگری، ایجاب می کند که انسان، همه درآمد خود را یک جا مصرف نکند ؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود ، در صورت امکان ، بخشی از درآمدش را پس انداز کند . در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که می فرماید : إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوْتَهَا اسْتَفْرَّت . (۳) آدمی ، هر گاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد ، روانش آسایش می یابد . همچنین در موردی دیگر ، آن حضرت، در پاسخ گروهی از صوفیان که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند ، به پس انداز سلمان رضی الله عنه ، برای زندگی سالیانه خود، به عنوان یک زاهد نمونه ای که

۱- ر . ک : ح ۳۳ .

۲- ر . ک : ح ۳۷ .

۳- ر . ک : ح ۳۸ .

ص: ۱۷

**۴ . سرمایه گذاری در تولید و تجارت****۵ . مشارکت اجتماعی**

الگوی مصرف اسلامی را رعایت می کرد ، اشاره می فرماید . (۱) بدیهی است که آینده نگری و پس انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و با آینده نگری فردی، قابل مقایسه نیست . نمونه قرآنی آن نیز ، آینده نگری حضرت یوسف علیه السلام در ذخیره گندم برای تأمین نیازهای آینده مردم است .

۴ . سرمایه گذاری در تولید و تجارت نکته بسیار مهم و قابل توجه، این است که ، توصیه روایات در تخصیص بخشی از درآمد به پس انداز، این نیست که پول، به صورت نقدی پس انداز شود ؛ بلکه با تأکید به اصلاح و ساماندهی مال و بهره وری از آن ، مردم، به سرمایه گذاری در زمینه های مختلف تولیدی و تجاری، تشویق شده اند (۲) تا آن جا که ساماندهی ثروت، بخشی از ایمان شمرده شده است : *إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ* . (۳) نگاهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است .

۵ . مشارکت اجتماعی یکی از موارد تخصیص درآمد که قرآن و احادیث اسلامی، بر آن تأکید دارند ، هزینه کردن در راه خداوند متعال است . (۴)

۱- ر . ک : ح ۳۹ و ص ۸۵ «پس انداز» .

۲- ر . ک : ص ۸۷ «ساماندهی ثروت و سرمایه گذاری» .

۳- ر . ک : ح ۴۵ .

۴- ر . ک : ص ۸۹ «انفاق در راه خدا» .

ص: ۱۸

اقدام این افراد از نظر اسلام، آن قدر اهمیت دارد که در قرآن، در ردیف ایمان آورندگان به غیب و نمازگزاران، شمرده شده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ (۱) [پرهیزگاران اینان اند: کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آنچه روزی شان کرده ایم، انفاق می کنند]. در روایات اسلامی، مکرر تأکید شده که این بخش از هزینه ها، در واقع، موجب باقی ماندن مال و ذخیره سازی آن برای جهان پس از مرگ انسان است. در روایتی آمده که گوسفندی را در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله ذبح کردند و گوشت آن را به دیگران دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله از عایشه پرسید: «چیزی از آن مانده است؟». وی پاسخ داد: چیزی جز کتف (سردست) آن، باقی نمانده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا. (۲) بجز سردستش، همه آن، باقی مانده است! این روایت، به این نکته اشاره دارد که آنچه برای خداوند، به دیگران داده شده، برای جهان پس از مرگ باقی می ماند و آنچه در راه مصارف شخصی هزینه شده، فانی می گردد. خداوند متعال، وعده داده است که پاداش آنچه را انسان برای

۱- بقره: آیه ۳.

۲- ر. ک: ح ۵۳.

ص: ۱۹

خداوند هزینه کرده، به مراتب، بیش از آنچه هزینه کرده، در زندگی ابدی به او باز می گرداند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (۱) مثل [ صدقات ] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای، صد دانه باشد. و خداوند برای هر کس که بخواهد، [ آن را ] چند برابر می کند، و خداوند، گشایشگر داناست. اما از آن جا که خداوند متعال، بی نیاز مطلق است، هزینه کردن در راه خدا در واقع، به معنای هزینه کردن در جهت منافع دیگران و مشارکت در خدمات اجتماعی برای جلب رضای حق تعالی است. بنا بر این، مقتضای آیات و روایات فصل دوم کتاب «اصلاح الگوی مصرف»، این است که شخص مسلمان، در صورت امکان باید درآمد خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی را صرف نیازهای شخصی و رفاه خانواده خود کند، بخشی را به پس انداز اختصاص دهد، آن هم پس اندازها در جهت سرمایه گذاری تولیدی و تجاری، و بخشی را صرف کمک به نیازمندان و خدمات اجتماعی نماید. البته همه این موارد، ضوابط و بایدها و نبایدهایی دارند که به آنها اشاره خواهد شد.

## ج بایدهای الگوی مصرف، از امکانات شخصی

### ۱. برنامه ریزی

ج بایدهای الگوی مصرف، از امکانات شخصیاصلی ترین اقداماتی که انجام دادن آنها، به منظور اصلاح الگوی مصرف البته از درآمدها و امکانات شخصی، لازم و ضروری است، عبارت اند از:

۱. برنامه ریزینخستین رهنمود اسلام برای اصلاح الگوی مصرف، برنامه ریزی برای هزینه کردن و ایجاد تعادل میان دخل و خرج زندگی است. قرآن در این باره می فرماید: «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (۱). بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، خرج کند. این سخن، بدین معناست که هر کس باید فراخور درآمد خود، برای هزینه های زندگی خویش برنامه ریزی کند؛ زیرا درآمد همه مردم، یکسان نیست. از این رو، هر کس برای رسیدن به توازن و تعادل میان دخل و خرج زندگی، باید برنامه خاص خود را داشته باشد. رعایت این توازن، حتی در شرایط مختلف اقتصادی زندگی یک فرد نیز ضروری است. (۲)

۱- طلاق: آیه ۷.

۲- ر. ک: ح ۷۵.

**۲ . میانه روی**

این اقدام، یکی از مصادیق بارز تدبیر در امور معیشتی است که بیش از ثروت، در رفاه و آسایش انسان مؤثر است، و در کنار دین‌شناسی و مقاومت در سختی‌ها، به دست آوردن آن، برای اهل ایمان، ضروری است، (۱) و عدم برخورداری از این ویژگی، گاه موجب می‌گردد که برخی از بینوایان، از ثروتمندان، اسرافکارتر شمرده شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: **رُبَّ فَقِيرٍ أَسْرَفُ مِنْ غَنِيِّ . فَقُلْتُ : كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغَنِيِّ ؟ فَقَالَ : إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ ، وَالْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ .** (۲) [امام علیه السلام فرمود:] «بسا فقیری که از توانگر، اسرافکارتر باشد». گفتم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: «توانگر، از آنچه به وی عطا شده، خرج می‌کند؛ ولی فقیر، بدون آن که به وی انفاق شده خرج می‌کند».

۲ . میانه روی ویدومین رهنمود برای اصلاح الگوی مصرف، میانه روی (اعتدال) در مصرف است. ممکن است درآمد شخصی، به گونه‌ای باشد که هر قدر که مایل است، بتواند هزینه کند؛ اما اسلام، اجازه نمی‌دهد که بیش از نیاز، مصرف نماید. البته باید توجه داشت که نیاز، مراتبی دارد. دانشمندان، نیازهای انسان را به سه مرتبه تقسیم کرده‌اند: ضرورت، کفایت و رفاه.

۱- ر. ک: ص ۱۰۳ «توازن میان دخل و خرج».

۲- ر. ک: ح ۷۹.

ص: ۲۲

**مراتب نیاز****یک. ضرورت (نیاز به امکانات ضروری)****دو. کفایت (نیاز به امکانات مُکفی)****سه. رفاه (نیاز به رفاه نسبی)**

مراتب نیاز یک. ضرورت (نیاز به امکانات ضروری) مرتبه نخست نیاز، نیاز انسان به امکانات اولیه ضروری است؛ یعنی چیزهایی که ادامه زندگی، بدون آنها، امکان پذیر نیست و یا با مشکل جدی، رو به روست.

دو. کفایت (نیاز به امکانات مُکفی) مرتبه دوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که برای اداره یک زندگی متوسط، اعم از نیازهای اقتصادی، علمی و فرهنگی، کافی است.

سه. رفاه (نیاز به رفاه نسبی) مرتبه سوم نیاز، نیاز انسان به امکاناتی است که افزون بر برخورداری از یک زندگی متوسط، رفاه و آسایش او را نیز در حدّ معقول و منطقی تأمین نماید. گفتنی است که هر چند آنچه در روایات اسلامی، مورد تأکید قرار دارد، تأمین نیازهای زندگی در حدّ کفاف و برخورداری از یک زندگی متوسط است، (۱) امّا برخورداری از رفاه نسبی نیز با میانه روی در مصرف، منافاتی ندارد. لذا در روایتی از اسحاق بن عمار نقل شده که: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةٌ أَقْمِصَهٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: ثَلَاثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ، لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرْفِ.

۱- ر. ک: ص ۱۱۳ «کفایت».

## ۳ . رعایت اولویت ها

## اشاره

إِنَّمَا الشَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدَلَتِكَ . (۱) به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مؤمن می تواند ده پیراهن داشته باشد؟ امام علیه السلام فرمود: «آری» . گفتم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]» . گفتم: سی تا چه؟ فرمود: «آری . این، اسراف نیست ؛ اسراف، آن است که لباس بیرونی ات (میهمانی ات) را لباس کار و دم دستی قرار دهی» . بنا بر این ، آنچه در اسلام ، اسراف و غیر مجاز شمرده شده ، مصرف بیش از حد رفاه نسبی است .

۳ . رعایت اولویت هایکی از نکات بسیار مهم در اصلاح الگوی مصرف ، در نظر گرفتن اولویت هاست . بی توجهی به این امر ، در واقع ، هدر دادن سرمایه ، و گونه ای اسرافکاری است و مشکلات گوناگونی را در پی خواهد داشت . در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است : مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهِمِّ ضَيَّعَ الْأَهَمَّ . (۲) هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد، از دست می دهد . بنا بر این، در تأمین نیازهایی که از درآمدهای شخصی صورت می گیرد، توجه به دو نکته، ضروری است :

۱- ر . ک : ح ۹۶ .

۲- میزان الحکمه : ج ۸ ص ۱۲۹ ح ۱۴۳۲۸ .



**یک. در نظر گرفتن اولویت ، در شخص مصرف کننده**  
**دو. در نظر گرفتن اولویت ، در نیاز مصرف کننده**  
**اصلی ترین معیار اصلاح الگوی مصرف**

یک. در نظر گرفتن اولویت ، در شخص مصرف کننده چنان که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى عِيَالِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى قَرَابَتِهِ أَوْ عَلَى ذِي رَحِمِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَهَاهُنَا وَهَاهُنَا . (۱) هر یک از شما که فقیر است ، نخست به خود پردازد . اگر مالی افزون آمد ، به خانواده اش بدهد ، اگر بیشینه ای ماند ، به خویشاوندان یا بستگانش پردازد ، و اگر باز هم ماند ، این سو و آن سو هزینه کند . همان طور که در این روایت آمده ، انسان ، به طور طبیعی باید در درجه اول ، نیازهای خود را تأمین کند ، سپس نزدیکان و پس از آن ، دیگران . اما گاه ، ضرورت ایجاب می کند که نیاز دیگران را مقدم دارد که این معنا از نظر اخلاقی ، در اسلام پسندیده است و ایثار نامیده می شود .

دو. در نظر گرفتن اولویت ، در نیاز مصرف کننده تأمین نیازهای ضرورت بر نیازهایی که تأمین آنها ضرورت کمتری دارد ، باید مقدم گردد .

اصلی ترین معیار اصلاح الگوی مصرف معیار اصلی در تشخیص میانه روی در مصرف ، بلکه مهم ترین اصل در اصلاح الگوی مصرف ، به جا مصرف کردن ، و نا به جا مصرف کردن

#### ۴ . همدردی در تنگنای اقتصادی

است . این معیار در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله بدین گونه بیان شده است : مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أُسْرَفَ ، وَمَنْ مَنَعَ عَنِ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ . (۱) هر که به ناحق (بی جا)، بخشش کند، اسراف کرده است و هر که به حق (به جا)، خرج نکند، سختگیری و خست و رزیده است . بر پایه این معیار عقلی و شرعی ، همه بایدها و نبایدهای اصلاح الگوی مصرف را می توان مشخص کرد و تردیدی نیست که تأمین همه مراتب نیاز انسان ها از درآمد مشروع خود، از مصادیق روشن مصرف به جا محسوب می گردد .

۴ . همدردی در تنگنای اقتصادی یکی دیگر از دستور العمل های مهم اخلاقی در اسلام ، مواسات و همدردی با توده مردم در تنگنای اقتصادی است . شخصی به نام مُعْتَب (۲) ، روایت کرده که در زمان امام صادق علیه السلام در شرایطی که بهای مواد غذایی، رو به افزایش بود ، امام از من پرسید: «چقدر گندم داریم؟». گفتم: مقداری که ماه ها برای ما کافی است . فرمود : «همه را به بازار ببر و بفروش» . گفتم: در مدینه گندم نیست؟! فرمود : «ببر و آنها را بفروش» . پس از فروش آنها ، امام علیه السلام فرمود : اکنون مانند همه مردم، برو و

۱- ر . ک : ح ۱۲۵ .

۲- وی، خدمتکار امام صادق علیه السلام است .

**۵. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی**

گندم مورد نیاز ما را از بازار تهیه کن!» و افزود: یا مُعْتَبُ! اجْعَلْ قَوْتَ عِيَالِي نِصْفًا شَعِيرًا وَنِصْفًا حِنْطَةً؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنِّي وَاجِدٌ أَنْ أُطْعِمَهُمُ الحِنْطَةَ عَلَيَّ وَجَهِيهَا، وَلَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَيْنْتُ تَقْدِيرَ المَعِيشَةِ. (۱) ای معتب! غذای خانواده مرا، نیمی جو و نیمی گندم قرار ده؛ خدا می داند که من، توانایی این را دارم که خوراک آنان را تماما گندم قرار دهم؛ ولی من دوست دارم که خداوند، مرا این گونه ببیند که زندگی را خوب تدبیر می کنم. این سخن، بدین معناست که همدردی با مردم در تنگناهای اقتصادی، بالاترین مراتب «تدبیر زندگی» و زیباترین «الگوی مصرف» در اسلام است که باید مورد توجه ثروتمندان، بویژه رهبران دینی و سیاسی باشد.

۵. رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی از نکات مهم در الگوی مصرف در مشارکت های اجتماعی، این است که باید به گونه ای عمل شود که دارای بیشترین بازدهی اجتماعی باشد. از این رو، هزینه کردن در مواردی که زیانش برای انسان، بیش از سودش برای دیگران است، نکوهیده شمرده شده است. چنان که در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: لَا تَبْدُلْ لِيءَ خَوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرُّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُمْ. (۲)

۱- ر. ک: ح ۱۰۸.

۲- ر. ک: ح ۱۰۷.

**۶. ساده زیستی**

برای برادران [ایمانی] خود، چندان از خودت مایه مگذار که زیان آن برای تو، بیشتر از سودش برای آنهاست. یعنی، وقتی کسی، بدهکاری زیادی دارد، شما نباید همه ثروتان را برای پرداخت بدهی چنین شخصی بدهید؛ چون در این صورت، بدون آن که بدهی او پرداخته شده باشد، همه ثروت خود را از دست داده اید. (۱)

۶. ساده زیستی اصلاح الگوی مصرف، بدون قناعت و ساده زیستی، و دوری از تجمل گرایی، امکان پذیر نیست، از این رو، در روایات اهل بیت علیهم السلام کاستن از هزینه های زندگی و ساده زیستی، (۲) مکرر توصیه شده است. بر پایه روایتی از امام صادق علیه السلام، ویژگی های شخص باایمان، این گونه است: *الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمُؤُونَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ*. (۳) مؤمن، یاریگری شایسته است، کم خرج است و گذران زندگی اش را خوب تدبیر می کند. بر این اساس، برنامه ریزی در جهت ارتقای فرهنگ ساده زیستی، یکی از مصادیق بهترین برنامه ریزی ها برای تدبیر زندگی و اصلاح الگوی مصرف است.

۱- ر. ک: ح ۱۰۵.

۲- ر. ک: ص ۱۲۱ «قناعت» و ص ۱۲۵ «ساده زیستی».

۳- ر. ک: ح ۱۲۲.

**۷. در نظر گرفتن فرهنگ جامعه**

در این باره، سفارش امام صادق علیه السلام این گونه است که انسان در زندگی مادی، باید به تهی دست تر از خود نگاه کند: *أَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ.* (۱) به ناتوان تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده، قانع تر می‌سازد. رعایت این رهنمود، نقش مهمی در پیشگیری از چشم و همچشمی و افراط در تجمل‌گرایی دارد.

۷. در نظر گرفتن فرهنگ جامعه‌پیکری از نکاتی که در باره موضوع ساده زیستی و اجتناب از تفریط در مصرف، توجه به آن ضروری است، در نظر گرفتن فرهنگ عمومی مردم، در زمان‌های مختلف است. به سخن دیگر، ساده زیستی، به معنای استفاده از پوشاک یا غذای نامرغوب و یا مسکن نامطلوب و در یک جمله: زندگی نامتعارف نیست. در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده که می‌فرماید: *إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَيَوَالِيٍّ يُحَيِّوْنَ أَنْ أُجْلِسَ عَلَى اللَّبُودِ وَالْبَسَ الْخَشِينَ، وَلَيْسَ يَتَحَمَّلُ الزَّمَانَ ذَاتَكَ.* (۲) دوستان سست عقیده‌ام، دوست می‌دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه زُمخت بپوشم؛ اما این روزگار، گنجایش چنین کاری را ندارد.

۱- ر. ک: ح ۱۱۸.

۲- ر. ک: ح ۲۵۰.

## د نبایدهای اصلاح الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی

## اشاره

همچنین هنگامی که سفیان ثوری، ملاحظه کرد امام صادق علیه السلام، لباس زیبایی بر تن دارد و به ایشان ایراد گرفت که پدرانش از این گونه لباس‌ها استفاده نمی کرده اند، امام فرمود: **إِنَّ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانُوا فِي زَمَانٍ مُّقْفِرٍ مُّقْتَرٍ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أَرَخَتْ الدُّنْيَا عَزَائِلَهَا، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهُمْ . (۱)** همانا پدران من در روزگار فقر و تنگ دستی زندگی می کردند، حال آن که امروز، زمانه گشایش و فراخی است؛ پس شایسته ترین کسان برای بهره مندی از این گشایش، نیکان این زمانه اند. بنا بر این، همسویی با فرهنگ مشروع حاکم بر جامعه، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه مطلوب و پسندیده است، همان گونه که در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: **خَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ . (۲)** بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است.

د نبایدهای اصلاح الگوی مصرف، از امکانات شخصی و عمومی پایه آن چه در باره ضرورت های اصلاح الگوی مصرف تبیین شد، معیارهای الگوی صحیح در مصرف، عبارت اند از: برنامه ریزی؛ میانه روی؛ رعایت اولویت ها؛ همدردی با توده های مردم در تنگناهای اقتصادی؛ ساده زیستی؛ اجتناب از تفریط؛ در نظر گرفتن فرهنگ حاکم بر جامعه؛ هزینه کردن بخشی از درآمد در جهت مصالح جامعه.

۱- ر. ک: ح ۲۴۵.

۲- ر. ک: ح ۲۴۴.

ص: ۳۰

## ۱. اسراف و تبذیر

## اشاره

بنا بر این، مصرف، هر چه به این معیارها نزدیک تر باشد، پسندیده تر است و هر چه دورتر باشد، نکوهیده تر و نارواتر. اینک انواع مصرف های ناروا و ویژگی های آنها را بیان می کنیم:

۱. اسراف و تبذیر اسراف در لغت، به معنای تجاوز از مرز اعتدال در هر کار است. (۱) در قرآن (۲) و حدیث نیز این واژه در معنای لغوی آن به کار رفته است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْاِقْتِصَادِ، اِسْرَافٌ. (۳) هر آنچه از میانه روی بگذرد، زیاده روی است. همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است: اِعْلَمُ اَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا، فَاِنْ جَاوَزَهُ كَانَ سَرْفًا. (۴) بدان که هر چیزی، اندازه ای دارد که اگر از آن بگذرد، زیاده روی است. امام کاظم علیه السلام در روایتی، در تبیین سپاهیان عقل و جهل، این دو

۱- الإسراف: مجاوزة القصد (لسان العرب، ذیل واژه «سرف»); السرف: تجاوز الحدّ فی کلّ فعل یفعله الإنسان. (مفردات الفاظ القرآن، راغب، ذیل واژه «سرف»).

۲- از نگاه قرآن کریم، هرکاری که خارج از مرز اعتدال انجام شود، اسراف است و انجام دهنده آن، مسرف نامیده می شود. از این رو، قرآن، همان طور که شخص پرخور را مسرف می نامد (اعراف: آیه ۳۱)، گناهکار را نیز مسرف می خواند (زمر: آیه ۵۳). همچنین شخص مستبد و مستکبر را هم مسرف می داند (یونس: آیه ۸۳); زیرا اولی، در مورد جسم، دومی، در مورد جان، و سومی، در باره با جامعه، از مرز اعتدال خارج شده اند.

۳- ر. ک: ح ۱۳۶.

۴- نزهة الناظر: ص ۱۷۸ ح ۵۴.

ص: ۳۱

**یک. گستره اسراف**

گزینه را نیز آورده است: الْقَصْدُ ، الإِسْرَافُ . (۱) میانه روی [و در برابر آن] زیاده روی . این سخن، اشاره به آن است که اصلاح الگوی مصرف و میانه روی در آن، مسئله ای عقلی است و آنچه را که اسلام در این باره آورده، چیزی جز ارشاد به حکم عقل نیست . گفتنی است که در باره مفهوم اسراف، چند نکته، قابل توجه است :

یک. گستره اسرافبا عنایت به آنچه در تبیین مفهوم اسراف اشاره شد ، مصادیق این واژه در زندگی فردی و اجتماعی انسان بسیار گسترده است ، چنان که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : فِی كُلِّ شَیْءٍ إِسْرَافٌ . (۲) در هر چیزی اسراف وجود دارد . مفهوم اسراف، در هر کاری می تواند تحقق پیدا کند و هر کاری که از مرز اعتدال خارج شود ، اسراف شمرده می شود ، حتّی در وضو گرفتن، اگر کسی، بیش از حد نیاز ، آب مصرف کند ، اسرافکار است . در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرماید :

۱- ر. ک : ح ۲ .

۲- ر. ک : ح ۱۳۱ .



## دو . اسراف کَمّی و اسراف کیفی

إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُجِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَإِنَّ السَّرْفَ يُبْغِضُهُ ؛ حَتَّى طَرَحُوكَ النَّوَاهَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ ، وَحَتَّى صَيَّبُكَ فَضَلَ شَرَابِكَ . (۱)

میانہ روی ، کاری است که خداوند عز و جل، آن را دوست می دارد، و اسراف را ناخوش می دارد، حَتّی دور انداختن هسته[ی میوه] را؛ زیرا آن [نیز] به کاری می آید، و حَتّی دور ریختن زیادی نوشیدنی ات را . بنا بر این ، اسراف، تنها در خوردن و آشامیدن نیست ؛ بلکه حَتّی دور ریختن هسته خرما یا هسته دیگر میوه هایی که برای کاشت، قابل استفاده اند، اسراف محسوب شود ، ولی در عصر ما ، گستره اسراف، بسیار گسترده تر از گذشته است : اسراف در بهره گیری از هوا و محیط زیست ، اسراف در استفاده از بنزین ، نفت ، گاز و دیگر منابع حیاتی نیز مصداق دارد .

دو . اسراف کَمّی و اسراف کیفیگاہ اسراف، در کمیت مصرف است؛ یعنی بیش از مقدار مورد نیاز، مصرف کردن . گاہ نیز در کیفیت مصرف تحقّق پیدا می کند ، بدین معنا که مصرف از نظر کَمّی، بیش از حدّ نیاز نیست، ولی از نظر کیفی، بیش از حد نیاز است ، مانند پوشیدن لباس میهمانی که برای حفظ آبروست در منزل . روایت است که شخصی به نام سلیمان بن صالح، از امام صادق علیه السلام پرسید: کمترین درجه اسراف چیست؟

ص: ۳۳

امام علیه السلام در پاسخ فرمود: **إِبْدَالُكَ ثَوْبَ صَوْنِكَ** ، **وَإِهْرَاقُكَ فَضْلَ إِثَائِكَ** . (۱) کمترین اندازه آن، این است که لباس میهمانی ات را لباس خانه قرار دهی و ته مانده ظرفت را دور بریزی . بر پایه روایتی دیگر ، حتی انسان می تواند سی پیراهن داشته باشد و از هر یک، به منظوری استفاده کند و اسراف شمرده نشود؛ ولی اگر لباسی را که برای حفظ آبرو باید در بیرون از خانه بپوشد ، در خانه، مورد استفاده قرار دهد، اسرافکار خوانده می شود . (۲) بنا بر این ، استفاده نابه جا از وسائل شخصی نیز از مصادیق اسراف است . استفاده نابینه از لباس بیرونی ، اسراف کیفی قلمداد می شود و دور ریختن باقیمانده آب مصرفی ، اسراف کمی . همچنین در روایت دیگری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : **إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ** . (۳) یکی از نمونه های اسراف، این است که هر چه دلت بخواهد، بخوری . این سخن، اشاره دارد به این که ممکن است کسی بیش از اندازه لازم ، غذا نخورد، ولی در انتخاب نوع غذا، اسرافکار باشد؛ یعنی به جای انتخاب غذای مفیدتر ، غذای لذیذتر را انتخاب کند . به سخن دیگر : آنچه باید بخورد نمی خورد؛ بلکه آنچه می خواهد می خورد .

۱- ر . ک : ح ۱۶۳ .

۲- ر . ک : ح ۹۶ .

۳- ر . ک : ح ۱۳۳ .

ص: ۳۴

### سه. نسبی بودن مفهوم اسراف

#### چهار. اسراف در کارهای خیر

سه. نسبی بودن مفهوم اسرافنکته قابل توجه دیگر در تبیین مفهوم اسراف، نسبی بودن آن است، بدین معنا که ممکن است بهره‌گیری مقداری، و یا نوعی از یک کالا، برای یک نفر، اسراف و تجاوز از حد اعتدال محسوب شود، ولی برای دیگری، اسراف نباشد، چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: **أَتَرَى اللَّهَ اِثْتَمَنَ رَجُلًا عَلٰی مَالٍ خَوَّلَ لَهُ اَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بَعَشْرَةَ اَلْفِ دِرْهَمٍ وَيَجْزِيَهُ فَرَسٌ بِعَشْرِينَ دِرْهَمًا**. (۱) آیا گمان می‌کنی خداوند، انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد؟ حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می‌کند. بر پایه این روایت، در زمان ما، مثلاً دو نفر که هر دو می‌توانند اتومبیلی به قیمت یک صد میلیون تومان تهیه کنند، یکی از آنها نیازمند به اتومبیلی با این قیمت است، ولی دیگری، اتومبیلی با قیمت بیست میلیون تومان هم برای تأمین نیازهایش کافی است، اگر هر دو، اتومبیل یکصد میلیون تومانی تهیه کردند، شخص دوم، اسرافکار است و اولی، اسرافکار نیست؛ چون فرد دوم، از مرز اعتدال تجاوز کرده و دیگری تجاوز نکرده است.

چهار. اسراف در کارهای خیربرخی از روایات، دلالت دارند که در کارهای نیک، اسراف، نکوهیده نیست، مانند آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرماید:

۱- ر. ک: ح ۱۲۷.

ص: ۳۵

لا خَيْرَ فِي السَّرْفِ ، وَلَا سَيْرَفَ فِي الْخَيْرِ . (۱) در اسراف ، خیری نیست و در [کارهای] خیر، اسراف نیست . در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است : الإسْرَافُ مِذْمُومٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ . (۲) اسراف، در هر چیزی ناپسند است ، مگر در کارهای خیر . اما بی تردید، مقصود از این روایات، این نیست که انسان حق دارد همه اموال خود را به بهانه نیکی کردن به دیگران ببخشد ، و خود و خانواده خویش را به فقر و فلاکت بیندازد . قرآن کریم، انفاق انسان های شایسته را چنین توصیف می کند : «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا . (۳) و کسانی که هر گاه انفاق می کنند ، نه اسراف می نمایند و نه سختگیری ؛ بلکه میان این دو، حدّ اعتدال را رعایت می کنند» . نیز در موردی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همه اموالی را که نزد او بود، انفاق کرد، به گونه ای که دیگر نزد او چیزی نماند تا بتواند پاسخگوی نیاز دیگران باشد ، خداوند متعال، ایشان را از این کار نهی فرمود . (۴) بنا بر این ، مقصود از روایاتی که تأکید دارند بر این که در کارهای نیک، اسراف نیست، دفع توهم نکوهیده بودن گشاده دستی در کارهای

- 
- ۱- عوالی اللآلی : ج ۱ ص ۲۹۱ ، بحار الأنوار : ج ۷۷ ص ۱۶۵ ح ۲ . گفتنی است که در بسیاری از منابع ، این سخن، به عنوان روایت نقل نشده است .
  - ۲- غرر الحکم : ح ۱۹۳۸ .
  - ۳- فرقان : آیه ۶۷ .
  - ۴- ر . ک : ح ۹۰ و ۹۱ .

ص: ۳۶

خیر است و تأکید بر این نکته که نه تنها در کارهای خیر، گشاده دستی نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است. این معنا در روایتی که وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام را گزارش کرده نیز به روشنی دیده می شود: *أَمَّا الصَّدَقَةُ فَجُهِدَكَ حَتَّى تَقُولَ: قَدْ أُسْرِفْتُ وَلَمْ تُسْرِفْ*. (۱) صدقه، آن است که تا توان داری، ببخشی، چندان که بگویی: اسراف کردم؛ ولی اسراف نکرده باشی. این، بدان معناست که مؤمن باید در انفاق در راه خدا، آن قدر گشاده دست باشد که خیال کند، اسراف کرده است؛ ولی در واقع، کار او اسراف نیست؛ بلکه گشاده دستی است. با این توضیح، مقصود از روایاتی که دلالت دارند اسراف، در شماری از مصارف، قابل تحقق نیست نیز روشن می گردد، مانند آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرماید: *لَيْسَ فِي الطَّعَامِ سَرْفٌ*. (۲) در خوراک، اسراف نیست. یا از امام علی علیه السلام نقل شده که می فرماید: *لَيْسَ فِي الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ سَرْفٌ*. (۳) در خوردنی و آشامیدنی، اسراف نیست.

۱- الکافی: ج ۸ ص ۷۹ ح ۳۳.

۲- المحاسن: ج ۲ ص ۱۶۲ ح ۱۴۴۴.

۳- بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۶۱.

ص: ۳۷

یا روایت مرفوعه ای (۱) که کلینی رحمه الله آورده است: ما أَنْفَقَتْ فِي الطَّيِّبِ فَلَيْسَ بِسَرْفٍ . (۲) مالی که صرف بوی خوش (عطر) می‌کنی، اسراف نیست. بی تردید، مقصود از این روایات، این نیست که تهیه غذاهای گوناگون مازاد بر نیاز و یا پرخوری از آنها، اسراف نیست! یا اگر انسان، در و دیوار خانه اش را هر روز با عطر و گلاب شستشو دهد، مانعی ندارد؛ بلکه این را می‌رساند که گشاده دستی در تهیه غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های گوارا و عطرها دلپذیر، در حدّ میانه روی، اسراف محسوب نمی‌شود، چنان که در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: لَيْسَ فِيهَا أَصْلَحُ الْبَدَنِ إِسْرَافٌ... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِي مَا أَتْلَفَ الْمَالَ وَأُضْرَرَ بِالْبَدَنِ . (۳) در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد، اسراف نیست...؛ بلکه اسراف، در چیزهایی است که مال را تلف می‌کند و به بدن، زیان می‌رساند. در همه این موارد، مقصود، یک چیز است و آن، دفع توهم صدق اسراف، بر مصارفی است که گشاده دستی در آنها نه تنها نکوهیده نیست، بلکه نیکو و پسندیده است.

۱- حدیث مرفوع: حدیثی که راوی ای، آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از اهل بیت علیهم السلام نقل کرده؛ اما سلسله سند خود را تا گوینده حدیث، ذکر نکرده است.

۲- الکافی: ج ۶ ص ۵۱۲ ح ۱۶.

۳- میزان الحکمه: ج ۵ ص ۲۸۷ ح ۸۶۸۳.

**پنج . فرق اسراف و تبذیر**

پنج . فرق اسراف و تبذیر پیش از این ، توضیح دادیم که «اسراف»، به معنای تجاوز از حد اعتدال در هر کار است ؛ اما «تبذیر» از ریشه «بذر»، به معنای پاشیدن دانه است . هنگامی که این واژه، در مباحث اقتصادی به کار می رود، به معنای مصرف کردن مال، به صورت غیر منطقی و نارواست. معادل کلمه «تبذیر» در فارسی، «ریخت و پاش» است . برخی از لغت شناسان، در تبیین فرق میان اسراف و تبذیر گفته اند: *الإسرافُ تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِي صَيْرِفِ الْمَالِ ، وَالتَّبذِيرُ : إِتْلَافُهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ ، فَهُوَ أَعْظَمُ مِنَ الْإِسْرَافِ ، وَلِذَا قَالَ تَعَالَى : «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ» (۱) . (۲) اسراف ، به معنای گذشتن از حد ، در صرف مال است ، و تبذیر ، اتلاف مال در غیر محل آن است ، پس تبذیر از اسراف ، بدتر است ، و به همین جهت ، خدای متعال فرموده است : «همانا تبذیر کنندگان برادران شیاطین اند» . بنا بر این، «تبذیر»، عبارت است از مصرف کردن مال در جایی که نباید مصرف شود ، هر چند اندک باشد و بر این اساس ، تبذیر ، نوعی اسراف شمرده می شود، چنان که در برخی از روایات، به این مطلب تصریح شده است : *إِنَّ التَّبذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ . (۳)**

۱- . اسرا : آیه ۲۷ .

۲- . معجم الفروق اللغویة : ص ۱۱۴ .

۳- . ر . ک : ح ۱۲۸ .

## شش . اسراف ، عنوان کلی انواع مصرف های ناروا

## ۲ . افراط در رفاه طلبی و تجمل گرایی

## اشاره

همانا تبذیر، [نوعی] از اسراف است . از این رو، در شماری از روایات، اسراف و تبذیر، در کنار هم مورد نکوهش قرار گرفته اند :  
 إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَاسْرَافٌ . (۱) خرج کردنِ نا به جا ، به یقین ، حیف و میل و اسراف است . گفتنی است که  
 برخی، «تبذیر» را صفت کیفی می دانند و اسراف را صفت کمی . مثلاً اگر خریدن اجناس بسیار مرغوب، با آن قیمت های بالا ،  
 مورد نیاز نباشد، «تبذیر» است ؛ ولی اسراف نیست . به عکس، خریدن چند چیز بیش از حد نیاز، «اسراف» است و «تبذیر» نیست .  
 ولی با تأمل در آنچه در تبیین معنای اسراف و تبذیر گذشت، مشخص می شود که این سخن، صحیح نیست . اسراف و تبذیر، هم  
 می توانند صفت کیفی باشند و هم صفت کمی .

شش . اسراف ، عنوان کلی انواع مصرف های ناروا با عنایت به مفهوم دقیق «اسراف» باید گفت که این واژه ، عنوان کلی و جامع  
 انواع مصرف های نارواست . بنا بر این آنچه پس از این ، در ذیل عنوان مصرف های ناروا خواهد آمد ، در واقع ، مصداقی از  
 مصداقی اسراف است .

۲ . افراط در رفاه طلبی و تجمل گرایی خطرناک ترین مصداقی اسراف ، افراط در رفاه طلبی ، لذت جویی و



تجمل گرایی است که در قرآن و روایات اسلامی از آن، با عنوان های: «اتراف» و «تنعم»، یاد شده، و جامعه اسلامی، نسبت به آن، هشدار داده است. این ویژگی خطرناک، در واقع، زمینه ساز انواع گناهان و آلودگی های فردی و اجتماعی است. در روایتی، امام علی علیه السلام در باره خطر افراط در رفاه طلبی می فرماید: *اتَّقُوا سَيِّئَاتِ النَّعْمَةِ، واحذروا بَوَاقِ النَّعْمَةِ*. (۱) از سرمستی های نعمت بترسید و از سختی های خشم و انتقام [خداوند] دوری کنید. رفاه طلبی، لذت جویی، هواپرستی، خوش گذرانی و تجمل گرایی، چنان انسان را سرمست می کند که نه تنها برای مسائل انسانی و اخلاقی، ارزشی قائل نمی شود، بلکه در برابر کسانی که مردم را به ارزش های انسانی و اخلاقی دعوت می کنند، به مخالفت بر می خیزد. از این رو، در همه دوران ها، مترفان (خوش گذران ها)، در صف مقدم مخالفان پیامبران الهی بودند: *«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ \* وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ*. (۲) و [ما] در هیچ شهری، هشداردهنده ای نفرستادیم، جز آن که خوش گذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید،

۱- نهج البلاغه: خطبه ۵.

۲- سبأ: آیات ۳۴ و ۳۵.

### فرق میان تجمل و تجمل گرایی

کافریم» \* و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد». از این رو، برای پیشگیری از خطری که مترفان در طول تاریخ، گرفتار آن شدند، دوری گزیدن از رفاه طلبی و تجمل گرایی، ضروری است. در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: **إِيَّاكَ وَالتَّنَعُّمَ ؛ فَإِنَّ عِبَادَ اللَّهِ لَيْسُوا بِالْمُتَنَعِّمِينَ .** (۱) از نازپروردگی دور باش؛ که بندگان خداوند، نازپرورده نیستند.

فرق میان تجمل و تجمل گراییالته باید توجه داشت که پرهیز از تجمل گرایی، به معنای بی توجهی به آراستگی ظاهری زندگی نیست. از این رو، در روایات اسلامی، از یک سو، مسلمانان را به ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی توصیه می کند و از سوی دیگر، به زیبایی و آراستگی ظاهر، تشویق می کند. در حدیث نبوی آمده است: **إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى نِعْمَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ .** (۲) هر آینه، خداوند زیباست، زیبایی را دوست می دارد و دوستار آن است که نعمت خویش را بر بنده اش بنگرد. به سخن دیگر، میان تجمل و تجمل گرایی فرق است. تجمل، به معنای آراستگی ظاهر، و تجمل گرایی، به معنای افراط و زیاده روی در

۱- ر. ک: ح ۱۷۳.

۲- ر. ک: ح ۲۱.

**۳ . تباه کردن ثروت**

آراستگی است . میانه روی در بهره گیری از نعمت های الهی و آراستگی زندگی، امری در حد اعتدال نیکوست ، اما زیاده روی در آن ، مانند تنوع بیش از حد لباس و لوازم آرایشی ، و محیط آرایبی جدید هر ساله منزل، اسراف و نکوهیده است .

۳ . تباه کردن ثروت یکی از وظایف عقلی و شرعی شخص مسلمان ، پیشگیری از تباه شدن ثروت شخصی و مهم تر از آن، اندوخته های ملی است . تباهی ثروت ، گاه، در نتیجه سستی در پاسداری از آن است و گاه، بر اثر مصرف نابه جای آن . در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است : مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَيَأْتِيَهُ وَالْفَسَادُ! فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَإِسْرَافٌ ، وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَيَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ . وَلَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ ، وَكَانَ لِيُغَيِّرَهُ وَدُهُم . (۱) هر کس از شما که مالی دارد ، از فساد بر حذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال، نابه جا باشد ، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم، بر می کشد ، وی را نزد خداوند، فرو می آورد . هیچ کس نیست که مالش را نابه جا و برای غیر شایستگان صرف کند ، جز آن که خداوند، سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد . مصرف نابه جا نیز مصادیق مختلفی دارد که خطرناک ترین آنها ،

#### ۴ . ساخت و سازهای بی رویه و افزون بر نیاز

مصرف کردن مال در راه گناه و کارهای ناشایست است ، از امام علی علیه السلام نقل شده که می فرماید : إِنَّ إِتْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَعْظَمُ نِعْمَةٍ ، وَإِنَّ إِتْفَاقَهُ فِي مَعْاصِيهِ أَعْظَمُ مِحْنَةٍ . (۱) بخشیدن این مال برای بندگی خدا ، بزرگ ترین نعمت ، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند ، بزرگ ترین گرفتاری است . همه کارهایی که حقیقتاً یا حکماً ، به تباهی ثروت می انجامند، از مصادیق اسراف به شمار می روند و از نظر اسلام، نکوهیده و ناپسندند.

۴ . ساخت و سازهای بی رویه و افزون بر نیازی دیگر از مصادیق اسراف که مورد ابتلای بسیاری از ثروتمندان است ، ساخت و سازهای بی رویه و افزون بر نیاز است . در روایتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است : مَنْ بَنَى بِنَاءً أَكْثَرَ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ ، كَانَ عَلَيْهِ وَبِالْأَيَّامِ الْقِيَامَةِ . (۲) هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد ، روز قیامت، بر او سنگینی خواهد کرد . این نوع اسرافکاری، بویژه در شرایطی که بسیاری از مردم، توان تهیه کوچک ترین سرپناه را برای خود ندارند ، به شدت، نکوهیده شده است ، و معصومان علیهم السلام در روایاتشان با تعبیرهای بسیار تندی،

۱- ر . ک : ح ۱۹۳ .

۲- ر . ک : ح ۲۰۳ .

**۵. پیروی کورکورانه از بیگانگان، در مصرف**

مسلمانان را از ساختن چیزی که به آن نیاز ندارند، نهی کرده اند. (۱)

۵. پیروی کورکورانه از بیگانگان، در مصرفمانند بیگانگان مصرف کردن، پیامدهای زیانباری برای اقتصاد و فرهنگ جامعه اسلامی دارد؛ اما بی تردید، آثار سوء فرهنگی مصرف گرایی به شیوه بیگانگان، به مراتب، خطرناک تر از زیان های اقتصادی آن است. از دیرباز، بیگانگان برای به سلطه درآوردن کشورهای دیگر، از اقتصاد، به عنوان ابزار سلطه فرهنگی و به دنبال آن، سلطه سیاسی، بهره می بردند. از این رو، در روایات اسلامی، مسلمانان، به شدت از تشبیه به بیگانگان در مصرف و پیروی کورکورانه از آنان نهی شده اند. در حدیثی، امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می فرماید: *أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَلَا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي، وَلَا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي؛ فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي.* (۲) خداوند، به یکی از پیامبران وحی فرمود که به قومش بگوید: همچون دشمنان خدا لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به شکل ایشان درنیایند، که در این حال، همچون آنان، دشمن خدا خواهند بود.

۱- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: ج ۲ ص ۶۱۹ «نگاهداری مال».

۲- ر. ک: ح ۲۱۵.

**۶. تفریط در مصرف**

و بر این اساس، مصرف گرایی به شیوه بیگانگان، در صورتی که مصداق اسراف کمی نباشد، بی تردید، یکی از مصادیق بسیار خطرناک اسراف کیفی است و مبارزه همگان، برای پیشگیری از مفاسد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، لازم و ضروری است.

۶. تفریط در مصرف تفریط در مصرف، مانند اسراف و افراط در آن، پیامدهای زیان بار گوناگونی دارد. از این رو، اسلام، از یک سو، با افراط و اسراف در مصرف، به شدت مخالف است و به میانه روی و ساده زیستی، سفارش می کند و از سوی دیگر، تفریط در مصرف و سختگیری بر خود و خانواده را نیز محکوم می نماید. در حدیث نبوی آمده است: **كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَالْبَسُوا فِي غَيْرِ مَخِيلَةٍ وَلَا سَرَافٍ؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُرَى نِعْمَتُهُ عَلَى عَبْدِهِ.** (۱) بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخرفروشی و اسرافکاری، جامه بپوشید؛ زیرا هر آینه، خداوند دوست می دارد که نعمتش بر بنده اش نگریسته شود. افزون بر آیات و روایاتی که به بهره گیری از مواهب الهی، توصیه دارند، در احادیث فراوانی، کسانی که خود را از لذت های مشروع زندگی محروم می کنند، به شدت نکوهش شده اند. (۲)

۱- ر. ک: ح ۲۲.

۲- ر. ک: ص ۱۵۵ «تفریط در مصرف».

## ه راه کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی

### اشاره

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله ، هنگامی که شنید ده نفر از اصحاب او، شماری از لذت های زندگی را بر خود تحریم کرده اند ، ضمن نکوهش این اقدام ، در یک سخنرانی عمومی فرمود : **إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلُكُمْ بِالتَّشْدِيدِ ؛ شَدَّوْا عَلٰى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، فَأَوْلَيْتُكُمْ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارِ وَالصَّوَامِعِ .** (۱) جز این نیست که کسانی پیش از شما، بر خود سخت گرفتند و از این روی ، هلاک شدند . ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت . پس اینان (راهبان و کشیشان)، باقی مانده در دیرها و صومعه ها هستند .

ه راه کارهای اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملیهدر دادن منابع ملی و درست مصرف نکردن بودجه عمومی کشور ، یکی از بزرگ ترین خطرهایی است که همه نظام های سیاسی بویژه نظام هایی که مبتنی بر ارزش های اسلامی و مردم سالاری دینی اند را تهدید می کند . از این رو ، اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به مراتب، مهم تر، ضروری تر و فوری تر از اصلاح الگوی مصرف از درآمدهای فردی است . بر این اساس ، در جمهوری اسلامی ایران، همه ارگان ها، بویژه دولت ، باید با بهره گیری از فضایی که نام گذاری سال جاری (۱۳۸۸) برای اصلاح الگوی مصرف پدید آورده ، نهایت توان خود را در جهت اصلاح الگوی مصرف از بودجه عمومی و امکانات ملی، به کار گیرند

### ۱. تقویت برنامه ریزی های کلان اقتصادی

و این حرکت پُربرکت را در نهادهای تحت اشراف خود، به طور جدی آغاز کنند. مهم ترین راه کارهایی که با بهره گیری از رهنمودهای پیشوایان اسلام می توان برای اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، ارائه داد، عبارت اند از:

۱. تقویت برنامه ریزی های کلان اقتصادی نخستین گام در اصلاح الگوی مصرف از منابع ملی، تقویت برنامه ریزی های کلان اقتصادی است. در روایتی از امام علی علیه السلام می خوانیم: *حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَتَجَنُّبُ التَّبْذِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ*. (۱) *حُسن تدبیر و پرهیز از حیف و میل، [بخشی] از حُسن سیاست است. بر پایه این روایت، سیاستمداران نظام اسلامی برای استفاده بهینه از منابع ملی، از یک سو باید تدبیرهای اقتصادی خود را تقویت کنند و از سوی دیگر، از زیاده روی ها و ریخت و پاش های بی فایده در دستگاه های دولتی، پیشگیری نمایند. امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید: *سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ*. (۲) *سوء تدبیر، کلید فقر است.**

۱- ر. ک: ح ۲۱۸.

۲- میزان الحکمه: ج ۵ ص ۴۳۷ ح ۹۱۸۵.



## ۲ . استفاده بهینه از منابع ملی

### ۳ . نهایت صرفه جویی

این سخن، اشاره بدین معناست که سیاستمدارانی که از تدبیر لازم در مدیریت اقتصادی کشور برخوردار نیستند، زمینه ساز عقب ماندگی اقتصادی جامعه هستند .

۲ . استفاده بهینه از منابع ملی رعایت اولویت هایی که موجب استفاده بهینه از منابع ملی و بودجه عمومی است ، به مراتب، مهم تر از رعایت اولویت ها در هزینه کردن از منابع شخصی است . از این رو، بر همه مدیران در نظام اسلامی، فرض است که با همه توان خود تلاش کنند تا از منابعی که از بودجه عمومی در اختیار دارند، به بهترین وجه، در جهت مصالح مردم استفاده نمایند و بدین سان، در آزمون امانتداری اموال عمومی، موفق باشند : «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَكْفَىٰ لَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا . (۱) در حقیقت ، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند» . بی تردید ، تلاش برای استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی ، یکی از مصادیق بارز این آیه کریمه ، و موفقیت در این تلاش ، دستیابی به پاداش بهترین عمل است .

۳ . نهایت صرفه جویی از لوازم اجتناب ناپذیر استفاده بهینه از منابع ملی ، صرفه جویی همراه با تدبیر ، در مصرف بودجه عمومی است . امام علی علیه السلام در این

۱- . کشف : آیه ۷ .

#### ۴ . پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی

باره، بخش نامه ای به کارگزاران حکومتی خود دارد که بسیار قابل تأمل و آموزنده است . متن این بخش نامه، چنین است : اَدِقُوا أَقْلَامَكُمْ ، وَقَارِبُوا بَيْنَ سِطُورِكُمْ ، وَاحْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ ، وَاقْصِدُوا قَصَدَ الْمَعَانِي ، وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ ؛ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ . (۱) قلم هایتان را تیز کنید ، سطرها را به هم نزدیک سازید ، [ در نگارش ] برای من ، زیادی ها را حذف کنید و به معنا بنگرید ، و از زیاده نویسی پرهیزید ؛ چرا که بیت المال مسلمانان ، زیان بر نمی تابد . این بخش نامه، بدین معناست که سیاست صرفه جویی در اموال عمومی باید به صورت قانون و دستور العمل، به کارگزاران نظام اسلامی ابلاغ شود و آنان موظف اند برای بهره گیری بهتر و بیشتر از وقت خود و مدیریت های بالاتر از خود و امکانات ملی نهایت صرفه جویی را داشته باشند .

۴ . پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی در نظام اسلامی، پیشگیری از سوء استفاده شخصی و خانوادگی از امکانات ملی باید در میان کارگزاران آن ، به فرهنگ تبدیل شود. آنان باید توجه داشته باشند که اموال عمومی در اختیار آنها، در واقع ، امانت ملی اند و تنها در خصوص مسئولیتی که به عهده دارند، می توانند از این

ص: ۵۰

امکانات استفاده کنند ، و هرگونه استفاده شخصی از امکانات عمومی، نامشروع است . مشهور است که امیر مؤمنان علیه السلام ، شبی وارد بیت المال شد و چگونگی تقسیم اموال را می نوشت که طلحه و زبیر، نزد ایشان رسیدند . به محض ورود آنها ، امام، چراغی که در برابرش بود، خاموش کرد و دستور داد تا چراغی دیگر از خانه اش آوردند! آنان که از این برخورد امام، شگفت زده شده بودند ، سبب آن را پرسیدند . امام علیه السلام پاسخ داد : *كَانَ زَيْتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ، وَلَا يَتَّبِعِي أَنْ تُصَاحِبَكُمْ فِي ضَوْئِهِ .* روغن آن چراغ، از بیت المال بود ؛ از این رو، سزاوار نیست که با شما در روشنایی اش هم نشینی کنیم! (۱) در حکومت امام علی علیه السلام در بهره گیری از بیت المال، تفاوتی میان نزدیکان امام و دیگران وجود نداشت . یکی از نکات بسیار آموزنده در سیره علوی، این است که یک روز پیش از شهادت آن امام بزرگ، مردم بر او وارد شدند و گواهی دادند که حقوق آنان را از بیت المال، به طور یکسان رعایت کرده ، استفاده شخصی از بیت المال نداشته و با دورترین مردم در حکومت، همانند نزدیک ترین آنان به او ، رفتار شده است . (۲)

۱- ر . ک : ح ۲۲۶ .

۲- ر . ک : ح ۲۲۸ .

**۵. دوری جستن از بذل و بخشش اموال عمومی**

بنا بر این، پیروان راستین امام علی علیه السلام و مدیرانی که افتخار خدمت در نظام منسوب به آن بزرگوار را دارند، باید با یاری جستن از خداوند متعال و روح بلند آن امام بزرگ، همه توان خود را در جهت نزدیک شدن هر چه بیشتر به آن الگوی کامل انسانیت، به کار گیرند.

۵. دوری جستن از بذل و بخشش اموال عمومی از دیدگاه اسلام، بخشش، نیکوست؛ اما از اموال خود، نه از اموال دیگران. بخشش از اموال دیگران، نه تنها نیکو نیست، بلکه نکوهیده و ناپسند است. لذا در نظام اسلامی، دولتمردان حق ندارند از اموال ملی ببخشند. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: **جودُ الْوَالِهَةِ بِفِيءِ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَخَتْرٌ**. (۱) بخشش حکمرانان از اموال مسلمانان، بیدادگری و خیانت است. در سیره حکومتی علوی آمده که: هنگام تقسیم بیت المال، برده پیری، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و تقاضای یاری کرد. امام علیه السلام به او فرمود: **وَاللَّهِ، مَا هُوَ بِكَدِّ يَدِي وَلَا تُرَاثِي مِنَ الْوَالِدِ، وَلَكِنَّهَا أَمَانَةٌ أُرْعِيْتُهَا فَأَنَا أُؤَدِّيْهَا إِلَى أَهْلِهَا**. (۲) به خدا سوگند! که این، نه دست رنج من است و نه میراثم از پدر؛ بلکه امانتی است که به من سپرده شده. پس آن را به اهلیش می‌رسانم.

۱- ر. ک: ح ۲۲۹.

۲- ر. ک: ح ۲۳۱.

## و سیره پیشوایان دین در مصرف

### ۱. رعایت وظیفه خاص پیشوایان

در ادامه ، امام علیه السلام با درخواست یاری از مردم ، مشکل آن نیازمند را حل کرد . (۱)

و سیره پیشوایان دین در مصرف عصمت پیشوایان بزرگ الهی و مصونیت آنان از گناه و اشتباه ، ایجاب می کند که سیره عملی آنان در مسائل مختلف و از جمله ، مصرف درآمدها، یکسان باشد و تفاوت های ظاهری ، مقتضای شرایط زمان و مکان زندگی آنهاست . مثلاً اگر امام علی علیه السلام در زمان امام صادق علیه السلام زندگی می کرد ، همان گونه می زیست که امام صادق علیه السلام زندگی کرده بود. عکس این مطلب نیز صادق است . بر این اساس ، نکاتی که در سیره عملی هر یک از پیشوایان دیده می شود، قابل تسری به همه آنهاست . با این نگاه، در بررسی سیره پیشوایان بزرگ دین، مشخص می شود که همه باید و نبایدهای الگوی مصرف ، رعایت شده ؛ اما چند نکته ، برجسته و قابل توجه است :

۱. رعایت وظیفه خاص پیشوایان وظیفه الهی همه پیشوایان عدل، این است که در مصرف ، همانند تھی دست ترین مردم زندگی کنند تا اُسوه و الگویی برای همه مردم باشند و مشکلات اقتصادی ، فشار روانی دوچندانی بر بینوایان وارد نسازد :

**۲. رعایت مقتضیات زمان**

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَىٰ أُمَّهِ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ . (۱) خداوند، بر پیشوایان عادل، واجب کرده است که خود را با مردم تهی دست، همسان سازند تا مبادا ناداری تهی دست، او را برافروخته سازد. از این رو، انبیا و امامان، (۲) در شرایطی که فقر، از جامعه ریشه کن نشده بود، نهایت قناعت و ساده زیستی را در زندگی خود رعایت می کردند؛ اما در عین حال، دیگران را به میانه روی توصیه می نمودند و اجازه نمی دادند که دیگران، خود را از لذت های مشروع زندگی، محروم کنند. (۳)

۲. رعایت مقتضیات زمانپیشوایان دین، همواره مقتضیات زمان خود را در مقدار مصرف و چگونگی آن، رعایت می کردند، بدین معنا که: اولاً امامان، کاری را که موجب انگشت نما شدن آنها شود، انجام نمی دادند. از این رو، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به او ایراد می گیرد که: «چرا بر خلاف سیره جدت امام علی علیه السلام که از لباس های ارزان و خشن استفاده می کرد، از لباس نو و نرم استفاده می کنی؟!» می فرماید: «علی علیه السلام در زمانی از آن نوع لباس استفاده می کرد که در فرهنگ عمومی، زشت نبود و اگر در

۱- ر. ک: ح ۲۳۲ .

۲- ر. ک: ص ۱۸۵ «همسانی با ناتوان ترین مردم» .

۳- ر. ک: ص ۱۰۵ «میانه روی در مصرف» .

**۳ . در تنگنا قرار ندادن خانواده**

زمان ما چنین لباسی می پوشید، انگشت نما می شد . بنا بر این ، بهترین لباس در هر زمان ، لباس مردم همان زمان است». (۱) ثانیاً در شرایط مناسب اقتصادی، که همه مردم می توانستند از امکانات مناسب زندگی، بهره مند شوند ، امامان علیهم السلام نیز از استفاده از مواهب الهی، پرهیز نمی کردند . به همین جهت، در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به این ایراد سفیان ثوری که به ایشان گفته بود: «چرا پدران از لباس های زیبا استفاده نمی کردند؛ اما شما استفاده می کنید؟» می فرماید: «آنان در روزگاری زندگی می کردند که مردم در فقر و تنگ دستی بودند؛ ولی در شرایط کنونی که وضع اقتصادی مردم خوب است ، نیکان، سزاورترند که از مواهب الهی، بهره مند شوند». (۲)

۳ . در تنگنا قرار ندادن خانواده هقناعت و ساده زیستی پیشوایان، موجب در تنگنا قرار دادن خانواده و سختگیری بر آنان نبود . شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امکانات مورد نیاز خانواده خود را به خوبی تأمین می کرد و در باره فلسفه این اقدام ایشان می فرماید: **إِنَّ النَّفْسَ إِذَا عَرَفَتْ قُوَّتَهَا قِنَعَتْ بِهٖ وَنَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ** . (۳) نفس انسان، اگر از روزی اش آگاه باشد ، به آن رضایت می دهد ، و گوشت، با روزی می روید .

۱- ر . ک : ح ۲۴۴ .

۲- ر . ک : ح ۲۴۶ .

۳- ر . ک : ح ۲۵۲ .

#### ۴. آراستگی همراه با ساده زیستی

این سخن، بدین معناست که اگر امکانات مورد نیاز انسان در زندگی، تأمین نباشد، از نظر روحی و جسمی، با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ اما وقتی نیازهای او تأمین شود، احساس آرامش روانی می‌کند و از نظر جسمی هم نیرومند می‌گردد. پیشوایان الهی، شخصاً از قدرت روحی خارق العاده‌ای برخوردار بودند که کمبودهای مادی، آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌داد؛ ولی همسر و یا دیگر اعضای خانواده آنها که از این قدرت روانی برخوردار نبودند نمی‌توانستند مانند آنها باشند. همچنین گزارش کتاب شریف الکافی، از خانه مزین همسر امام باقر علیه السلام (۱) نیز نشانگر این معناست که هر چند اهل بیت علیهم السلام در زندگی شخصی، فقر اختیاری را برگزیده بودند، اما هیچ‌گاه همسر و خانواده خود را در تنگنا و سختی قرار نمی‌دادند.

۴. آراستگی همراه با ساده زیستی پیشوایان الهی، به موجب روایت: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (۲) در عین ساده‌زیستی، از نظر ظاهری، کاملاً آراسته بودند. البته آراستگی آنان، شبیه آرایش اسرافکاران و مستکبران نبود؛ ولی آنان از نظر رنگ لباس، پاکیزگی و معطر بودن، برای مخاطبان، جذابیتی خاص داشتند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

۱- ر. ک: ح ۲۵۴.

۲- ر. ک: ح ۲۱.



**۵. گرامی داشت میهمان**

العِطْرُ مِنَ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ . (۱) عطر زدن، از سنت های پیامبران است . همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید :  
 كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ . (۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای عطر، بیشتر از  
 غذا خرج می کرد . روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، نه تنها برای خانواده خود ، بلکه برای دیدار با یارانش نیز  
 خویشتن را می آراست و می فرمود : «خداوند، دوست دارد که بنده اش وقتی برای دیدار با برادرانش از خانه بیرون می رود، خود  
 را بیاراید و آماده دیدار آنها نماید» . (۳)

۵. گرامی داشت میهمانیکی از حقوق میهمان، گرامی داشتن اوست . در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است : إِنَّ مِنْ  
 حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ يُكْرَمَ . (۴) از حقوق میهمان ، این است که گرامی داشته شود . در احادیث اسلامی، رهنمودهای فراوانی برای  
 چگونگی احترام به

۱- ر. ک : ح ۲۵۵ .

۲- ر. ک : ح ۲۶۱ .

۳- ر. ک : ح ۲۵۷ .

۴- الکافی : ج ۶ ص ۲۸۵ ح ۳ (عن سلیمان بن حفص عن الإمام الصادق عليه السلام) ، کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۳ ص ۳۵۷  
 ح ۴۲۶۱ ، مکارم الأخلاق : ج ۱ ص ۳۲۹ ح ۱۰۵۰ (وفيه «وفى خبرٍ آخر...» وليس فيهما «أن يكرم»)، بحار الأنوار : ج ۷۵ ص ۴۵۵  
 ح ۲۶ .

ص: ۵۷

میهمان، وارد شده است. (۱) یکی از آنها آماده سازی بهترین غذایی است که تهیه آن برای میزبان، به سادگی امکان پذیر است. از امام علی علیه السلام روایت شده که می فرماید: إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ، فَأَطِعْهُ مِنْ أَطِيبِ مَا فِي بَيْتِكَ. (۲) هرگاه برادر مؤمن بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانه ات داری، به او بخوران. بر پایه روایاتی که کلینی رحمه الله نقل کرده، اهل بیت علیهم السلام، خود، در انجام دادن این رهنمود، پیش گام بودند. ابو خالد کابلی، روایت کرده که صبحانه ای میهمان امام باقر علیه السلام بودم. تا آن موقع، غذایی پاکیزه تر و خوش بوتر از آن صبحانه نخورده بودم. پس از صرف غذا امام علیه السلام به من فرمود: كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا؟ چگونه دیدی غذای ما را؟ گفتم: که غذایی پاکیزه تر و خوش بوتر از آن نخورده بودم؛ ولی [هنگام خوردن غذا] به یاد این آیه افتادم که در کتاب خدا آمده: «لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». (۳) البته در قیامت، از نعمت هایی که داشته اید، بازپرسی خواهید شد». گویا، ابو خالد، تصوّر می کرد که خوردن غذای لذیذ و مطبوع،

۱- تفصیل این رهنمودها در کتاب فرهنگ نامه مهمانی از نگاه قرآن و حدیث آمده است.

۲- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۰۷ ح ۳۴۲.

۳- تکاثر: آیه ۸.

**۶. ایثار نسبت به نیازمندان**

موجب طول حسابرسی روز قیامت خواهد شد؛ از این رو، در فکر بود که چرا در خانه امام باقر علیه السلام غذایی به این لذیذی تهیه شده است؟! بدین جهت، ابهام خود را با اشاره به آیه یاد شده مطرح کرد. امام در پاسخ وی فرمود: لا، إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ. (۱) نه! آنچه درباره اش از شما بازخواست می کنند، عقیده حقی است که شما دارید. روایات دیگری نیز این معنا را تأیید می کنند. (۲) در برخی از آنها آمده که خداوند، بزرگوارتر از آن است که روز قیامت در باره نعمت های حلال و مشروعی که به مردم عنایت کرده، بازجویی کند؛ بلکه بازجویی های قیامت، در باره مسائل اساسی اعتقادی، اخلاقی و عملی خواهد بود. (۳)

۶. ایثار نسبت به نیازمندان یکی از ویژگی های پیشوایان الهی، این بود که تأمین نیازهای دیگران را بر خود مقدم می داشتند. در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده: مَا شَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةٍ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا، وَلَوْ شَاءَ لَشَبَّحَ، وَلَكِنَّهُ كَانَ يُؤَثِّرُ عَلَى نَفْسِهِ. (۴) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیاپی، غذای سیر نخورد. البته اگر می خواست، می توانست سیر بخورد؛ اما دیگران را بر خود، مقدم می داشت. اهل بیت آن بزرگوار نیز مانند ایشان عمل می کردند. داستان های بسیار آموزنده ای از ایثار خاندان رسالت نقل شده که متن آنها در فصل ششم کتاب خواهد آمد.

۱- ر. ک: ح ۲۶۳.

۲- ر. ک: ص ۲۰۵ «احترام به مهمان».

۳- ر. ک: ح ۲۶۵.

۴- ر. ک: ح ۲۶۸.

ص: ۵۹

..

ص: ٦٠

الفصل الأول: مبادئ نَمَطِ الإِسْتِهْلَاكِ ١ / العَقْلانِيَّتُهاالإمام على عليه السلام: العَقْلُ أَنْكَ تَقْتَصِدُ فَلَ تَسْرِفُ ، وَتَعِدُ فَلَ تُخْلِفُ ، وَإِذَا عَضِبْتَ حَلُمْتَ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام فى بَيانِ جُنُودِ العَقْلِ والجَهْلِ : القَصْدُ ، الإِسْرَافُ . (٢)

١ / الإِيْمَانُ بِأَنَّ المِلْكِيَةَ لِلَّهِ وَأَنَّ المَوارِدَ هِيَ أمانُهاالكتاب: «قُلِ اللّهُمَّ مَلِكِ المُلْكِ تُؤْتِي المُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ المُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُؤَدِّلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (٣)

١- غرر الحكم : ح ٢١٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠ ح ٩٩ وليس فيه ذيله .

٢- تحف العقول : ص ٤٠٢ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٥٩ .

٣- آل عمران : ٢٦ .

## فصل یکم: مبانی الگوی مصرف

### ۱ / اپیروی عقل

#### ۱ / ایمان به مالکیت خداوند متعال ، و این که همه چیز، امانت است

فصل یکم: الگوی مصرف ۱ / اپیروی عقلامام علی علیه السلام: خردمندی ، این است که : میانه روی کنی و اسراف نکنی ؛ وعده بدهی و خُلف وعده نکنی ؛ و چون خشمگین شدی ، بردبار باشی .

امام صادق علیه السلام در توضیح سپاه عقل و ضد آن :میانه روی ، [و در برابر آن] زیاده روی.

۱ / ایمان به مالکیت خداوند متعال ، و این که همه چیز، امانت استقرآن :«بگو : خدایا! [ای] مالک فرمان روا! به هر که بخواهی ، فرمان روایی می دهی و از هر که بخواهی ، فرمان روایی را باز می ستانی . هر که را بخواهی ، عزیز می کنی و هر که را بخواهی ، خوار می کنی. همه خوبی ها به دست توست . تو بر همه چیز ، توانایی.» .

ص: ۶۲

«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ» (۱).

«وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (۲).

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله في صفة الله سبحانه وتعالى: وَالْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ إِيَّاهُ. (۳)

الإمام علي عليه السلام وقد سُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِمْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ: إِنَّا لَا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئًا، وَلَا نَمْلِكُ إِلَّا مَا مَلَكَنا، فَمَتَى مَلَكَنا مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنَّا كَلَّفْنَا، وَمَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَلَنَا. (۴)

جامع الأخبار: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الْمَالُ مَالِي، وَالْفُقَرَاءُ عِيَالِي، وَالْأَغْنِيَاءُ وَكَلَائِي، فَمَنْ بَخَلَ بِمَالِي عَلَى عِيَالِي أُدْخِلَهُ النَّارَ وَلَا أُبَالِي. (۵)

الإمام الصادق عليه السلام: الْمَالُ مَالُ اللَّهِ، جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْدًا وَيَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَلْبَسُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَنْكَحُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَرْكَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ أَكَلَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا لَبَسَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا نَكَحَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَمَا رَكَبَهُ مِنْهُ حَرَامًا. (۶)

۱- الفرقان: ۲.

۲- النور: ۳۳.

۳- تحف العقول: ص ۳۷ وص ۲۳۱ عن الإمام الحسن عليه السلام، التوحيد: ص ۳۶۱ ح ۷، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۳۴ كلاهما عن سليمان بن جعفر الجعفرى عن الإمام الرضا عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۴۸ عن سليمان بن جعفر الحميرى عن الإمام الرضا عليه السلام، فقه الرضا عليه السلام: ص ۴۰۹ عن العالم عليه السلام عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۴۰ ح ۲۲.

۴- نهج البلاغه: الحكمة ۴۰۴، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۲۱۰ ح ۴۹؛ دستور معالم الحكم: ص ۹۰.

۵- جامع الأخبار: ص ۲۰۲ ح ۴۹۲.

۶- أعلام الدين: ص ۲۶۹ عن عيسى بن موسى، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۱۶ ح ۷۴.

ص: ۶۳

«و برای او شریکی در فرمان روایی نبوده است».

«و از آن مالی که خداوند به شما داده است، به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]».

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مقام توصیف خدای پاک و متعال: [خدا] مالک آن چیزی است که بندگان را مالک آن کرده است.

امام علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال که معنای: «لا حول ولا قوه الا بالله» چیست؟ - ما با خداوند [و در عرض او]، مالک چیزی نیستیم و چیزی نداریم، جز آنچه او به ما داده است. پس هر گاه ما را مالک چیزی کرد که خود بندگان مالک تر از ماست، تکلیفی بر عهده مان گذاشته است و هر گاه آن را از ما گرفت، تکلیف خود را از ما برداشته است.

جامع الأخبار: خدای متعال فرمود: «همه دارایی‌ها مال من است و نیازمندان، نانخوران من و ثروتمندان، کارگزاران من هستند. پس کسی که در مورد دارایی من، نسبت به اهل خانه من دریغ کند، او را وارد آتش خواهم کرد و باکی ندارم».

امام صادق علیه السلام: همه دارایی‌ها، دارایی خدای عز و جل است. آن را نزد بندگان امانت نهاده است و به آنها فرمان داده که با میانه روی، از آن بخورند و با میانه روی، از آن بیاشامند و با میانه روی، از آن بپوشند و با میانه روی، با آن ازدواج کنند و با میانه روی، به آن [بر مرکب] سوار شوند و غیر از این نیازها [هرچه اضافه بماند] را به مؤمنان نیازمند برگردانند. پس کسی که از این فرمان تجاوز کند، خوردن و آشامیدن و پوشیدن و وصلت کردن و سواری گرفتن از طریق این دارایی‌ها، برای او حرام خواهد بود.



ص: ۶۴

عنه عليه السلام لَمَا قِيلَ لَهُ: مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: أَلَّا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مُلْكَاً؛ لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مُلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَا لَ اللَّهُ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ... فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مُلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِي مَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ. (۱)

تفسير العياشى عن أبان بن تغلب: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَرَى اللَّهَ أَعْطَى مَنْ أَعْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ وَمَنَعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ؟! لَا، وَلَكِنَّ الْمَالَ مَا لَ اللَّهُ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ، وَجَوَّزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً، وَيَشْرَبُوا قَصْداً، وَيَلْبَسُوا قَصْداً، وَيَنْكِحُوا قَصْداً، وَيَرْكَبُوا قَصْداً، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْمُوا بِهِ شَعْنَهُمْ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالاً، وَيَشْرَبُ حَلَالاً، وَيَرْكَبُ حَلَالاً، وَيَنْكِحُ حَلَالاً؛ وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً. ثُمَّ قَالَ: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، (۲) أَتَرَى اللَّهَ ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَا خَوَّلَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَيَجْزِيهِ فَرَسَ بَعْشَرِينَ دِرْهَمًا، وَيَشْتَرِيَ جَارِيَةً بِأَلْفِ دِينَارٍ وَيَجْزِيهِ جَارِيَةً بِعَشْرِينَ دِينَارًا؟! وَقَالَ: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». (۳)

۱- مشكاه الأنوار: ص ۵۶۳ ح ۱۹۰۱ عن عنوان البصرى، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۲۲۵ ح ۱۷.

۲- الأعراف: ۳۱.

۳- تفسير العياشى: ج ۲ ص ۱۳ ح ۲۳، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۵ ح ۶.

ص: ۶۵

امام صادق علیه السلام چون به ایشان گفته شد: حقیقت پرستش چیست؟ - سه چیز است: بنده، آنچه را خداوند به او بخشیده، دارایی خود نداند؛ چرا که بندگان، دارایی ندارند و همه دارایی‌ها را از آن خدا می‌دانند و آن را در همان مواردی که خدای متعال به ایشان فرمان داده، مصرف می‌کنند... پس هنگامی که بنده، آنچه را خدای متعال به او سپرده، دارایی خود نداند، خرج کردن در مواردی که خدای متعال فرمان داده، بر او آسان خواهد شد.

تفسیر العیاشی به نقل از ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا گمان می‌کنی که خداوند، با کرامت خویش، بعضی را مال بخشیده و برخی دیگر را خوار شمرده و مال را از آنان دریغ فرموده است؟! چنین نیست؛ بلکه مال، از آن خداوند است و آن را نزد انسان امانت می‌نهد و آدمیان را مجاز می‌شمرد که با میانه روی، بخورند و بیاشامند و بپوشند و زناشویی کنند و سواری بگیرند و بیشتر از این حد را به مؤمنان فقیر ببخشند و نیازهای آنان را برآورده سازند. آن کس که چنین کند، آنچه می‌خورد و می‌آشامد و سواری می‌شود و به زناشویی می‌گیرد، حلال است؛ و آن کس که از این حد بگذرد، بهره‌وری هایش حرام است». سپس فرمود: «خداوند فرموده است:» [و اسراف نکنید؛ که هر آینه، او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد]. آیا گمان می‌کنی خداوند، انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد، حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می‌کند و یا کنیزی به بهای هزار دینار بخرد، در حالی که کنیزی بیست دیناری، وی را بس است؟!» و [دوباره] فرمود: «و اسراف نکنید؛ که هر آینه، او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد».

ص: ٦٦

١ / ٣ الإيمان بالأخوة الدينيتها الكتاب: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (١).

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ إِنْ اشْتَكَى رَأْسَهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَالشَّهْرِ . (٢)

صحيح البخارى عن أبى موسى عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا ، وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ ، إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ (٤) ، وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالَاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا . (٥)

١- الحجرات : ١٠ .

٢- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٠٠ ح ٦٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٣٩١ ح ١٨٤٦٠ ، المصنّف لابن أبى شيبة : ج ٨ ص ١٤١ ح ١١٤ ، الإيمان لابن منده : ج ١ ص ٤٥٥ ح ٣١٨ نحوه وكلّها عن النعمان بن بشير ، كنز العمال : ج ١ ص ١٤٣ ح ٦٩٤ .

٣- صحيح البخارى : ج ١ ص ١٨٢ ح ٤٦٧ وج ٢ ص ١٦٣ ح ٢٣١٤ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ١٩٩٩ ح ٦٥ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٣٢٥ ح ١٩٢٨ وليس فيهما ذيله وكلّها عن أبى موسى ، كنز العمال : ج ١ ص ١٤١ ح ٦٧٤ ؛ جامع الأخبار : ص ٢١٧ ح ٥٤٢ ، المجازات النبويه : ص ٢٨٢ وليس فيهما ذيله .

٤- قال المجلسى قدس سره : قوله : «إِنْ اشْتَكَى» الظاهر أنّه بيان للمشبه به ، والضمير المستتر فيه وفى «وجد» راجعان إلى المرء أو الإنسان أو الروح الذى يدلّ عليه الجسد ، وضمير «منه» راجع إلى الجسد (مرآة العقول : ج ٩ ص ١٢) .

٥- الكافى : ج ٢ ص ١٦٦ ح ٤ ، مصادقه الإخوان : ص ١٥١ ح ٢ كلاهما عن أبى بصير ، الاختصاص : ص ٣٢ ، المؤمن : ص ٣٨ ح ٨٦ وفيهما «روح الله» بدل «روح واحده» ، بحار الأنوار : ج ٦١ ص ١٤٨ ح ٢٥ .

ص: ۶۷

**۱ / اعتقاد به برادری دینی**

۱ / ۳ اعتقاد به برادری دینیقرآن: «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند. پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید» .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمنان، همانند یک فردند که هر گاه سرش درد بگیرد، دیگر اعضایش نیز با تب و بی خوابی، با او هم صدا می شوند .

صحیح البخاری به نقل از ابو موسی اشعری - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مؤمن برای مؤمن [دیگر]، به سان ساختمانی است که اجزای آن، یکدیگر را محکم می سازند» و [برای نشان دادن انسجام و همبستگی مؤمنان] انگشتان خود را در هم فرو بُرد .

امام صادق علیه السلام: مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می کنند . روح آن دو مؤمن، از یک روح است و اتصال روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از اتصال پرتو خورشید به خورشید است.

ص: ۶۸

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَأُمَّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهَرَ لَهُ الْآخَرُونَ. (۱)

راجع: موسوعه میزان الحکمه: ج ۱ ص ۳۵۳ (الفصل الأول: تشريع الإخاء الديني / مثل المجتمع الديني مثل الجسد الواحد). و ج ۵ ص ۴۲۵ (الفصل الثامن: خصائص المؤمن / الخصائص الاجتماعية / المواساه).

۱ / ۴ التَّكَامُلُ الزَّوْجِيُّ وَمُلازِمَتُهُ لِعَمَلِيَّتِهِ كَبِحِ اللَّذَاتِ الْمَادِّيَّاتِ الْكِتَاب: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (۲).

الحديث: الإمام علي عليه السلام: إِغْلِبِ الشَّهْوَةَ تَكْمُلْ لَكَ الْحِكْمَةُ. (۳)

عنه عليه السلام: رُدُّ الشَّهْوَةِ أَقْضَىٰ لَهَا، وَقَضَاؤُهَا أَشَدُّ لَهَا. (۴)

- 
- ۱- الكافي: ج ۲ ص ۱۶۵ ح ۱ عن المفضل بن عمر، المؤمن: ص ۳۸ ح ۸۴، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۲۶۴ ح ۴.
  - ۲- النازعات: ۴۰ و ۴۱.
  - ۳- غرر الحکم: ح ۲۲۷۲. عيون الحکم والمواعظ: ص ۷۵ ح ۱۸۱۰.
  - ۴- غرر الحکم: ح ۵۳۹۰.

ص: ۶۹

**۱ / ۴ تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت های مادی**

امام صادق علیه السلام: همانا مؤمنان، برادران یکدیگرند از یک پدر و مادر. هر گاه در یکی از آنان، رگی [از درد] بزند، دیگران نیز برای او بی خوابی می کشند.

ر. ک: دانش نامه میزان الحکمه: ج ۲ ص ۳۱ «فصل یکم: تشریح برادری دینی / جامعه دینی، همانند پیکری واحد است» و ج ۸ ص ۴۰۷ «فصل هشتم: ویژگی های مؤمن / ویژگی های اجتماعی / ج همدردی و یاریگری».

۱ / ۴ تلازم تکامل معنوی و کنترل لذت های مادی قرآن: «و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس [خود] را از هوس باز داشت، پس جایگاه او همان بهشت است».

حدیث: امام علی علیه السلام: بر شهوت چیره شو، تا حکمت برایت کامل شود.

امام علی علیه السلام: بازداشتن شهوت، برای برآوردنش مناسب تر است و برآوردنش، آن را نیرومندتر می کند.

ص: ۷۰

عنه عليه السلام: لا تُرَخِّصْ لِنَفْسِكَ فِي مُطَاوَعَةِ الْهَوَىٰ وَإِثَارِ لَذَاتِ الدُّنْيَا؛ فَيَفْسُدَ دِينُكَ وَلَا يَصْلُحَ، وَتَخْسَرَ نَفْسَكَ وَلَا تَرِيحَ. (۱)

عنه عليه السلام: خِدْمَةُ الْجَسَدِ إِعْطَاؤُهُ مَا يَسْتَدْعِيهِ مِنَ الْمَلَأِذِ وَالشَّهَوَاتِ وَالْمُقْتَنِيَّاتِ، وَفِي ذَلِكَ هَلَاكُ النَّفْسِ. (۲)

عنه عليه السلام: لَا تُسْرِفْ فِي شَهْوَتِكَ وَغَضَبِكَ فَيُزِيرِيَا بِكَ. (۳)

عنه عليه السلام: دَوَاءُ النَّفْسِ الصَّوْمُ عَنِ الْهَوَىٰ، وَالْحِمِيَّةُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا. (۴)

- 
- ۱- غرر الحکم: ح ۱۰۴۰۰، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۷ ح ۹۵۹۲.
  - ۲- غرر الحکم: ح ۵۰۹۷، عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۴۵ ح ۴۶۵۰.
  - ۳- غرر الحکم: ح ۱۰۲۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۱ ح ۹۴۶۴.
  - ۴- غرر الحکم: ح ۵۱۵۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۰ ح ۴۶۸۶.

ص: ۷۱

امام علی علیه السلام: به نفس خود در پیروی از هوس و برگزیدن لذت های دنیا، رخصت مده که دین تو خراب می شود و درست نمی شود، و نفست زیان می بیند و سود نمی برد.

امام علی علیه السلام: خدمت تن کردن، به این است که لذت ها و خواهش ها و خوشی هایی را که می طلبد، برایش برآورده سازی و این، خود، موجب هلاکت نفس است.

امام علی علیه السلام: در شهوت و خشم خود، زیاده روی مکن، که تو را بدنام می کنند.

امام علی علیه السلام: داروی نفس، خوشتنداری از هوس است و پرهیز کردن از لذت های دنیا.



ص: ۷۲

الفصل الثانی: محالّ صرف الدخل الفردی ۲ / ۱۱ الإحتیاجات الخاصّة الكتاب: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (۱).

«وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ \* لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (۲).

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَةً وَرَبٌّ غَفُورٌ» (۳).

«فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۴).

۱- الملک: ۱۵ .

۲- یس: ۳۴ و ۳۵ .

۳- سبأ: ۱۵ .

۴- النحل: ۱۱۴ .

## فصل دوم : موارد تخصیص درآمد شخصی

### ۲ / نیازهای شخصی

فصل دوم : موارد تخصیص درآمد شخصی ۲ / ۱ نیازهای شخصی (۱) قرآن: «اوست که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در اطراف و کناره های آن ، راه بروید و از روزی او بخورید و [بدانید که] برانگیختن [در روز رستاخیز]، به سوی اوست.»

«و در آن ، بوستان هایی از درخت خرما و انگور پدید آوردیم و چشمه ها روان ساختیم تا از میوه آن بخورند و از آنچه به دست های خود کار کرده اند. پس آیا سپاس نمی گزارند؟» .

«هر آینه، مردم سبّا را در جای سکونتشان ، نشانه ای [از قدرت و نعمت ما] بود : دو بوستان ، از دست راست و از دست چپ. [گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید. شهری است خوش [و پُر نعمت] و خداوندی آمرزگار» .

«پس ، از آنچه خدا روزی تان کرده ، حلال و پاکیزه بخورید و نعمت خدای را سپاس بدارید ، اگر او را می پرستید و بس» .

۱-۱ . گفتنی است که در ادبیات اقتصادی موجود ، موارد تخصیص درآمد به سه دسته تقسیم می شود : مصرف شخصی ، سرمایه گذاری و هزینه کردن در راه خدا . آیات و روایات مربوط به موارد تخصیص درآمد نیز ، همان طور که پیش از این (ص ۱۱ درآمد) توضیح دادیم به همین نحو قابل دسته بندی است ، بدین سان که آیات و روایاتی که تحت عنوان «آشکار کردن نعمت» و «گشاده دستی برای خانواده» آمده اند ، در واقع بیان کننده مصرف در نیازهای شخصی محسوب می شوند ، بنابراین علت جدا کردن آنها در این فصل ، کنار هم قرار گرفتن آیات و روایات مشابه است ، نه چیز دیگر .

ص: ۷۴

«كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (۱).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۲).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (۳).

الحديث: الكافي عن محمد بن مسلم: قال رجلٌ لأبي جعفرٍ عليه السلام: إنَّ لى ضيعةً بالجبلِ أستغلُّها فى كلِّ سنةٍ ثلاثَ [هـ] آلافِ درهمٍ، فأنفقُ على عيالى منها ألفى درهمٍ وأتصدِّقُ منها بألفِ درهمٍ فى كلِّ سنةٍ، فقال أبو جعفرٍ عليه السلام: إن كانتِ الألفانِ تكفيهم فى جميعِ ما يحتاجون إليه لستَ بتهمُ فقد نظرتَ لنفسِكَ، ووفقتَ لِرشدِكَ، وأجريتَ نفسَكَ فى حياتِكَ بمنزلةِ ما يوصى به الحىُّ عندَ موتهِ. (۴)

الإمام الكاظم عليه السلام: اجعلوا لأنفسِكُم حظًا من الدنيا يعطيها ما تشتهى من الحلالِ، وما لا يتلُمُ المُرؤةَ، وما لا سيرَفَ فيه. واستعينوا بذلك على أمورِ الدينِ؛ فإنَّهُ روى: ليسَ مِنَّا من تَرَكَ دُنياهُ لدينه، أو تَرَكَ دينَهُ لدُنياهُ. (۵)

۱- طه: ۸۱.

۲- البقره: ۱۷۲.

۳- المائده: ۸۷ و ۸۸.

۴- الكافي: ج ۴ ص ۱۱ ح ۲، وسائل الشيعه: ج ۱۵ ص ۲۵۰ ح ۲۷۸۱۱.

۵- تحف العقول: ص ۴۱۰، فقه الرضا: ص ۳۳۷ وفيه «لم ينل» بدل «لا يتلم»، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۲۱ ح ۱۸.

ص: ۷۵

«از پاکیزه هایی که روزی تان کردیم ، بخورید و در آن ، از اندازه مگذرید که خشم من بر شما فرود می آید و هر که خشم من بر او فرود آید ، بی گمان، هلاک می شود» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم ، بخورید و خدای را سپاس گزارید؛ اگر او را می پرستید و بس» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام نکنید و از حد مگذرید؛ که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی دارد. و از آن چیزهای حلال و پاکیزه ای که خداوند روزی تان کرده، بخورید و از خداوندی که به او ایمان دارید ، پروا داشته باشید» .

حدیث: الکافی به نقل از محمد بن مسلم: مردی به امام باقر علیه السلام گفت: مرا در کوهستان ، زمینی است که هر سال، سه هزار درهم از بابت آن، اجاره می ستانم ؛ دو هزارش را هزینه خانواده ام می کنم و هزارش را هر ساله، صدقه می دهم» . امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر آن دو هزار درهم، همه نیازهای سالانه ایشان را تأمین می کند ، همانا خوب در [کار] خود اندیشیده ای و به کمال خویش، توفیق یافته ای و در دوران زندگی ات ، همان پاداشی را بُرده ای که کسی از وصیت [به کار خیر] پس از مرگش می بُرد» .

امام کاظم علیه السلام: برای جان های خویش، بهره ای از دنیا برگیرید ، بدین سان که به هر چه از حلال میل دارند چندان که با جوان مردی بسازد و زیاده روی در آن نباشد ، کامیابشان کنید و از این کامیابی ، برای کار دین، یاری بجویید ؛ که همانا روایت شده است: «از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش رها کند ، یا دینش را برای دنیایش واگذارد» .

ص: ۷۶

۲ / ۲ اِظْهَارُ الْغِنْيَا لِكِتَابِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَغْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَكُلُوا مِمَّا زَرَقَ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (۱).

«يَبْنِي ءَادَمَ خُدُوعًا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ \* قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (۲).

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى نِعَمَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ. (۳)

۱- المائدة: ۸۷ و ۸۸.

۲- الأعراف: ۳۱ و ۳۲.

۳- مسند أبي يعلى: ج ۲ ص ۱۸ ح ۱۰۵۰، شعب الإيمان: ج ۵ ص ۱۶۳ ح ۶۲۰۱ وزاد في آخره «ويغض البؤس والتباؤس» وكلاهما عن أبي سعيد الخدرى، كنز العتال: ج ۶ ص ۶۳۹ ح ۱۷۱۶۶؛ الكافى: ج ۶ ص ۴۳۸ ح ۱ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن الإمام علىّ عليهما السلام، الخصال: ص ۶۱۳ ح ۱۰ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام، تحف العقول: ص ۱۰۳ عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۹ ص ۲۹۹ ح ۳.

ص: ۷۷

**۲ / آشکار کردن نعمت**

۲ / آشکار کردن نعمتقرآن: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام نکنید و از حد مگذرید؛ که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی دارد. و از آن چیزهای حلال و پاکیزه ای که خداوند روزی تان کرده، بخورید و از خداوندی که به او ایمان دارید ، پروا داشته باشید» .

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی ، آرایش خویش را فرا گیرید؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید؛ که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. بگو: «چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟». بگو : «اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است [، ولی کافران هم بهره مندند]، حال آن که در روز رستاخیز ، ویژه ایشان است» . بدین گونه ، آیات را برای گروهی که بدانند ، به تفصیل ، بیان می کنیم» .

حدیث : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر آینه، خداوند، زیباست و زیبایی را دوست می دارد و دوستار آن است که نعمت خویش را بر بنده اش بنگرد .

ص: ٧٨

عنه صلى الله عليه و آله: كَلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَابْسُوا فِي غَيْرِ مَخِيلَةٍ وَلَا سَرَفٍ؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُرَى نِعْمَتُهُ عَلَى عَبْدِهِ. (١)

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ؛ فِي مَأْكَلِهِ وَمَشْرَبِهِ. (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ. (٣)

سنن أبى داوود عن أبى الأحوص عن أبيه: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ثَوْبٍ دُونَ، فَقَالَ: أَلَيْكَ مَالٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مِنْ أَىِّ الْمَالِ؟ قَالَ: قَدْ آتَانِي اللَّهُ مِنَ الْإِبِلِ وَالْغَنَمِ وَالْخَيْلِ وَالزَّقِيقِ. قَالَ: فَإِذَا آتَاكَ اللَّهُ مَالًا فَلْيُزِرْ أَثَرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَكَرَامَتِهِ. (٤)

المعجم الكبير عن زهير بن زهير بن أبى علقمه الضبعى: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ سَيِّئُ الْهَيْئَةِ، فَقَالَ: أَلَيْكَ مَالٌ؟ قَالَ: نَعَمْ مِنْ كُلِّ أَنْوَاعِ الْمَالِ. قَالَ: فَلْيُزِرْ عَلَيْكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَهُ عَلَى عَبْدِهِ حُسْنًا، وَلَا يُحِبُّ الْبُؤْسَ وَالنَّبَاؤُسَ. (٥)

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٦٠٣ ح ٦٧٢٠، المستدرک على الصحيحین: ج ٤ ص ١٥٠ ح ٧١٨٨ وليس فيه «والبسوا»، شعيب الإیمان: ج ٤ ص ١٣٦ ح ٤٥٧١، الشکر لابن أبى الدنيا: ص ٣٤ ح ٥١ کلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، الفردوس: ج ٣ ص ٢٤١ ح ٤٧١٠ عن عبد الله بن عمرو نحوه، کنز العمال: ج ٦ ص ٦٤٤ ح ١٧١٩٧.
- ٢- الشکر لابن أبى الدنيا: ص ٣٥ ح ٥٣ عن علی بن زید بن جدعان، سنن الترمذی: ج ٥ ص ١٢٤ ح ٢٨١٩ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وليس فيه «فى مأکله ومشربه»، کنز العمال: ج ٦ ص ٦٤٠ ح ١٧١٧٤.
- ٣- السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٨٥ ح ٦٠٩٣، مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٢١٦ ح ١٩٩٥٤ نحوه، المعجم الكبير: ج ١٨ ص ١٣٥ ح ٢٨١، شعب الإیمان: ج ٥ ص ١٦٣ ح ٦٢٠٠ کلها عن عمران بن حصین، کنز العمال: ج ٦ ص ٦٤٠ ح ١٧١٧٣؛ الأمالی للطوسى: ص ٢٧٥ ح ٥٢٦ عن محمّد بن أحمد بن عبد الله المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ٣٠٣ ح ١٦.
- ٤- سنن أبى داوود: ج ٤ ص ٥١ ح ٤٠٦٣، سنن النسائى: ج ٨ ص ١٨١، المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٧٧ ح ٦٠٩، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٨٣ ح ١٥٨٨٨، المستدرک على الصحيحین: ج ٤ ص ٢٠١ ح ٧٣٦٤ وكلاهما نحوه.
- ٥- المعجم الكبير: ج ٥ ص ٢٧٣ ح ٥٣٠٨، حليه الأولياء: ج ٧ ص ١١٨، أسد الغابه: ج ٢ ص ٣٢٨ ح ١٧٧٧، کنز العمال: ج ٦ ص ٦٤٠ ح ١٧١٧٢.

ص: ۷۹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخرفروشی و اسرافکاری، جامه بپوشید؛ زیرا هر آینه، خداوند، دوست می‌دارد که نعمتش بر بنده اش نگریسته شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند، دوست می‌دارد که نشانِ نعمتش را در خوراک و آشامیدنی بنده اش بنگرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه، آن گاه که خداوند، نعمتی را به بنده اش می‌بخشد، دوست می‌دارد که نشانِ نعمتش را بر بنده اش بنگرد.

سنن ابی داود به نقل از ابو الأ-حوص، از پدرش: در حالی که جامه ای پست بر تن داشتم، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم. فرمود: «آیا مالی داری؟». گفتم: آری. فرمود: «چه مالی؟» گفتم: خداوند، به من شتر و گوسفند و اسب و بندگانی عطا فرموده است. فرمود: «پس اینک که به تو مال عطا فرموده، باید نشانِ نعمت و کرامت خداوند بر تو دیده شود».

المعجم الکبیر به نقل از زهیر بن ابی علقمه ضَبَعی: مردی با ظاهری زشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر فرمود: «آیا مالی داری؟». گفت: آری؛ همه گونه مال دارم. فرمود: «پس باید [اثر مال] بر تو دیده شود. هر آینه خداوند دوست می‌دارد که اثر [مال] خویش را بر بنده اش به نیکی بنگرد و نه تنگ دستی را دوست دارد و نه تظاهر به تنگ دستی را».



ص: ٨٠

الإمام علي عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ أَنْ يُرَى أَثَرُهَا عَلَيْهِ فِي مَلْبَسِهِ ، مَا لَمْ يَكُنْ شَهْرَةً . (١)

عنه عليه السلام: إِظْهَارُ الْغِنَى مِنَ الشُّكْرِ ؛ إِظْهَارُ التَّبَاؤُسِ يَجْلِبُ الْفَقْرَ . (٢)

٣ / ٢ التَّوَسُّعُ عَلَى الْأَهْلِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَوَّلُ مَا يُوَضَّعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَى أَهْلِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا مِنْ عَبْدٍ يَكْسِبُ ثُمَّ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَمْلاكَ تَحْتَ عَرْشِهِ ، أَلْهَمَهُمْ أَنْ يُنَادُوا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ : أَلَا - مَنْ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَجِرَانِهِ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا ، أَلَا - مَنْ ضَيَّقَ ضَيْقَ اللَّهِ عَلَيْهِ قَبْرَهُ ، أَلَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَعْطَاكُمْ بِنَفَقِهِ دِرْهَمَ عَلَى عِيَالِكُمْ سَبْعِينَ فَنَطَارًا ، وَالْقِنَطَارُ كَجَبَلٍ أَحَدٍ وَزَنَا . (٥)

- ١- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٥٣ ح ٥٤٣ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام مستدرک الوسائل: ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٣٤٦٩ .
- ٢- غرر الحكم: ح ١١٤٠ و ١١٤١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٠ ح ١٧٨٤ و ١٧٨٥ وفيه «يوجب» بدل «من» .
- ٣- المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٨٤ ح ٦١٣٥ عن جابر؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٧٦ ح ٤٤٤٤٠ .
- ٤- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٤٦٨ ح ١٥٩٦ .
- ٥- الفردوس: ج ١ ص ١٨٥ ح ٦٩٣ ، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٤٢ ح ١٦٤٥٣ نقلًا عن ابن لال في مكارم الأخلاق وكلاهما عن ابن عباس .

## ۲ / ۳ گشاده دستی برای خانواده

امام علی علیه السلام: آدمی را سزاوار است که هر گاه خداوند به او نعمتی عطا فرماید، اثر آن نعمت، در لباس او دیده شود، بدان شرط که انگشت نما نباشد.

امام علی علیه السلام: بُروز دادنِ توانگری، نشانه سپاس‌گزاری است و تظاهر به تنگ دستی، فقر را [به سوی انسان] می‌کشاند.

۲ / ۳ گشاده دستی برای خانواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که در ترازوی [اعمال] بنده گذاشته می‌شود، نفقه او بر خانواده اش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که درآمدی به دست آورد و آن را خرج خانواده اش کند، مگر آن که خداوند برای هر درهمی که خرج خانواده اش می‌کند، هفت صد برابر به او عطا فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل در زیر عرشش، فرشتگانی هستند که به آنان دستور می‌دهد روزی دو مرتبه، یکی، پیش از طلوع آفتاب و دیگری، پیش از غروب آفتاب، بانگ زنند که: هان! هر کس با خانواده و همسایگانش گشاده دستی کند، خداوند در دنیا، او را در گشایش قرار می‌دهد. هان! هر کس تنگ گیرد، خداوند، قبرش را بر او تنگ می‌گرداند. هان! خداوند عز و جل برای هر درهمی که خرج خانواده تان می‌کنید، هفتاد قنطار به شما عطا می‌کند که هر قنطار، به وزن کوه اُحد است.

ص: ۸۲

الإمام علی علیه السلام: حُسْنُ الْخُلُقِ فِي ثَلَاثٍ: اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَطَلْبُ الْحَلَالِ، وَالتَّوَسُّعُ عَلَى الْعِيَالِ. (۱)

الإمام زين العابدين عليه السلام: أرضاكم عند الله أسبغكم (۲) على عياله. (۳)

عنه عليه السلام: لَأَنْ أَدْخَلَ السُّوقَ وَمَعِيَ دَرَاهِمٌ أَبْتَاغُ بِهِ [ ۱ ] لِعِيَالِي لِحَمَا وَقَدْ قَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَهُ. (۴)

الإمام الكاظم عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا »؛ (۵) الأَسِيرُ: عِيَالُ الرَّجُلِ؛ يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا زِيدَ فِي النِّعْمَةِ أَنْ يَزِيدَ أُسْرَاءَهُ فِي السَّعَةِ عَلَيْهِمْ. (۶)

عنه عليه السلام: عِيَالُ الرَّجُلِ أُسْرَاؤُهُ، فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيُوسِّعْ عَلَى أُسْرَائِهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ تِلْكَ النِّعْمَةُ. (۷)

۱- تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۹۰، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۹۴ ح ۶۳.

۲- أسبغ: أفاض وأتم (المصباح المنير: ص ۲۶۴ «سبغ»).

۳- الكافي: ج ۴ ص ۱۱ ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۵۸۸۴، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۴۷، أعلام الدين: ص ۲۲۲ وفيه «أشبعكم» بدل «أسبغكم» وكلها عن أبي حمزه الثمالي، تحف العقول: ص ۲۷۹، بحار الأنوار: ج ۱۰۴ ص ۷۳ ح ۲۵.

۴- الكافي: ج ۴ ص ۱۲ ح ۱۰ عن أبي حمزه، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۶۶ ح ۳۱.

۵- الإنسان: ۸.

۶- الكافي: ج ۴ ص ۱۱ ح ۳ عن معمر بن خلاد، وسائل الشيعة: ج ۱۵ ص ۲۴۸ ح ۲۷۸۰۴، وراجع من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۶۸ ح ۱۷۴۲.

۷- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۵۵۶ ح ۴۹۱۰، الأموال للصدوق: ص ۵۲۷ ح ۷۱۲ عن مسعدة بن صدقه، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۶۹ ح ۱۶۰۴، روضه الواعظين: ص ۴۰۶، كشف الغمّة: ج ۲ ص ۴۱۹ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۰۸ ح ۷۴.

ص: ۸۳

امام علی علیه السلام: نیک خویی، در سه چیز است: دوری کردن از حرام‌ها، طلب حلال، و گشاده دستی بر خانواده.

امام زین العابدین علیه السلام: خوشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد.

امام زین العابدین علیه السلام: همانا این که به بازار درآیم و با درهم‌هایی که دارم، برای خانواده ام که بسیار گوشت دوست می‌دارند، گوشت بخرم، نزد من دوست داشتنی‌تر از آن است که بنده‌ای را آزاد کنم.

الکافی به نقل از مُعَمَّر بن خَلَّاد: امام کاظم علیه السلام فرمود: «مرد را سزاوار است که بر خانواده اش چندان گشاده دست باشد که مرگش را آرزو نکنند». و این آیه را تلاوت فرمود: «(و طعام را با این که دوست می‌دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند)». [و در توضیح آن فرمود: اسیر، خانواده مرد است. مرد را رواست که هر گاه نعمتش افزون گشت، بر اسیران خود، بیش‌تر گشاده دستی کند].

امام کاظم علیه السلام: نان خورانِ مرد، اسیران اویند؛ پس هر که خداوند به او نعمت بخشیده، باید بر اسیرانش گشاده دستی کند، که اگر چنین نکند، زود باشد که آن نعمت تباه گردد.

ص: ۸۴

الإمام الرضا عليه السلام: صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ . (۱)

۲ / ۱۴ الادِّخَارُ الْكِتَابُ: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَيْدُكُمْ فَذَرُّوهُ فِي سَبْتِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ\* ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ» (۲) .

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوْتَهَا اسْتَقَرَّتْ . (۳)

الإمام الصادق عليه السلام رَدًّا عَلَى قَوْمٍ مِنَ الصَّوْفِيَّةِ: . . . فَأَمَّا سَيِّلَمَانُ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ عَطَاءَهُ رَفَعَ مِنْهُ قَوْتَهُ لِسِنْتِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عَطَاؤُهُ مِنْ قَابِلٍ . فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ فِي زُهْدِكَ تَصْنَعُ هَذَا وَأَنْتَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ تَمُوتُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا؟! فَكَانَ جَوَابُهُ أَنْ قَالَ: مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِي الْبَقَاءَ كَمَا خِفْتُمْ عَلَيَّ الْفَنَاءَ؟! أَمَا عَلِمْتُمْ يَا جَهْلَهُ! أَنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلَنَتْ عَلَى صَاحِبِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مِنَ الْعَيْشِ مَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ، فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا اطمأنَّت؟! (۴)

۱- الكافي: ج ۴ ص ۱۱ ح ۵ عن ابن أبي نصر، تحف العقول: ص ۴۴۲، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۳۵ ح ۲ .

۲- يوسف: ۴۷ و ۴۸ .

۳- الكافي: ج ۵ ص ۸۹ ح ۲ عن ابن بكير عن الإمام الرضا عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۱۶۶ ح ۳۶۱۹ عن الإمام الصادق عليه السلام .

۴- الكافي: ج ۵ ص ۶۸ ح ۱ عن مسعدة بن صدقة، تحف العقول: ص ۳۵۱، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۲۳۵ ح ۲۲ .

ص: ۸۵

## ۲ / ۴ پس انداز

امام رضا علیه السلام: بر آن که از نعمت برخوردار است، واجب است بر خانواده اش گشاده دستی کند.

۲ / ۴ پس انداز قرآن: [یوسف] گفت: هفت سال پی در پی می کارید، و آنچه را درویدید جز اندکی را که می خورید در خوشه اش واگذارید. آن گاه پس از آن، هفت سال سخت می آید که آنچه را برای آن [سال ها] از پیش نهاده اید - جز اندکی را که ذخیره می کنید-، همه را خواهند خورد».

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی، هر گاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می یابد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به گروهی از صوفیه -... و اما سلمان، هر گاه سهم خویش از بیت المال را می گرفت، به اندازه نیاز یک سالش، از آن بر می گرفت تا نوبت آینده دریافتش فرا رسد. به وی (سلمان)، گفته شد: ای ابو عبد الله! با آن که زاهدی، چنین می کنی [و برای رفع نیازت، کار می کنی]، حال آن که نمی دانی امروز می میری یا فردا! . سلمان، پاسخ داد: «چرا همان گونه که مرگم را بیم دارید، زندگی ام را امید نمی برید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید آن گاه که آدمی نتواند نیاز زندگی اش را تأمین کند، روانش با او ناآرامی می کند و هر گاه نیازش را تأمین سازد، روانش آرامش می یابد؟».

ص: ۸۶

الكافي عن زراره: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا يُخَلِّفُ الرَّجُلَ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ . قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ يَعْنِي فِي الْبُسْتَانِ أَوْ الدَّارِ . (۱)

الإمام الصادق عليه السلام لمُصَادِفِ مَوْلَاهُ: اتَّخَذَ عُقْدَةً أَوْ ضَيْعَةً؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ النَّازِلَةُ أَوْ الْمُصِيبَةُ فَذَكَرَ أَنَّ وَرَاءَ ظَهْرِهِ مَا يُقِيمُ عِيَالَهُ كَانَ أَسْخَى لِنَفْسِهِ . (۲)

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا أَدَخَلَ طَعَامَ سُنَّتِهِ خَفَّ ظَهْرُهُ وَاسْتَرَاحَ ، وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَا يَشْتَرِيَانِ عُقْدَةً حَتَّى يُحْرِزَا طَعَامَ سُنَّتَيْهِمَا . (۳)

۲ / ۵ إصلاح المال واستثمارها للإمام علي عليه السلام في الحكيم المنسوب إليه: مَنْ كَانَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَلْيُصَلِّحْهُ؛ فَإِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ إِذَا احتاج المرء فيه إلى الناسِ كَانَ أَوَّلُ مَا يَبْدُلُهُ لَهُمْ دِينَهُ . (۴)

۱- الكافي: ج ۵ ص ۹۱ ح ۲، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۱۷۰ ح ۳۶۴۲، كشف المحجّة: ص ۱۸۰، وسائل الشيعة: ج ۱۲ ص ۴۴ ح ۲۲۰۰۶.

۲- الكافي: ج ۵ ص ۹۲ ح ۵ عن مرزم، وسائل الشيعة: ج ۱۲ ص ۴۴ ح ۲۲۰۰۸.

۳- الكافي: ج ۵ ص ۸۹ ح ۱، قرب الإسناد: ص ۳۹۲ ح ۱۳۷۳ وفيه «يدخلا» بدل «يحرز» وكلاهما عن الحسن بن الجهم، وسائل الشيعة: ج ۱۲ ص ۳۲۰ ح ۲۲۹۲۵.

۴- شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج ۲۰ ص ۳۱۲ ح ۵۸۵.

## ۲ / ۵ ساماندهی ثروت و سرمایه گذاری

الکافی به نقل از زراره: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در آنچه انسان از خود به جا می گذارد، هیچ چیز به اندازه مال خاموش (طلا و نقره)، به زیان او نیست». گفتم: «با آن [اموال] چه کند؟». فرمود: «آن را در باغ هزینه کند». (۱)

امام صادق علیه السلام به خدمتکارش مُصادف - زمینی پُردرخت یا کشتزاری تهیه کن؛ زیرا هر گاه اُتفاق [ناگوار] یا مصیبتی برای انسان پیش آید و او به یاد آورد که پشتوانه ای مالی دارد که خانواده اش را اداره کند، سخاوتمندتر خواهد بود.

امام رضا علیه السلام: هر گاه انسان، به اندازه خوراک سالش را فراهم آورد، سبک بار و آسوده خاطر می شود. امامان باقر و صادق علیهما السلام تا زمانی که به قدر خوراک سالشان را آماده نمی کردند، ملکی نمی خریدند.

۲ / ۵ ساماندهی ثروت و سرمایه گذاری امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی - هر کس چیزی از روزی خدای سبحان را در اختیار دارد، باید از آن، درست نگاهداری کند؛ زیرا شما در زمانه ای به سر می برید که اگر انسان به مردم نیازمند شود، نخست دینش را به آنان تسلیم می کند.

۱- ظاهراً «حائط» که در متن عربی حدیث آمده خود در این جا به معنای «باغ» است و آنچه در ادامه حدیث آمده و آن را به باغ یا خانه معنا کرده، از راوی است.



ص: ٨٨

رسول الله صلى الله عليه و آله :مِنَ الْمُرُوءَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام :إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ . (٢)

عنه عليه السلام :عَلَيْكَ بِإِصْلَاحِ الْمَالِ ؛ فَإِنَّ فِيهِ مَتَبَهُهُ لِلْكَرِيمِ ، وَاسْتِغْنَاءَ عَنِ اللَّئِيمِ . (٣)

الكافي عن محمد بن عذافر عن أبيه :أَعْطَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبِي أَلْفَا وَسَبْعِمِائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ لَهُ :إِتَّجِرْ بِهَا ، ثُمَّ قَالَ :أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرَّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ ، وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ . قَالَ :فَرَبِحْتُ لَهُ فِيهَا مِائَةَ دِينَارٍ ، ثُمَّ لَقِيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ :قَدْ رَبِحْتُ لَكَ فِيهَا مِائَةَ دِينَارٍ ، قَالَ :فَفَرِحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَدَلِكَ فَرِحًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي :أَثْبِتْهَا فِي رَأْسٍ مَالِي . (٤)

٢ / ١٦ الإنفاق في سبيل اللّٰه الكتاب : « وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ » (٥) .

- ١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٦٦ ح ٣٦١٦ ، الخصال : ص ١٠ ح ٣٤ ، معاني الأخبار : ص ٢٥٨ ح ٦ كلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣١٣ ح ٧ .
- ٢- .الكافي : ج ٥ ص ٨٧ ح ٣ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٦٦ ح ٣٦١٧ ، وسائل الشيعة : ج ١٢ ص ٤٠ ح ٢١٩٨٥ .
- ٣- .الكافي : ج ٥ ص ٨٨ ح ٦ ، وسائل الشيعة : ج ١٢ ص ٤٠ ح ٢١٩٨٦ .
- ٤- .الكافي : ج ٥ ص ٧٦ ح ١٢ و ص ٧٧ ح ١٦ نحوه وفيه «سبعمائه دينار» بدل «ألفا وسبعمائه دينار» ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٢٦ ح ٨٩٨ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٥٦ ح ١٠٠ .
- ٥- .البقره : ١٩٥ .

ص: ۸۹

## ۲ / انفاق در راه خدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نشانه های مردانگی، نگاهداری درست از مال است .

امام صادق علیه السلام: نگاهداری نیکو از مال، نشانه ایمان است .

امام صادق علیه السلام: باید از مال، نیکو نگاهداری کنی؛ زیرا انسان بخشنده، با آن قدرت می یابد و از فرومایه، بی نیاز می شود .

الکافی به نقل از محمد بن عیاض از پدرش: امام صادق علیه السلام به پدرم هزار و هفت صد دینار داد و به او فرمود: «با آن، بازرگانی کن». سپس فرمود: «بدان که مرا به سود آن، رغبتی نیست، هر چند که سود، خواستنی است؛ اما من دوست می دارم که خداوند عز و جل، مرا در حالی ببیند که به بهره های آفریده او روی می آورم». پدرم گفت: با آن مال، صد دینار برای وی سود کسب کردم. سپس به دیدار وی رفتم و به او گفتم: با آن، برایت صد دینار سود کسب کردم. او از این خبر، بسیار خرسند شد و به من فرمود: «آن را در سرمایه من قرار ده!».

۲ / انفاق در راه خدا قرآن: «و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست هایتان به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد» .

ص: ۹۰

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»  
(۱).

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲).

«وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ» (۳).

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (۴).

«قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ» (۵).

«ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (۶).

راجع: البقره: ۲۶۲، ۲۶۳، الأنفال: ۶۰، التوبه: ۳۴ و ۸۱، الحديد: ۱۰، محمد: ۳۸، الصف: ۱۱، الحجرات: ۱۵.

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمْ تُبْعَثْ لِجَمْعِ الْمَالِ، وَلَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ. (۷).

۱- البقره: ۲۶۱.

۲- البقره: ۳.

۳- المنافقون: ۱۰.

۴- البقره: ۲۵۴.

۵- إبراهيم: ۳۱.

۶- الحديد: ۷.

۷- مشكاه الأنوار: ص ۳۲۱ ح ۱۰۱۸ عن الإمام الصادق عليه السلام.

ص: ۹۱

«مَثَل [ صدقات ] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه می رویاند که در هر خوشه ای، صد دانه است. و خداوند برای هر کس که بخواهد، [ آن را ] چند برابر می کند، و خداوند، گشایشگر داناست» .

«پرهیزگاران اینان اند: [ کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آنچه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند» .

«و از آنچه شما را روزی کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد . پس می گوید: «پروردگارا! چرا مرا تا سرآمدی نزدیک، بازپس نداشتی تا صدقه دهم و از نیکان و شایستگان باشم؟» .

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه روزی تان کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که روزی بیاید که در آن ، نه داد و ستدی باشد و نه دوستی و شفاعتی. و کافران، همان ستمکاران اند» .

«به بندگان من که ایمان آورده اند ، بگو نماز را بر پا دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم ، نهان و آشکارا انفاق کنند ، پیش از آن که روزی بیاید که در آن ، نه خرید و فروشی باشد و نه دوستی ای [ که در غیر راه خدا باشد]» .

«به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آنچه شما را در آن ، جانشین [گذشتگان] گردانیده ، انفاق کنید. پس، کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند ، مزدی بزرگ دارند» .

ر . ک : بقره : آیه ۲۶۳-۲۶۲ ، انفال : آیه ۶۰ ، توبه : آیه ۳۴ و ۸۱ ، حدید : آیه ۱۰ ، محمد : آیه ۳۸ ، صف : آیه ۱۱ ، حجرات : آیه ۱۵ .

حدیث : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما نه برای گرد آوردن مال ، که برای انفاق آن ، برانگیخته شده ایم .

ص: ۹۲

عنه صلى الله عليه و آله يَقُولُ اللَّهُ: إِبْنُ آدَمَ! مُلْكِي مُلْكِي، وَمَالِي مَالِي، يَا مِسْكِينُ! أَيْنَ كُنْتَ حَيْثُ كَانَ الْمَلِكُ وَلَمْ تُكُنْ؟! وَهَلْ لَكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَبْقَيْتَ؟! إِمَّا مَرْحُومٌ بِهِ وَإِمَّا مُعَاقَبٌ عَلَيْهِ، فَأَعْقِلْ أَنْ لَا يَكُونَ مَالٌ غَيْرَكَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ مَالِكَ. (١)

عنه صلى الله عليه و آله يَقُولُ الْعَبْدُ: مَالِي مَالِي، وَإِنَّمَا لَهُ مِنْ مَالِهِ ثَلَاثٌ: مَا أَكَلَ فَأَفْنَى، أَوْ لَبَسَ فَأَبْلَى، أَوْ أُعْطِيَ فَأَقْتَنَى؛ وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ ذَاهِبٌ وَتَارِكُهُ لِلنَّاسِ. (٢)

صحيح مسلم عن مطرف عن أبيه: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقْرَأُ «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ»، قَالَ: يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي مَالِي. (قال: وَهَلْ لَكَ يَا بَنَ آدَمَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ؟! (٣)

سنن النسائي عن عبد الله: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّكُمْ مَالٌ وَارِثُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا مِنَّا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا مَالُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِ وَارِثِهِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا مَالٌ وَارِثُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؛ مَالِكَ مَا قَدَّمْتُمْ، وَمَالِ وَارِثِكُمْ مَا أَخَّرْتُمْ. (٤)

١- مصباح الشريعة: ص ٣٠٠، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٥٦ ح ١٧.

٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٣ ح ٤، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٩٩ ح ٨٨٢١ و ص ٣٨٦ ح ٩٣٥٠ وفيهما «أفنى» بدل «فاقتنى» وكلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٥٨ ح ١٦٠٤٥.

٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٣ ح ٣، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٥٧٢ ح ٢٣٤٢، سنن النسائي: ج ٦ ص ٢٣٨، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٤٩٨ ح ١٦٣٠٦، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥٨ ح ٧٩١٣، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٥٨ ح ١٧٠٤٦.

٤- سنن النسائي: ج ٦ ص ٢٣٧، الأدب المفرد: ج ٥٧ ص ١٥٣، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٣ ح ٣٦٢٦، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥١٥ ح ٦٥٠٩، حليه الأولياء: ج ٤ ص ١٢٩، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٨٠ ح ٦١٤٩ وراجع الأمالي للطوسي: ص ٥١٩ ح ١١٤١.

ص: ۹۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید: «ای زاده آدم! این مُلک، از آن من است و این مال، برای من است . ای تنگ دست! کجا بودی آن گاه که این مُلک بود و تو نبود؟ و آیا از آن توست چیزی جز آنچه می خوری و از میانش می بری ؟ یا آنچه می پوشی و پوشیده اش می کنی ؟ یا آنچه صدقه می دهی و جاویدش می سازی؟ و برای آن ، یا از رحمت خدا بهره می بری و یا کیفر می بینی . پس بیندیش تا مالی که از آن غیر توست ، برایت از مال خودت، دوست داشتنی تر نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده می گوید: «مال من! مال من!» ، حال آن که از آن مال، سه چیز از آن اوست: آنچه می خورد و فانی می کند ؛ آنچه می پوشد و می پوساند ؛ و آنچه می بخشد و ذخیره می سازد . و جز این [بخش سوم]، همه رفتنی است و آنچه از آن می ماند ، به دیگران می رسد .

صحیح مسلم به نقل از مُطَرَف از پدرش : نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم ؛ مشغول تلاوت این آیه بود : «شما را افتخار بر یکدیگر به افزونی ، سرگرم کرد» . فرمود : «زاده آدم می گوید : مال من! مال من! . ای آدمیزاد! آیا از مالت، چیزی از آن توست، جز آنچه می خوری و فانی می سازی ؛ یا آنچه می پوشی و می پوسانی ؛ یا آنچه صدقه می دهی و جاری می سازی؟» .

سنن النسائی به نقل از عبد الله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «از شما کسی هست که مالِ وارثش برای وی دوست داشتنی تر از مال خودش باشد؟» . گفتند : ای پیامبر خدا! از ما کسی نیست جز این که مال خودش برای وی ، دوست داشتنی تر از مال وارثش است» . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بدانید که از شما کسی نیست جز آن که مال وارثش برای وی، دوست داشتنی تر از مال خودش است ؛ [زیرا] مال تو، آن است که پیش می اندازی [و قبل از مرگت انفاق می کنی] و مال وارثت، آن است که پس انداز می کنی [و از خود بر جای می گذاری]» .

ص: ٩٤

سنن الترمذی عن عائشه: أَنْتَهُمْ ذَبَحُوا شَاءَهُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا بَقِيَ مِنْهَا ؟ قَالَتْ : مَا بَقِيَ مِنْهَا إِلَّا كَيْفُهَا ، قَالَ [ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ] : بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَيْفِهَا . (١)

الأدب المفرد عن قيس بن عاصم السعدي: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : هَذَا سَيِّدُ أَهْلِ الْوَبْرِ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا الْمَالُ الَّذِي لَيْسَ عَلَيْهِ تَبَعُهُ مِنْ طَالِبٍ وَلَا مِنْ ضَيْفٍ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : نِعَمَ الْمَالُ أَرْبَعُونَ ، وَالْكَثْرَةُ سِتُونَ ، وَوَيْلٌ لِأَصْحَابِ الْمِثْنِ ! إِنْ مَنَّ أَعْطَى الْكَرِيمَةَ ، وَمَنَعَ الْغَزِيرَةَ ، وَنَحَرَ السَّمِينَةَ ؛ فَأَكْلَ وَأَطْعَمَ الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا أَكْرَمَ هَذِهِ الْأَخْلَاقَ ! لَا يُحِلُّ بَوَادٍ أَنَا فِيهِ مِنْ كَثْرَتِهِ نَعْمَى . فَقَالَ : كَيْفَ تَصْنَعُ بِالْعَطِيَّةِ ؟ قُلْتُ : أُعْطِيَ الْبَكْرَ وَأَعْطِيَ النَّابَ . قَالَ : كَيْفَ تَصْنَعُ فِي الْمَنِيحَةِ (٢) ؟ قَالَ : إِنِّي لَأَمْنَحُ الْمِئَةَ . قَالَ : كَيْفَ تَصْنَعُ فِي الطَّرِيقِ ؟ قَالَ : يَغْدُو النَّاسُ بِجِبَالِهِمْ ، وَلَا يوزَعُ رَجُلٌ مِنْ جَمَلٍ يَخْتَطِمُهُ ، فَيَمْسِكُ مَا بَدَأَ لَهُ ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ يَزُدُّهُ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَمَا لَكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ مَوَالِكَ ؟ (قَالَ : مَالِي) . قَالَ : فَإِنَّمَا لَكَ مِنْ مَالِكَ مَا أَكَلْتَ فَأَفْتَيْتَ ، أَوْ أُعْطِيَْتَ فَأَمْضَيْتَ ، وَسَائِرُهُ لِمَوَالِكَ . فَقُلْتُ : لَا جَرَمَ ، لَئِن رَجَعْتُ لَأَقْلَنَ عَدَدَهَا . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ : طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ ، وَطَهَّرَتْ سَجِيئَتَهُ ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ ، وَحَسُنَتْ عِلَاقَتُهُ ، وَأَنْقَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ . (٤)

١- سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٤٤ ح ٢٤٧٠ ، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٨١ ح ١٦١٥٠ .

٢- هي أن تعطى أحدا ناقةً أو نعجه يستفيد من لبنها ثم يرجعها إليك .

٣- الأدب المفرد: ص ٢٨٠ ح ٩٥٣ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٣ ص ٧٠٩ ح ٦٥٦٦ نحوه ؛ الأمالی للسید المرتضی: ج ١ ص ٧٢ نحوه .

٤- الكافي: ج ٢ ص ١٤٤ ح ١ عن أبي حمزه الثمالي ، الاختصاص: ص ٢٢٨ ، أعلام الدين: ص ١١٩ عن يحيى بن أم الطويل نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٠ ح ٩٤ . راجع: السنن الكبرى: ج ٤ ص ٣٠٦ ح ٧٧٨٣ ، المعجم الكبير: ج ٥ ص ٧١ ح ٤٦١٥ و ٤٦١٦ ، مسند الشهاب: ج ١ ص ٣٦٠ ح ٦١٥ كلها عن ركب المصري ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩١٧ ح ٤٣٥٨٢ ؛ الأمالی للطوسي: ص ٥٣٩ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٨١ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر عنه صلى الله عليه وآله ، نهج البلاغه: الحكمة ١٢٣ كلها نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٦٨ ح ٢٧ .

ص: ۹۵

سنن الترمذی به نقل از عایشه - :گوسفندی را سر بریدند [و گوشت آن را انفاق کردند]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چیزی مانده است؟». عایشه گفت: به جز سردستش، چیزی باقی نمانده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به جز دستش، همه آن، باقی مانده است!».

الأدب المفرد به نقل از قیس بن عاصم سعدی: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم. فرمود: «این، مهتر بادیه نشینان است». گفتم: «ای پیامبر خدا! چیست آن مالی که مرا در آن دنباله روی نیست؛ نه جوینده ای و نه میهمانی؟ پیامبر خدا فرمود: «مال خوب، چهل [بخش] است و افزون بر آن، شصت [بخش]. و وای بر دارندگان مالِ صدها [بخشی]! مگر آن که بخش گرامی مالش را ببخشد، افزونی را انفاق کند، حیوان فربه اش را قربانی نماید، و [هم] خود بخورد و [افراد] قناعت پیشه و در یوزره گر را [نیز] بخوراند». گفتم: ای پیامبر خدا! چه خوش است این اخلاق. در سرزمینی که من ساکنم، از فراوانی چهارپایانم جای سکونت نمانده است. فرمود: «چگونه بخشش می کنی؟». گفتم: شتر جوان را و [نیز] شتر سالدار را می بخشم». فرمود: «ماده شتر (/میش) را چگونه به بهره کشی می دهی؟». گفت [م]: «صد [در صد] به بهره کشی می دهم. فرمود: «چگونه حیوان را برای باردارسازی می دهی؟». گفت [م]: «مردم با ریسمان هاشان روانه می شوند و کسی از شتری که مهارش را گرفته، بازداشته نمی شود. پس او حیوانی را که نزدش بیاید، می گیرد و خود می برد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مال تو برایت دوست داشتنی تر است یا مالِ اطرافیان؟». گفت [م]: مال خودم. فرمود: «جز این نیست که از مالت، آن بخش از آن توست که می خوری و فانی می کنی، یا می بخشی و جاری می سازی؛ و بر جای مانده اش، از آن اطرافیان توست». پس گفتم: ناچار، باید پس از بازگشت، تعداد آنها را بکاهم.

امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پایان خطبه اش می فرمود: «خوشا به حال کسی که اخلاقی خوش سرشتش پاک، باطنش به سامان، و آشکارش نیک است؛ افزونی مالش را انفاق می کند؛ از سخن زیاده در می گذرد؛ و از درون خویش، با مردم انصاف می ورزد».



ص: ۹۶

صحيح مسلم عن أبي سعيد الخدری: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي سَفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، إِذْ جَاءَ رَجُلٌ عَلَى رَاحِلِهِ لَهُ ، فَجَعَلَ يَصْرِفُ بَصِيرَةً يَمِينًا وَشِمَالًا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مِنْ زَادٍ فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ» . فَذَكَرَ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ مَا ذَكَرَ ، حَتَّى رَأَيْنَا أَنَّهُ لَا حَقَّ لِأَحَدٍ مِنَّا فِي فَضْلٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام: ما قَدَّمَتْ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ ، وما أَخَّرَتْ فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ ، وما مَعَكَ فَمَا لَكَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْغُرُورِ بِهِ . كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؟! وَكَمْ تَرعى؟! أَفَتُرِيدُ أَنْ تُفْقِرَ نَفْسَكَ وَتُغْنِيَ غَيْرَكَ؟! (٢)

عنه عليه السلام في كتابه إلى زياد ابن أبيه: فَدَعِ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا ، وَادْكُرْ فِي الْيَوْمِ عَدَا ، وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ ، وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا- فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ ، وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ ، وَلْيُفْسِكْ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِي ، وَلْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ ، وَلْيَصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحُقُوقِ وَالنَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ ؛ فَإِنَّ فَوْزًا بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَكَارِمِ الدُّنْيَا ، وَدَرَكٌ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (٤)

١- صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٣٥٤ ح ١٨ ، سنن أبي داود: ج ٢ ص ١٢٥ ح ١٦٦٣ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٦٨ ح ١١٢٩٣ ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ٣٠٥ ح ٧٧٨٢ ، كنز العمال: ج ٦ ص ٧١١ ح ١٧٥٢٣ .

٢- مصباح الشريعة: ص ٣٠١ بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٥٦ ح ١٧ .

٣- نهج البلاغه: الكتاب ٢١ ، غرر الحكم: ح ٦٥٩٦ ، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٩٠ ح ٦٩٥ .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٤٢ ، تحف العقول: ص ١٨٦ ، الغارات: ج ١ ص ٧٦ و كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ٢٠٩ ح

ص: ۹۷

صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خُدَری: در حال سفر با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که مردی، سوار بر مرکبی آمد و به سوی راست و چپ، چشم گردانید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مرکبی افزون دارد، به آن که مرکب ندارد، برساند؛ و هر که توشه ای افزون دارد، به آن کس که توشه ندارد، بدهد». و از گونه های مال، چندان ذکر کرد که ما دریافتیم هیچ یک از ما، در مال افزونش، حقی ندارد.

امام علی علیه السلام: مالی که پیش از مرگ مصرف کرده ای، از آن مالکان آن اموال شده است؛ و مالی که برای پس از مرگ می نهی، از آن وارثان خواهد شد؛ و آنچه همراه توست، جز فریفتگی، راهی به آن نداری. چه قدر در پی دنیا می کوشی؟ چه اندازه [دنیا را] می چری؟ آیا می خواهی خود را فقیر، و جز خودت را توانگر سازی؟

امام علی علیه السلام در نامه اش به زیاد بن ابیه - اسراف را رها کن و میانه روی را در پیش گیر. امروز، در اندیشه فردایت باش. از مال، به اندازه ضرورت، نگاه دار و زیاده آن را برای روز نیازمندی ات (آخرت) روانه ساز [انفاق کن].

امام علی علیه السلام: خداوند، به هر کس مالی بدهد، باید آن را به خویشاوندان برساند؛ میهمانی های نیکو بدهد؛ اسیر و گرفتار را از بند برهاند؛ تنگ دست و وامدار را بهره بیخشد؛ به امید پاداش، خویشتن را بر [ادای] حقوق و [تحمل] بلاهای سخت، صبور سازد؛ زیرا هر آینه، دستیابی به این ویژگی ها، بهره ور شدن از کرامت های دنیایی و فضیلت های آخرتی است، اگر خدای بخواهد!

ص: ۹۸

عنه عليه السلام: الْمَالُ وَبِالْ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ . (۱)

عنه عليه السلام: خَيْرُ الْأَمْوَالِ مَا أَعَانَ عَلَى الْمَكَارِمِ . (۲)

عنه عليه السلام: خَيْرُ أَمْوَالِكَ مَا وَقَى عِرْضَكَ . (۳)

عنه عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ الْمَالِ مَا أَوْرَثَكَ ذُخْرًا وَذِكْرًا، وَأَكْسَبَكَ حَمْدًا وَأَجْرًا . (۴)

عنه عليه السلام: خَيْرُ مَالِكَ مَا أَعَانَكَ عَلَى حَاجَتِكَ . (۵)

عنه عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ الْمَالِ مَا كَسَبَ تَنَاءً وَشُكْرًا، وَأَوْجَبَ ثَوَابًا وَأَجْرًا . (۶)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمَالِ مَا قَضَيْتَ بِهِ الْحَقُوقَ . (۷)

عنه عليه السلام: أَنْفَعُ الْمَالِ مَا قُضِيَ بِهِ الْفَرْضُ . (۸)

عنه عليه السلام: دِرْهَمٌ يَنْفَعُ خَيْرٌ مِنْ دِينَارٍ يَصْرَعُ . (۹)

- ۱- غرر الحكم: ح ۱۹۵۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۹ ح ۱۴۹۳.
- ۲- غرر الحكم: ح ۴۹۹۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۳۸ ح ۴۵۲۰.
- ۳- غرر الحكم: ح ۴۹۵۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۳۹ ح ۴۵۵۲.
- ۴- غرر الحكم: ح ۳۶۰۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۵۳ ح ۳۳۴۸.
- ۵- مطالب السؤل: ص ۵۶؛ بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۲ ح ۷۰.
- ۶- غرر الحكم: ح ۳۵۷۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۳ ح ۳۲۰۷.
- ۷- غرر الحكم: ح ۳۲۵۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۲ ح ۲۷۹۰.
- ۸- غرر الحكم: ح ۳۰۳۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۹ ح ۲۶۹۸.
- ۹- غرر الحكم: ح ۵۱۲۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۰ ح ۴۶۷۴.

ص: ۹۹

امام علی علیه السلام: مال، مایه تباهی و گران جانی صاحبش است، مگر آن بخش که [با انفاق،] پیش فرستاده شود.

امام علی علیه السلام: بهترین مال، آن است که یاریگر نیکی‌ها باشد.

امام علی علیه السلام: بهترین مال تو، آن است که آبرویت را نگاه دارد.

امام علی علیه السلام: هر آینه، بهترین مال، آن است که برایت اندوخته و یاد [نیک] به جا نهد و سپاس و پاداش، به ارمغان آورد.

امام علی علیه السلام: بهترین مال تو، آن است که برای برآوردن نیازت، یاری‌ات کند.

امام علی علیه السلام: هر آینه، بهترین مال، آن است که سپاس و ستایش به ارمغان آورد و پاداش و مزد فراهم کند.

امام علی علیه السلام: برترین مال، آن است که با آن، حق‌ها را به جای آوری.

امام علی علیه السلام: سودبخش‌ترین مال، آن است که واجبی با آن ادا گردد.

امام علی علیه السلام: درهمی که سودمند بیفتد، بهتر از دیناری است که [انسان را] بر زمین بزند.

ص: ۱۰۰

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَمْوَالِ أَحْسَنُهَا أَثْرًا عَلَيْكَ . (۱)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَمْوَالِ مَا اسْتُرِقَّ بِهِ الرَّجَالُ . (۲)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ الْأَمْوَالِ مَا اسْتُرِقَّ بِهِ حُرٌّ، وَاسْتُحِقَّ بِهِ أَجْرٌ . (۳)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْغِنَى مَا صِينَ بِهِ الْعِرْضُ . (۴)

الإمام الحسين عليه السلام: مَا بَيْتُكَ إِنْ يَكُنْ لِمَكَ كُنْتَ لَهُ مُنْفِقًا، فَلَا تُبْقِهِ بَعْدَكَ فَيَكُنْ ذَخِيرَةً لِعَيْرِكَ، وَتَكُونُ أَنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ الْمَأْخُوذَ بِحِسَابِهِ . وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَبْقَى لَهُ وَلَا يَبْقَى عَلَيْكَ، فَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ . (۵)

الإمام الكاظم عليه السلام: سُئِلَ أَبُو ذَرٍّ: مَا مَالُكَ؟ قَالَ: عَمَلِي، قِيلَ لَهُ: إِنَّمَا نَسَأَلُكَ عَنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ! فَقَالَ: مَا أَصْبَحَ فَلَا أَمْسَى، وَمَا أَمْسَى فَلَا أَصْبَحُ؛ لَنَا كُنْدُوخٌ تَرْفَعُ فِيهِ خَيْرَ مَتَاعِنَا، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: كُنْدُوخُ الْمُؤْمِنِ قَبْرُهُ . (۶)

۱- غرر الحکم: ح ۳۱۴۵، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۱۷ ح ۲۵۹۰ .

۲- غرر الحکم: ح ۲۹۵۵ .

۳- غرر الحکم: ح ۳۶۰۱، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۵۸ ح ۳۴۱۵ .

۴- غرر الحکم: ح ۳۰۳۸، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۱۹ ح ۲۶۹۷ وفيه «العطاء» بدل «الغنى» .

۵- أعلام الدين: ص ۲۹۸، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۲۸ ح ۱۱ وراجع الدرّه الباهره: ص ۲۴ .

۶- الأمالی للطوسی: ص ۷۰۲ ح ۱۵۰۱ عن موسى بن بكر، رجال الكشي: ج ۱ ص ۱۲۱ ح ۵۴، روضه الواعظین: ص ۳۱۲ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۴۵۲ ح ۱۷ .

ص: ۱۰۱

امام علی علیه السلام: برترین مال، آن است که بهترین اثر را بر تو بر جای گذارد .

امام علی علیه السلام: برترین مال، آن است که آزادان، با آن، به بند [محبّت] درآیند .

امام علی علیه السلام: هر آینه، برترین مال، آن است که آزاده ای با آن به بند [دوستی] افتد و سزاوار پاداش باشد .

امام علی علیه السلام: برترین توانگری، آن است که آبرو با آن حفظ گردد .

امام حسین علیه السلام: مال تو اگر [به راستی] از آن تو باشد ، آن را انفاق می کنی . پس آن را برای پس از خود مگذار که آن گاه، اندوخته کسانی جز تو خواهد شد ، در حالی که [در قیامت،] بابت آن، از تو پرس و جو خواهند کرد و حساب خواهند کشید . و بدان که نه تو برای مال باقی می مانی و نه مال برای تو جاودان می ماند ؛ پس پیش از آن که او تو را بخورد ، تو او را بخور .

امام کاظم علیه السلام: از ابوذر پرسیده شد : مالت چیست؟ گفت: عمل من . به او گفته شد: مراد ما طلا و نقره است! گفت: طلا و نقره، از صبحگاهان، به شامگاهان نکشد و از شامگاهان، به صبحگاهان! ما را خزانه ای است که بهترین کالایمان را در آن می گذاریم . از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : «خزانه مؤمن ، گور اوست» .

ص: ۱۰۲

الفصل الثالث: ما ينبغي الالتزام به في صرف الدّخل الفردي ۳ / ۱ المُوازَنَةُ بَيْنَ الدّخْلِ وَالْإِنْفَاقِ الْكُتَاب: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عَشْرٍ يُشْرًا» (۱).

الحديث: مكارم الأخلاق عن معاوية بن وهب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَكُونُ قَدْ غَنِيَ دَهْرَهُ وَلَهُ مَالٌ وَهَيْئَةٌ فِي لِبَاسِهِ وَنَحْوَهُ، ثُمَّ يَذْهَبُ مَالُهُ وَيَتَغَيَّرُ حَالُهُ، فَيَكْرَهُ أَنْ يَشْمَتَ بِهِ عِبْدُهُ، فَيَتَكَلَّفُ مَا يَتَهَيَّأُ بِهِ؟ فَقَالَ: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» عَلَى قَدْرِ حَالِهِ. (۲)

۱- الطلاق: ۷.

۲- مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۲۵۰ ح ۷۴۴، بحار الأنوار: ج ۷۹ ص ۳۱۳ ح ۲۴.

## فصل سوم: آنچه در مصرف درآمدهای شخصی شایسته است

### ۳ / اتوازن میان دخل و خرج

فصل سوم: آنچه در مصرف درآمدهای شخصی شایسته است ۳ / اتوازن میان دخل و خرجقرآن: «فراخ دست، از گشاده دستی خود هزینه می کند؛ و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، هزینه می کند. خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند، مگر [به اندازه] آنچه به او داده است. خداوند، پس از سختی و دشواری، آسانی و فراخی را پدید خواهد آورد» .

حدیث: مکارم الأخلاق به نقل از معاویه بن وهب: به امام صادق علیه السلام گفتم: [رأی شما چیست در باره] مردی که روزگارش را با توانگری به سر می برد و دارای ثروت و جامه چشمگیر است و به خود می نازد؛ سپس ثروتش از کف می رود و حال و روزش دگرگون می شود و دوست نمی دارد که دشمن وی را سرزنش کند، پس خود را به صورت ثروتمندان بیاراید؟ امام فرمود: «فراخ دست، از گشاده دستی خود هزینه می کند و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آنچه خداوند به او داده است، هزینه می کند»؛ هر کس به فراخور حال خویش» .



ص: ۱۰۴

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَدْبَا حَسِينَا: إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ وَسَّعَ عَلَى نَفْسِهِ، وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ. (۱)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مِنَ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ: الْإِنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ، وَالْتَوْسُّعُ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ. (۲)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا جَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْكُمْ فَجُودُوا، وَإِذَا أَمْسَكَ عَنْكُمْ فَأَمْسِكُوا، وَلَا تُجَاوِدُوا اللَّهَ؛ فَهُوَ الْأَجُودُ. (۳)

الكافي عن سماعه عن الإمام الصادق عليه السلام في جواب سِمْعَانَ وَقَدْ سَأَلَهُ عَنِ وُجُوبِ الزَّكَاةِ عَلَى مَنْ يَمْلِكُ بَعْضَ نَفَقَتِهِ: رَبُّ فَقِيرٍ أَسْرَفَ مِنْ غِنَى. فَقُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغِنَى؟ فَقَالَ: إِنَّ الْغِنَى يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَالْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ. (۴)

۳ / ۱۲ الاعتدال في الاستهلاك الكتاب: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (۵).

- ۱- شعب الإيمان: ج ۵ ص ۲۵۹ ح ۶۵۹۱، كنز العمال: ج ۶ ص ۳۴۸ ح ۱۵۹۹۸ نقلًا عن حليه الأولياء وكلاهما عن ابن عمر.
- ۲- الكافي: ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۳۶ عن أبي حمزه، تحف العقول: ص ۲۸۲، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۶۱ ح ۶۵.
- ۳- الكافي: ج ۴ ص ۵۴ ح ۱۱ عن رفاعه، وسائل الشيعه: ج ۱۵ ص ۲۵۹ ح ۲۷۸۴۸.
- ۴- الكافي: ج ۳ ص ۵۶۲ ح ۱۱ عن سماعه، وسائل الشيعه: ج ۶ ص ۱۶۷ ح ۱۱۹۳۶.
- ۵- الإسراء: ۲۸.

ص: ۱۰۵

**۳ / ۲ میانه روی در مصرف**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر آینه، مؤمن از خداوند سبحان و متعال، ادبی نیکو برگرفته است: چون بر او فراخ گیرد، او هم بر خویش گشاه دستی کند؛ و چون بر او تنگ گیرد، او هم [بر خود] تنگ گیرانه رفتار کند.

امام زین العابدین علیه السلام: از خوی های مؤمن است: بخشش به فراخور [گشاده روزی و] تنگ روزی و گشاده دستی به تناسب گشاده روزی.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند تبارک و تعالی بر شما کرم ورزید، شما هم بخشش کنید؛ و چون بر شما تنگ گرفت، شما نیز تنگ گیرید؛ و در بخشندگی، از خداوند، پیشی مگیرید، که او بخشنده ترین است.

الکافی به نقل از سماعه، از امام صادق علیه السلام در پاسخ سماعه که از وی در باره وجوب زکات بر کسی که بخشی از هزینه اش را می تواند تأمین کند، سؤال کرده بود - «بسا فقیری که از توانگر، اسرافکارتر باشد». گفتم: چگونه فقیر می تواند از توانگر، اسرافکارتر باشد؟ فرمود: «توانگر، از آنچه به وی عطا شده، خرج می کند و فقیر، از آنچه به وی عطا نشده، هزینه می نماید!».

۳ / ۲ میانه روی در مصرفقرآن: «و دست خویش به گردنت مبند [و بخل نورز و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [و به گزاف و زیاده روی، بخشش مکن]؛ زیرا [در این صورت،] نکوهیده و در مانده می نشینی».

ص: ۱۰۶

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: الِاقْتِصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ، وَالتَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ، وَحُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. (۱)

عنه صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَسَبَ طَيِّبًا، وَأَنْفَقَ مِنْ قَصْدٍ، أَوْ قَدَّمَ فَضْلًا. (۲)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَابْسُوا، مَا لَمْ يُخَالِطَهُ إِسْرَافٌ أَوْ مَخِيلَةٌ. (۳)

عنه صلى الله عليه وآله: الِاقْتِصَادُ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ تُكْفَى نِصْفَ النَّفَقَةِ. (۴)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ، وَمَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ. (۵)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا مَنَعَ وَلَا إِسْرَافَ، وَلَا بُخْلَ وَلَا إِتْلَافَ. (۶)

عنه صلى الله عليه وآله: التَّقْدِيرُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ. (۷)

۱- شعب الإيمان: ج ۵ ص ۲۵۵ ح ۶۵۶۸، مسند الشهاب: ج ۱ ص ۵۵ ح ۳۳ وفيه «العيش» وكلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۹ ح ۵۴۳۴؛ منه المرید: ص ۲۵۸، الجعفریات: ص ۱۴۹ نحوه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مستطرفات السرائر: ص ۱۹ ح ۱۰ نحوه عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وراجع تاريخ بغداد: ج ۱۲ ص ۱۱ ح ۶۳۷۰ والفردوس: ج ۱ ص ۱۲۲ ح ۴۲۰.

۲- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۳۶۲۱ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۶۶ ح ۱۸۴، وسائل الشيعة: ج ۸ ص ۱۰۶ ح ۱۴۴۹۸.

۳- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۱۹۲ ح ۳۶۰۵، سنن النسائي: ج ۵ ص ۷۹ وليس فيه «وتصدقوا»، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۶۰۰ ح ۶۷۰۷ كلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، صحيح البخاري: ج ۵ ص ۲۱۸۱ وفيه «في غير إسراف» بدل «ما لم يخالطه إسراف»، كنز العمال: ج ۶ ص ۶۴۴ ح ۱۷۱۹۷.

۴- شعب الإيمان: ج ۶ ص ۲۵۵ ح ۸۰۶۱ عن أنس، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۹۱۶ ح ۴۳۵۸۱ وفيه «يُبقَى» بدل «تُكفى».

۵- الكافي: ج ۲ ص ۱۲۲ ح ۳ عن عبد الرحمان بن الحجّاج عن الإمام الصادق عليه السلام و ج ۴ ص ۵۴ ح ۱۲ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص ۴۶، الزهد للحسين بن سعيد: ص ۵۵ ح ۱۴۸ عن عبد الرحمان بن الحجّاج عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۱۲۶ ح ۲۵.

۶- عوالي اللآلي: ج ۱ ص ۲۹۶ ح ۱۹۸، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۶۶ ح ۲.

۷- كنز الفوائد: ج ۲ ص ۱۹۰، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۲۲۴ ح ۱۴.

ص: ۱۰۷

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میانه روی در هزینه کردن، نیم زندگی گذرانی است، و دوستی ورزیدن با مردم، نیم اندیشه مندی، و نیک پرسیدن، نیم دانش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، رحمت آورد مؤمنی را که پیشه پاکیزه داشته باشد و میانه روانه انفاق کند و یا [برای خود] خیر را پیش فرستد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و جامه بپوشید، تا زمانی که با ریخت و پاش و خودپسندی در نیامیزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میانه روی در زندگی، نیم گذران زندگی است و نیمی از هزینه را برآورده می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن کس که در گذران زندگی اش میانه روی پیشه کند، خداوند، روزی اش می دهد و هر که ریخت و پاش کند، خداوند، وی را ناکام می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه تنگ گرفتن [پسندیده است] و نه زیاده روی؛ نه تنگ چشمی و نه تباه کردن [اموال].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اندازه نگه داشتن در هزینه کردن، نیمی از گذران زندگی است.

ص: ۱۰۸

الإمام على عليه السلام: الاقْتِصَادُ نِصْفُ الْمُؤْنَةِ . (۱)

الإمام زين العابدين عليه السلام: لِيُنْفِقَ الرَّجُلُ بِالْقَصْدِ وَبُلْغَةِ الْكَفَافِ ، وَيُقَدِّمَ مِنْهُ فَضْلاً لِاخْرَتِهِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِلنَّعْمَةِ ، وَأَقْرَبُ إِلَى الْمَزِيدِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَأَنْفَعُ فِي الْعَافِيَةِ . (۲)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاحْبِسْنِي عَنِ السَّرْفِ وَالزُّدْيَادِ ، وَقَوِّمْنِي بِالْبَدَلِ وَالْإِقْتِصَادِ ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ ، وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ . (۳)

الإمام الصادق عليه السلام: عَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يُنْفِقُ ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ مِنَ الذَّهَبِ ، فَكَّرَهُ أَنْ يَبِيَّتَ فَتَصَدَّقَ بِهَا ، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، فَلَامَهُ السَّائِلُ ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، وَكَانَ رَحِيماً رَقِيقاً ، فَأَدَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِهِ فَقَالَ : «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً» ؛ (۴) يَقُولُ : إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلَا يَعْذِرُونَكَ ، فَإِذَا أُعْطِيَ جَمِيعَ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حُسِرْتَ مِنَ الْمَالِ . (۵)

الكافي عن عجلان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ إِلَى مِكَتَلٍ فِيهِ تَمْرٌ فَمَلَأَ يَدَهُ فَنَاوَلَهُ ، ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَاوَلَهُ ، ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَسَأَلَهُ فَقَامَ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَنَاوَلَهُ ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَقَالَ : اللَّهُ رَازِقُنَا وَإِيَّاكَ ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ لَا يَسْأَلُهُ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ ، فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ ابناً لَهَا ، فَقَالَتْ : انْطَلِقْ إِلَيْهِ فَاسْأَلْهُ فَإِنْ قَالَ لَكَ : لَيْسَ عِنْدَنَا شَيْءٌ ، فَقُلْ : أَعْطِنِي قَمِيصَكَ ، قَالَ : فَأَخَذَ قَمِيصَهُ فَرَمَى بِهِ إِلَيْهِ وَفِي نُسْخِهِ أُخْرَى فَأَعْطَاهُ فَأَذْبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْقَصْدِ ، فَقَالَ : «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً» . (۶)

۱- غرر الحكم: ح ۵۶۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵ ح ۲۶۹.

۲- الكافي: ج ۴ ص ۵۲ ح ۱ عن بريد بن معاوية عن الإمام الباقر عليه السلام، وسائل الشيعة: ج ۱۵ ص ۲۵۷ ح ۲۷۸۴۰.

۳- الصحيفه السجادية: ص ۱۲۱ الدعاء ۳۰، المصباح للكفعمي: ص ۲۳۱.

۴- الإسراء: ۲۹.

۵- الكافي: ج ۵ ص ۶۷ ح ۱ عن مسعدة بن صدقه، تحف العقول: ص ۳۵۱ وفيه «رفيقاً» بدل «رفيقاً» و«خسرت» بدل «حسرت»، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۲۳۵ ح ۲۲.

۶- الكافي: ج ۴ ص ۵۵ ح ۷، تفسير العياشي: ج ۲ ص ۲۸۹ ح ۵۹، تفسير القمي: ج ۲ ص ۱۸ من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۱۶۹ ح ۱۵.

ص: ۱۰۹

امام علی علیه السلام: میانه روی، نیم توشه زندگی است.

امام زین العابدین علیه السلام: انسان باید با میانه روی و تا حد کفایت، انفاق کند و افزون مالش را برای آخرتش پیش فرستد؛ زیرا این، بیشتر سبب پایداری نعمت، و نزدیک تر به افزونی [قرب] خداوند، و سودمندتر برای آخرت است.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای وی در کمک خواهی برای پرداخت وام: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از ولخرجی و زیاده روی دور کن و با بخشش و میانه روی، مرا بر پا و استوار بدار و اندازه نگاه داشتنِ نیکو را به من بیاموز و به لطف خویش، مرا از ریخت و پاش باز بدار.

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله آموخت که چگونه انفاق کند و آن، چنین بود: نزد وی قدری طلا بود و او کراهت داشت که [با اندوخته طلا] شب را سپری کند؛ پس آن را صدقه داد. صبحگاهان، در حالی برخاست که نزد وی چیزی [برای صدقه دادن] نبود. نیازخواهی به سراغ وی آمد، اما پیامبر، چیزی نداشت که به او ببخشد. آن نیازخواه، به سرزنش وی پرداخت و پیامبر که رحم ورز و دل نازک بود، اندوهگین شد که چرا چیزی برای بخشیدن ندارد! آن گاه خداوند تعالی پیامبرش را با فرمان خویش، چنین تأدیب فرمود: «و دست خویش به گردنت میند [و بخل نوز و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [و به گزاف و زیاده روی، بخشش مکن]؛ زیرا [در این صورت] نکوهیده و در مانده می نشینی». [بدین سان، به وی] می فرماید: مردم، گاه از تو چیزی می خواهند و عذری از تو نمی پذیرند؛ پس اگر همه مالی را که داری، از پیش بخشیده باشی، از مال، تهی شده ای [و توان انفاق نخواهی داشت].

الکافی به نقل از عجلان: نزد امام صادق علیه السلام بودم که نیازمندی، وارد شد و امام برخاست و از طبق خرما، دستش را پر کرد و به او داد. آن گاه، نیازمند دیگری آمد و درخواست کمک کرد. ایشان برخاست و یک مشت گرفت و به او هم داد. نفر سوم آمد و درخواست کرد. امام فرمود: «خداوند، به ما و تو روزی عطا کند». سپس فرمود: «از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی چیزی درخواست نمی کرد، مگر این که به او می داد. زنی پسرش را به سوی پیامبر خدا فرستاد و گفت: از ایشان کمک بگیر. اگر فرمود: چیزی در پیشمان نیست، به ایشان بگو: پیراهنت را به من بده. جوانک نزد پیامبر خدا آمد و از ایشان درخواست کمک کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چیزی پیشمان نیست. گفت: پس پیراهنت را به من بده. آن حضرت، پیراهنش را گرفت و به جوان داد. خداوند به ایشان میانه روی را آموخت و فرمود: «و دستت را به گردنت میند و آن را کاملاً از هم باز مکن تا سرزنش شده و حسرت زده شوی».

ص: ۱۱۰

الإمام الكاظم عليه السلام في قول الله عز و جل : «وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا» (۱): القوامُ هُوَ المَعْرُوفُ ؛ «عَلَى المَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى المُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَعًا بِالمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى المُحْسِنِينَ» (۲): عَلَى قَدْرِ عِيَالِهِ وَمَوْنَتِهِمُ الَّتِي هِيَ صِيَالُهَا لَهُ وَلَهُمْ ؛ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا» (۳) . (۴)

الأمالی للطوسی عن أيوب بن الحرّ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَّغْنِي أَنَّ الإِقْتِصَادَ وَالتَّدْبِيرَ فِي المَعِيشَةِ نِصْفُ الكَسْبِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا، بَلْ هُوَ الكَسْبُ كُلُّهُ، وَمِنَ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي المَعِيشَةِ . (۵)

۱- الفرقان : ۶۷ .

۲- البقره : ۲۳۶ .

۳- الطلاق : ۷ .

۴- الكافي : ج ۴ ص ۵۶ ح ۸ عن محمّد بن سنان ، وسائل الشيعة : ج ۱۵ ص ۲۶۱ ح ۲۷۸۶۰ .

۵- الأمالی للطوسی : ص ۶۷۰ ح ۱۴۱۰ ، بحار الأنوار : ج ۷۱ ص ۳۴۹ ح ۲۰ .

ص: ۱۱۱

امام کاظم علیه السلام در تفسیر سخن خداوند که «میان این دو ، به راه میانه باشند» : راه میانه، یعنی پسندیده ، [همان گونه که خداوند می فرماید: ] «و به طور پسندیده، بهره مندشان سازید : فراخ دست به اندازه توان خود و تنگ دست به اندازه توان خود ؛ که [این،] سزاوار نیکوکاران است» ؛ [یعنی] به فراخور حالِ خانواده اش و توشه ای که در شأن وی و ایشان است ؛ «خداوند، هیچ کس را تکلیف نمی کند ، مگر [به اندازه] آنچه به وی داده است» .

امالی ، طوسی به نقل از ایوب بن حرّ: شنیدم که کسی به امام صادق علیه السلام می گوید : به من خبر رسیده که میانه روی و برنامه ریزی برای گذران زندگی ، نیم درآمد است . امام صادق علیه السلام فرمود : «نه! بلکه همه درآمد است . برنامه ریزی برای گذران زندگی ، نشانه دینداری است» .



ص: ۱۱۲

الكافی عن عبد الله بن أبان: سألتُ أبا الحسنِ الأوَّلَ عليه السلامَ عَنِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ ، فَقَالَ : مَا بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ : الْإِسْرَافُ وَالْإِقْتَارُ .  
(۱)

الخصال عن محمد بن عمرو بن سعيد عن بعض أصحابه: سَمِعْتُ الْعَيْشِيَّ وَهُوَ يَقُولُ : إِسْتَأْذَنْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ ، فَقَالَ : بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ . قَالَ : فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ الْمَكْرُوهَيْنِ . قَالَ : فَقَالَ : بَلَى يَرْحَمُكَ اللَّهُ! أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِسْرَافَ وَكَرِهَ الْإِقْتَارَ فَقَالَ : «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؟! (۲)

الكافی عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةٌ أَقْمَصِهِ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قُلْتُ : عَشْرُونَ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قُلْتُ : ثَلَاثُونَ؟ قَالَ : نَعَمْ ، لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرْفِ ، إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثُوبَ صَوْنِكَ ثُوبَ بَدَلَتِكَ . (۳)

۳ / ۳ الكفأفرسول الله صلى الله عليه و آله :طوبى لمن أسلم و كان عيشه كفافا . (۴)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ مَا قُلَّ وَكَفَى ، خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى ، اللَّهُمَّ ارزُق مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ . (۵)

- ۱- الكافی : ج ۴ ص ۵۵ ح ۲ ، وسائل الشيعة : ج ۱۵ ص ۲۶۱ ح ۲۷۸۵۸ .
- ۲- الخصال : ص ۵۴ ح ۷۴ ، روضه الواعظین : ص ۴۹۹ عن العباس ، بحار الأنوار : ج ۷۱ ص ۳۴۷ ح ۱۱ .
- ۳- الكافی : ج ۶ ص ۴۴۱ ح ۴ ، مكارم الأخلاق : ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۶۴۹ ، بحار الأنوار : ج ۷۹ ص ۳۱۷ ح ۱ .
- ۴- الكافی : ج ۲ ص ۱۴۰ ح ۲ .
- ۵- الكافی : ج ۲ ص ۱۴۱ ح ۴ .

ص: ۱۱۳

## ۳ / کفایت

الکافی به نقل از عبد الله بن ابان: از امام کاظم علیه السلام در باره تأمین هزینه خانواده پرسیدم. فرمود: «باید به گونه ای میان دو روش ناپسند اسرافکاری و تنگ گیری باشد».

الخصال به نقل از محمد بن عمرو بن سعید، از یکی از یارانش: از عیاشی شنیدم که می گفت: در تأمین هزینه خانواده، از امام رضا علیه السلام راه مُجاز را پرسیدم. فرمود: «راهی میانه دو روش ناپسند». گفت: گفتم: فدایت شوم! به خدا سوگند که من آن دو روش ناپسند را نمی شناسم. فرمود: «چرا؛ می شناسی خدایت رحمت کناد!». آیا نمی دانی که خداوند، از اسرافکاری و تنگ گیری، بیزاری جُسته و فرموده است: «آنان که انفاق می کنند، نه اسراف می ورزند و نه تنگ می گیرند؛ بلکه راهی میانه در پیش می گیرند».

الکافی به نقل از اسحاق بن عمّار: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مؤمن می تواند ده پیراهن داشته باشد؟ امام فرمود: «آری». گفتم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]». گفتم: سی تا چه؟ فرمود: «آری. این اسراف نیست؛ اسراف، آن است که لباس بیرون (میهمانی ات) را لباس کار و دم دستی قرار دهی».

۳ / کفایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که تسلیم و زندگی اش، به قدر کفاف باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اندک و کافی، بهتر از زیاد و فریبنده است. خداوند به اندازه کفاف به محمد و خاندانش روزی فرما!

ص: ١١٤

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغِهِ الْكَفَافِ تَعَجَّلَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعْوَةِ . (١)

عنه عليه السلام: لا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ ، وَمِنْ فُقْدَانِ الْكَفَافِ . (٣)

٣ / ٤ مُرَاعَاهُ الْأَوْلِيَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى عِيَالِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى قَرَابَتِهِ أَوْ عَلَى ذِي رَحِمِهِ ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَهَاهُنَا وَهَاهُنَا . (٤)

مستدرک الوسائل عن أنس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِخَمْسَةِ دَنَانِيرَ بِأَحْسَنِهَا وَأَفْضَلِهَا؟ قَالُوا: بَلَى . قَالَ: أَفْضَلُ الْخَمْسَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدَيْكَ ، وَأَفْضَلُ الْأَرْبَعَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدِكَ ، وَأَفْضَلُ الثَّلَاثَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى نَفْسِكَ وَأَهْلِكَ ، وَأَفْضَلُ الدِّينَارَيْنِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى قَرَابَتِكَ ، وَأَخْسَهَا وَأَقْلَاهَا أَجْرًا: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٥)

١- بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣٨ ح ١ .

٢- نهج البلاغه: الخطبه ٤٥ .

٣- الصحيحه السجاديه: الدعاء ٨ .

٤- سنن النسائي: ج ٧ ص ٣٠٤، صحيح مسلم: ج ٢ ص ٦٩٣ ح ٤١، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٥٢١ ح ٢١٤٣٩ وح ٢١٥٣٨ كلها عن جابر نحوه، كنز العمال: ج ٦ ص ٣٩٦ ح ١٦٢٣٠ وراجع مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١٦٤ ح ١٤٩٩١ .

٥- مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ٢٤١ ح ٨١٤١ نقلًا عن ابن أبي جمهور في درر اللآلی .

ص: ۱۱۵

**۳ / رعایت اولویت ها**

امام علی علیه السلام: هر کس به کفاف زندگی، بسنده کند، به زودی، به آسایش دست می یابد و زندگی آسوده و مرفه‌ی به دست می آورد.

امام علی علیه السلام: در دنیا بیش از اندازه نیاز نخواهید و بیش از کفاف نجوید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: [خدایا!] به تو پناه می بریم از اسرافکاری، و از نبود اندازه کفاف.

۳ / رعایت اولویت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما که فقیر است، نخست به خود پردازد؛ اگر مالی افزون آمد، به خانواده اش بدهد؛ اگر بیشینه ای ماند، به خویشاوندان یا پیوستگانش پردازد؛ و اگر باز هم ماند، این سو و آن سو هزینه کند.

مستدرک الوسائل به نقل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا آگاهی تان دهم که از پنج دینار، کدام نیکوتر و برتر است؟». گفتند: آری. فرمود: «برترین پنج دینار، آن است که برای مادر خویش هزینه کنی؛ و از چهار دینار باقی مانده، آن که برای پدرت هزینه سازی؛ و از سه دینار، آن که برای خود و خانواده ات مصرف نمایی؛ و از دو دینار، آن که به مصرف خویشاوندانت برسانی؛ و فروترین و کم پاداش ترین دینار، آن است که برای خدا انفاق کنی».

ص: ۱۱۶

الإمام الرضا عليه السلام: أتى رجلاً إلى النبي صلى الله عليه وآله و آله بدينارين ، فقال : يا رسول الله ، أريد أن أحمل بهما في سبيل الله . قال : ألمك والبدان أو أحدهما ؟ قال : نعم . قال : اذهب فأنفقهما على والديك ؛ فهو خير لك أن تحمل بهما في سبيل الله . فرجع ففعل . فأتاه بدينارين آخرين ، قال : قد فعلت ، وهذا ديناران أريد أن أحمل بهما في سبيل الله . قال : ألمك ولد ؟ قال : نعم . قال : اذهب فأنفقهما على ولدك ؛ فهو خير لك أن تحمل بهما في سبيل الله . فرجع ففعل . فأتاه بدينارين آخرين ، فقال : يا رسول الله ، قد فعلت ، وهذا ديناران آخران أريد أن أحمل بهما في سبيل الله . فقال : ألمك زوجة ؟ قال : نعم . قال : أنفقهما على زوجتك ؛ فهو خير لك أن تحمل بهما في سبيل الله . فرجع وفعل . فأتاه بدينارين آخرين ، فقال : يا رسول الله ، قد فعلت ، وهذا ديناران أريد أن أحمل بهما في سبيل الله . فقال : ألمك خادم ؟ قال : نعم . قال : اذهب فأنفقهما على خادمك ؛ فهو خير لك من أن تحمل بهما في سبيل الله . ففعل . فأتاه بدينارين آخرين ، فقال : يا رسول الله ، وهذه ديناران أريد أن أحمل بهما في سبيل الله . فقال : احمِلهما واعلم بأنهما ليسا بأفضل ديناريك . (۱)

۱- تهذيب الأحكام : ج ۶ ص ۱۷۱ ح ۳۳۰ عن أبي الحسين الرازي ، عوالي اللآلي : ج ۳ ص ۱۹۵ ح ۱۰ .

ص: ۱۱۷

تهذیب الأحكام: امام رضا علیه السلام فرمود: مردی، دو دینار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: ای پیامبر خدا! می خواهم این دو [دینار] را در راه خدا هزینه کنم. فرمود: آیا پدر و مادرت یا یکی از آن دو زنده اند؟». گفت: آری. فرمود: «روانه شو و آن دو دینار را برای آنان هزینه کن؛ که برای تو، بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی». پس بازگشت و چنان کرد. آن گاه، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: آن کار را کردم. اکنون می خواهم این دو دینار را در راه خدا صرف کنم. فرمود: «آیا فرزند داری؟». گفت: آری. فرمود: «برو و آن دو دینار را برای فرزندت هزینه کن؛ که آن، برای تو، بهتر از این است که در راه خدا انفاق ورزی». پس بازگشت و چنان کرد. سپس دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: ای پیامبر خدا! آن کار را نیز کردم. این، دو دینار دیگر است که می خواهم در راه خدا انفاق کنم. فرمود: «آیا همسر داری؟». گفت: آری. فرمود: «آن دو را برای همسرت مصرف کن؛ که برای تو، بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی». پس بازگشت و همان کار را کرد. دیگر بار، دو دینار نزد پیامبر آورد و گفت: ای پیامبر خدا! آن کار را نیز کردم. این دو دینار را می خواهم که در راه خدا مصرف کنم. فرمود: «آیا خدمتکار داری؟». گفت: آری. فرمود: «برو و آن دو دینار را برای خدمتکارت هزینه کن؛ که این، برای تو، بهتر از صرف کردن در راه خداست». پس آن مرد چنین کرد. آن گاه، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: ای پیامبر خدا! می خواهم این دو دینار را در راه خدا به مصرف رسانم. فرمود: «چنین کن؛ و بدان که این دو دینار، برترین دینارهای نیستند».

ص: ١١٨

٣ / ١٥ اِلهِيْتَامٌ بِتَحْقِيقِ اَعْلَى الْمُسْتَوِيَاتِ مِنَ الْعَائِدِ الْاجْتِمَاعِيِّ الْكَافِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ حَظِيْفِهِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنِ الْاِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَدْخُلْ لِاَخِيكَ فِي اَمْرِ مَضْرُوْتُهُ عَلَيْكَ اَعْظَمُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهٗ . قَالَ ابْنُ سِنَانٍ: [ يَعْنِي ] (١) يَكُوْنُ عَلٰى الرَّجُلِ دَيْنٌ كَثِيْرٌ ، وَلَكَّ مَالٌ فَتَوَدَّى عَنْهُ ؛ فَيَذْهَبُ مَالُكَ وَلَا تَكُوْنُ قَضِيَّتْ عَنْهُ . (٢)

الْكَافِي عَنْ اَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: لَا تُوْجِبُ عَلٰى نَفْسِكَ الْحُقُوْقَ ، وَاصْبِرْ عَلٰى النَّوَائِبِ ، وَلَا تَدْخُلْ فِي شَيْءٍ مَضْرُوْتُهُ عَلَيْكَ اَعْظَمُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لِاَخِيكَ . (٣)

الْاِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَبْذُلْ لِاِخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرُّهُ عَلَيْكَ اَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُمْ . (٤)

٣ / ٦ مَوْاسَاةُ الْاٰخِرِيْنَ الْكَافِي عَنْ مَعْتَبٍ: قَالَ لِيْ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ وَقَدْ تَزَيَّدَ السَّعْرُ بِالْمَدِيْنَةِ: كَمْ عِنْدَنَا مِنْ طَعَامٍ؟ قَالَ: قُلْتُ: عِنْدَنَا مَا يَكْفِيْنَا اَشْهُرًا كَثِيْرَةً ، قَالَ: اَخْرِجْهُ وَبِعْهُ ، قَالَ: قُلْتُ لَهٗ: وَلَيْسَ بِالْمَدِيْنَةِ طَعَامٌ ، قَالَ: بَعْهُ ، فَلَمَّا بَعْتُهُ قَالَ: اِشْتَرِ مَعَ النَّاسِ يَوْمًا بِيَوْمٍ ، وَقَالَ: يَا مُعْتَبُ ، اِجْعَلْ قُوْتَ عِيَالِيْ نِصْفًا شَعِيْرًا وَنِصْفًا حِنْطَةً ؛ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ اَنِّيْ وَاجِدٌ اَنْ اُطْعِمَهُمُ الْحِنْطَةَ عَلٰى وَجْهِهَا ، وَلِكِنِّيْ اُحِبُّ اَنْ يَرَانِيْ اللّٰهُ قَدْ اَحْسَنْتُ تَقْدِيْرَ الْمَعِيْشَةِ . (٥)

١- . اُثْبِتْنَا مَا بَيْنَ الْمَعْقُوْفِيْنَ مِنْ «مَشْكَاهِ الْاَنْوَارِ» .

٢- . الْكَافِي: ج ٤ ص ٣٢ ح ١ ، مَشْكَاهِ الْاَنْوَارِ: ص ٣٢٩ ح ١٠٤٢ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ ، وَسَائِلُ الشِّيْعَةِ: ج ١١ ص ٥٤٤ ح ٢١٦٤١ .

٣- . الْكَافِي: ج ٤ ص ٣٣ ح ٣ ، وَسَائِلُ الشِّيْعَةِ: ج ١١ ص ٥٤٤ ح ٢١٦٤٣ .

٤- . الْكَافِي: ج ٤ ص ٣٢ ح ٢ ، كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْه: ج ٣ ص ١٦٨ ح ٣٦٣٣ ، وَسَائِلُ الشِّيْعَةِ: ج ١١ ص ٥٤٤ ح ٢ .

٥- . الْكَافِي: ج ٥ ص ١٦٦ ح ٢ ، تَهْذِيْبُ الْاَحْكَامِ: ج ٧ ص ١٦١ ح ١٥ ، بَحَارُ الْاَنْوَارِ: ج ٤٧ ص ٥٩ ح ١١٢ .

ص: ۱۱۹

**۳ / رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی****۳ / ۶ مواسات با دیگران**

۳ / ۵ رعایت بیشترین بازدهی اجتماعی الکافی به نقل از محمد بن سنان، از حذیفه بن منصور، از امام صادق علیه السلام: «برای برادر [ایمانی] خودت در کاری وارد مشو که زیانش برای تو، بیشتر از سودش برای وی باشد». ابن سنان گفت: یعنی مردی که بدهی سنگین دارد و تو با مال خویش، بخشی از بدهی او را می پردازی؛ بدین سان، هم مال تو از دست می رود و هم نمی توانی تمام بدهی او را پردازی.

الکافی به نقل از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: کاری مکن که حقوق دیگران بر عهده تو افتد، و بر بلاهای بزرگ، شکیباش، و در کاری وارد نشو که زیان آن برای خودت، بیشتر از سود آن برای برادر [ایمانی] تو باشد.

امام کاظم علیه السلام: برای برادران [ایمانی] خود، از خودت چندان مایه مگذار که زیان آن برای تو، بیشتر از سودش برای ایشان باشد.

۳ / ۶ مواسات با دیگران الکافی به نقل از معتب: در مدینه، گرانی شد. امام صادق علیه السلام به من فرمود: «چه قدر گندم داریم؟». گفتم: به مقدار چندین ماه، گندم داریم. فرمود: «آنها را ببر و بفروش». به ایشان گفتم: در مدینه گندمی نیست. فرمود: «ببر و بفروش». وقتی آن را فروختم، امام به من فرمود: «مثل بقیه مردم، غذای مرا روزانه خرید کن». و فرمود: «ای معتب! نصف غذای خانواده مرا گندم و نصف دیگرش را جو قرار بده. خدا می داند که من، توانایی دارم که به آنان نان گندم خالص بدهم؛ ولی دوست دارم که خدا مرا ببیند که در زندگی، برنامه ریزی سنجیده دارم.



ص: ۱۲۰

راجع: موسوعه میزان الحکمه: ج ۲ ص ۴۲۵ «المواساه».

۳ / ۷ القنَاعَةُ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»: هِيَ الْقَنَاعَةُ. (۱)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا. (۲)

عنه عليه السلام: مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَقْنَعَ بِالْقَلِيلِ وَيَجُودَ بِالْجَزِيلِ. (۳)

عنه عليه السلام: مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ لَا يَشْتَهِي مَا لَا يَنْبَغِي. (۴)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابِ كَتَبَهُ لِشُرَيْحٍ لَمَّا اشْتَرَى عَلَى عَهْدِهِ دَارًا فَبَلَغَهُ ذَلِكَ: اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِّ بِالْأَمَلِ، مِنْ هَذَا الْمُزْعَجِ بِالْأَجْلِ، هَذِهِ الدَّارَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقَنَاعَةِ، وَالْدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَالضَّرَاعَةِ! (۵)

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۲۲۹، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۴۵ ح ۲.

۲- نهج البلاغه: الحکمه ۲۲۹، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۴۵ ح ۲.

۳- غرر الحکم: ح ۹۶۶۰.

۴- غرر الحکم: ح ۹۶۴۹.

۵- نهج البلاغه: الكتاب ۳، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۴۸۵ ح ۶۹۰.

ص: ۱۲۱

## ۳ / ۷ قناعت

ر . ک : دانش نامه میزان الحکمه : ج ۳ ص ۴۰۹ «مواسات» .

۳ / ۷ قناعت امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش از آیه «هر آینه، حتما او را زندگانی پاک می بخشیم» مقصود، قناعت است.

امام علی علیه السلام: آدمی را مُلکِ قناعت و نعمتِ خوی نیک، بس است.

امام علی علیه السلام: چه زیباست برای انسان که به اندک بسازد و فراوان ببخشد.

امام علی علیه السلام: چه زیباست برای انسان که آنچه را که سزاوار نیست، نخواهد.

امام علی علیه السلام به شُریح، وقتی که شنید در روزگارِ عهده داریِ مسند قضاوت از سوی ایشان، خانه ای خریده است: این خانه را، این فریب خورده آرزو، از این کسی که اجل، او را از این خانه بیرون می برد، خریداری کرد، به بهای خارج شدن از عزت قناعت و وارد شدن به ذلت خواهش و پستی!

ص: ۱۲۲

عنه عليه السلام من وصيته لثابته محمد بن الحنفية: لا مال أذهب للفاقة من الرضا بالقوت، ومن اقتصر على بلغة الكفاف فقد انتظم الراحة وتبواً خفض الدعة. (۱)

إرشاد القلوب: روى أن علياً عليه السلام اجتاز بقباص وعنده لحم سمين، فقال: يا أمير المؤمنين، هذا اللحم سمين، اشتر منه! فقال له: ليس الثمن حاضراً. فقال: أنا أصبر يا أمير المؤمنين. فقال له: أنا أصبر عن اللحم. (۲)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: من قنع بما رزقه الله فهو من أغنى الناس. (۳)

الإمام الكاظم عليه السلام: من عقل قنع بما يكفيه، ومن قنع بما يكفيه استغنى، ومن لم يقنع بما يكفيه لم يدرك الغنى أبداً. (۴)

۳ / ۸ / النظر إلى الأدنى في المعيشة للإمام الصادق عليه السلام: انظر إلى من هو دونك في المقدرة ولا تنظر إلى من هو فوقك في المقدرة، فإن ذلك أفنع لك بما قسم لك. (۵)

۱- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳۸۵ ح ۵۸۳۴، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۴۱۱ ح ۱۲۸.

۲- إرشاد القلوب: ص ۱۱۹.

۳- الكافي: ج ۲ ص ۱۳۹ ح ۹، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۷۸ ح ۲۱.

۴- الكافي: ج ۱ ص ۱۸ ح ۱۲ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ۳۸۸، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۳۹ ح ۳۰.

۵- الكافي: ج ۸ ص ۲۴۴ ح ۳۳۸، علل الشرائع: ص ۵۵۹ كلاهما عن هشام بن سالم، تحف العقول: ص ۳۶۰، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۴۰۰ ح ۹۳.

ص: ۱۲۳

**۳ / ۸ نگاه به فرودست در زندگی**

امام علی علیه السلام در بخشی از سفارش خود به فرزندش محمد بن حنفیه هیچ ثروتی، فقرزدا تر از خشنودی به قوت نیست و هر که به کفافِ زندگی بسنده کند، به زودی، به آسایش دست می‌یابد و زندگی آسوده و مرفه‌ی به دست می‌آورد.

إرشاد القلوب: نقل است که علی علیه السلام از کنار قصابی عبور کرد که گوشت مرغوبی داشت. قصاب به امام گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! این گوشت، مرغوب است. از آن بخرید. علی علیه السلام به ایشان فرمود: «پول، همراه ندارم». قصاب گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! من صبر می‌کنم [تا بیاورید]. پس به او فرمود: «من هم بر [خرید] گوشت، صبر می‌کنم».

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: کسی که به آنچه خدا روزی اش کرده، قانع باشد، از توانگرترین مردمان است.

امام کاظم علیه السلام: هر که عاقل باشد، به آنچه او را کفایت می‌کند، قناعت می‌ورزد و هر که قناعت نماید به آنچه او را کفایت می‌کند، بی‌نیاز می‌شود و هر که قناعت نکند به آنچه او را کفایت می‌نماید، هرگز بی‌نیاز نمی‌شود.

۳ / ۸ نگاه به فرودست در زندگیا امام صادق علیه السلام: به ناتوان تر از خودت بنگر و به توانگر از خویش منگر؛ زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت تو شده، قانع تر می‌سازد.

ص: ۱۲۴

۳ / ۹ بساطه العیشرسول الله صلی الله علیه و آله :خيارُكم أحسنُکم أخلاقا ، وأخفُکم مؤونَه ، وأخفُکم لأهلِهِ . (۱)

التمحيص :رُوي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : لا- يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِنْهُ وَثَلَاثِ خِصَالٍ ؛ فِعْلٍ وَعَمَلٍ وَتِيٍّ ، وَظَاهِرٍ وَبَاطِنٍ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا يَكُونُ الْمِنُّ وَثَلَاثُ خِصَالٍ ؟ فَقَالَ : يَا عَلِيُّ ، مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ : ... الْفَقْرُ شِعَارُهُ ، وَالصَّبْرُ دِنَارُهُ ؛ (۲) قَلِيلُ الْمُؤُونَةِ ، كَثِيرُ الْمَعُونَةِ ، كَثِيرُ الصِّيَامِ ... (۳)

الإمام الباقر عليه السلام لجابرٍ :عَلِمَ يَا جَابِرُ، أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مُؤُونَةً ، وَأَكْثَرُهُمْ لَكَ مَعُونَةً . (۴)

الإمام الصادق عليه السلام :المؤمنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ ، خَفِيفُ الْمُؤُونَةِ ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ ، لَا يُلْسَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ . (۵)

کتاب من لا- يحضره الفقيه :دَخَلَ الصَّيَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَمَامَ فَقَالَ لَهُ صَاحِبُ الْحَمَامِ : نُخْلِيهِ لَكَ ؟ فَقَالَ : لا ؛ إِنَّ الْمُؤْمِنَ خَفِيفُ الْمُؤُونَةِ . (۶)

۱- مستدرک الوسائل : ج ۸ ص ۴۴۸ ح ۹۹۶۳ نقلاً عن أبي القاسم الكوفي في كتاب الأخلاق .

۲- في الطبعة المعتمدة: «ثاره»، والصحيح ما أثبتناه كما في بعض النسخ.

۳- التمهيد : ص ۷۴ ح ۱۷۱ ، بحار الأنوار : ج ۶۷ ص ۳۱۰ ح ۴۵ .

۴- الكافي : ج ۲ ص ۱۳۳ ح ۱۶ ، تحف العقول : ص ۳۷۷ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ۷۳ ص ۳۶ ح ۱۷ ؛ البدايه والنهائيه : ج ۹ ص ۳۱۰ .

۵- الكافي : ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۳۸ عن إسحاق بن عمار ، بحار الأنوار : ج ۶۷ ص ۳۶۲ ح ۶۷ .

۶- کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۲۴۹ ، عوالي اللآلی : ج ۴ ص ۱۳ ح ۲۸ .

ص: ۱۲۵

## ۳ / ۹ ساده زیستی

۳ / ۹ ساده زیستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیک ترینان شما آنان اند که خُلُقشان نیک تر است، سبکبارترند، و زندگی را بر خانواده خویش آسان تر می گیرند .

التمحیص: روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمان مؤمن، کمال نمی پذیرد، مگر آن که صد و سه ویژگی داشته باشد، [هم] در کار و رفتار و [هم] در نیت، [خواه] در ظاهر و [خواه] در باطن». امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «ای پیامبر خدا! آن صد و سه ویژگی چیستند؟». پیامبر فرمود: «ای علی! از ویژگی های مؤمنان چنین است: ... فقر، نشانه اوست؛ صبر، جامه اوست؛ سبک بار است؛ به دیگران بسیار یاری می رساند؛ و فراوان روزه می گیرد...» .

امام باقر علیه السلام به جابر: ای جابر! بدان که تقوای پیشگان، سبکبارترین مردم دنیا هستند و بیش از همه، یاری ات می کنند .

امام صادق علیه السلام: مؤمن، نیک یار است و سبک بار؛ گذران زندگی اش را خوب تدبیر می کند؛ و از یک سوراخ، دو بار گرفته نمی شود .

کتاب من لا یحضره الفقیه: امام صادق علیه السلام به گرمابه درآمد . صاحب گرمابه به او گفت: گرمابه را برایت اختصاصی کنیم؟ فرمود: نه! همانا مؤمن، سبکبار است .

ص: ۱۲۶

الفصل الرابع: ما لا ينبغي استهلاك الأموال الخاصه والعامه ۴ / الإسراف والتبذير الكتاب: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۱).

«يَبْنِيءَادَمَ خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۲).

«وَأَتَا ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا \* إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (۳).

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۴).

۱- فرقان: ۶۷.

۲- اعراف: ۳۱.

۳- الإسراء: ۲۶ و ۲۷.

۴- الأنعام: ۱۴۱.

ص: ۱۲۷

## فصل چهارم: آنچه در مصرف اموال شخصی و عمومی شایسته نیست

### ۴ / اسراف و تبذیر

فصل چهارم: آنچه در مصرف اموال شخصی و عمومی شایسته نیست ۴ / اسراف و تبذیر قرآن: «و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] میانه را برمی گزینند» .

«ای فرزندان آدم! جامه خود را در هر نمازی بگریید، و بخورید و بیاشامید، و [لی] [زیاده روی نکنید؛ زیرا او اسرافکاران را دوست نمی دارد» .

«و حقّ خویشاوند و مستند بینوا و در راه مانده را بده و مال خود را بیهوده، مریز و میاش و به گزافکاری تباه مکن. همانا ریخت و پاش کنندگان گزافکار، برادران شیطان ها هستند و شیطان، نسبت به خداوند خویش، ناسپاس است» .

«و اوست کسی که باغ هایی با داربست و بدون داربست، و خرما، و کشتزار با میوه های گوناگون آن، و زیتون، و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه، پدید آورد. از میوه آن چون ثمر داد بخورید، و حق [بینوایان از] آن را در روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] [زیاده روی نکنید؛ زیرا او اسرافکاران را دوست ندارد» .



الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِيَّاكَ وَالتَّبْدِيرَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» . (۱)

عنه صلى الله عليه وآله لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا»: مَنْ أَعْطِيَ فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أُسْرِفَ ، وَمَنْ مَنَعَ عَنْ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ . (۲)

الكافي عن عبد الملك بن عمرو الأحول: تلا أبو عبد الله عليه السلام هذه الآية «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» ، قَالَ: فَأَخَذَ قَبْضَهُ مِنْ حَصَى وَقَبْضَهَا بِيَدِهِ فَقَالَ: «هَذَا الْإِقْتَارُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ» ، ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَهُ أُخْرَى فَأَرَخَى كَفَّهُ كُلَّهَا ثُمَّ قَالَ: «هَذَا الْإِسْرَافُ» ، ثُمَّ أَخَذَ قَبْضَهُ أُخْرَى فَأَرَخَى بَعْضَهَا وَأَمْسَكَ بَعْضَهَا وَقَالَ: «هَذَا الْقَوَامُ» . (۳)

تفسير العياشي عن أبان بن تغلب: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَرَى اللَّهَ أَعْطَى مَنْ أَعْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ وَمَنَعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ؟! لَا ، وَلَكِنَّ الْمَالَ مَا لَلَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ ، وَجَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا ، وَيَشْرَبُوا قَصْدًا ، وَيَلْبَسُوا قَصْدًا ، وَيَنْكِحُوا قَصْدًا ، وَيَرْكَبُوا قَصْدًا ، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْمُوا بِهِ شَعْنَهُمْ ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا ، وَيَشْرَبُ حَلَالًا ، وَيَرْكَبُ حَلَالًا ، وَيَنْكِحُ حَلَالًا ؛ وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا . ثُمَّ قَالَ: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ، أَتَرَى اللَّهَ ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ نَحْوَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بَعَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَيَجْزِيهِ فَرَسَ بَعْشْرِينَ دِرْهَمًا ، وَيَشْتَرِيَ جَارِيَةً بِأَلْفِ دِينَارٍ وَيَجْزِيهِ جَارِيَةً بِعَشْرِينَ دِينَارًا؟! وَقَالَ: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» . (۴)

۱- عده الداعی: ص ۷۴ .

۲- مجمع البيان: ج ۷ ص ۲۸۰ عن معاذ، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۶۱؛ تفسير القرطبي: ج ۱۳ ص ۷۳ عن ابن عباس نحوه.

۳- الكافي: ج ۴ ص ۵۴ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۶۱ نقلًا عن تفسير مجمع البيان .

۴- تفسير العياشي: ج ۲ ص ۱۳ ح ۲۳، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۵ ح ۶ .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از ریخت و پاش حذر کن که خداوند متعال می فرماید: «ریخت و پاش کنندگان، برادران شیطانند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش از آیه «و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند»: هر که به ناحق (بی جا) عطا کند، اسراف کرده است و هر که به حق (به جا) خرج نکند، سختگیری و خست ورزیده است.

الکافی به نقل از عبد الملک بن عمرو احوّل: امام صادق علیه السلام، این آیه را برخواند: «و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه اسراف می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو، [روش] میانه را برمی گیرند». [راوی] گفت: آن گاه، امام، مشتی سنگ ریزه را در چنگ فشرد و فرمود: «این، همان تنگ گرفتن است که خداوند در کتابش بیان کرده است. سپس مشتی دیگر برگرفت و همه آن را واگشود و فرمود: «این، اسراف است». پس از آن، مشتی دیگر گرفت و قدری از آن را گشود و قدری را بسته نگاه داشت و فرمود: «این، راه میانه است».

تفسیر العیاشی به نقل از ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا گمان می کنی که خداوند، با کرامت خویش، به بعضی، مال بخشیده و برخی دیگر را خوار شمرده و مال را از آنان دریغ فرموده است؟! چنین نیست؛ بلکه مال، از آن خداوند است و آن را نزد انسان، امانت می نهد و آدمیان را مجاز می شمرد که با میانه روی، بخورند و بیاشامند و بپوشند و زناشویی کنند و سواری بگیرند و بیشتر از این حد را به مؤمنان فقیر ببخشند و نیازهای آنان را برآورده سازند. آن کس که چنین کند، آنچه می خورد و می آشامد و سوار می شود و به زناشویی می گیرد، حلال است، و آن کس که از این حد بگذرد، بهره وری هایش حرام است». سپس فرمود: «[خداوند فرموده است]: «و اسراف نکنید؛ زیرا هر آینه، او اسرافکاران را دوست نمی دارد». آیا گمان می کنی که خداوند، انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد، حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می کند؛ یا کنیزی به بهای هزار دینار بخرد، در حالی که کنیزی بیست دیناری برای وی بس است؟!». و [دوباره] فرمود: «و اسراف نکنید؛ زیرا هر آینه، او اسرافکاران را دوست نمی دارد».

ص: ۱۳۰

الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ: اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تَقْتَرْ، وَلَكِنَّ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا». (۱)

تفسیر العیاشی عن عبد الرحمن بن الحجاج: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» قَالَ: مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذَّرٌ، وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ. (۲)

رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث زواج فاطمة عليها السلام: يَا أُمَّمُ سَلَمَةَ، ابْتِاعِي لِابْنَتِي فِرَاشًا مِنْ حِلْسٍ (۳) مِصْرَ وَاحِشِيهِ لِيَفَا، وَاتَّخِذِي لَهَا مِدْرَعَةً (۴) وَعِبَاءَةً قُطَوَانِيَّةً (۵)، وَلَا تَتَّخِذِي أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَيَكُونَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ. (۶)

تاریخ دمشق عن محمد بن شهاب الزهري: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَجُلٍ يَتَوَضَّأُ وَهُوَ يُفْرِغُ الْمَاءَ فِي وُضُوئِهِ إِفْرَاغًا. فَقَالَ: لَا تُسْرِفْ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَفِي الْوُضُوءِ إِسْرَافٌ؟ قَالَ: نَعَمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِسْرَافٌ. (۷)

۱- الكافي: ج ۳ ص ۵۰۱ ح ۱۴، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۸ ح ۵۶ وفيه «وكن» بدل «ولكن» وكلاهما عن عامر بن جذاعه، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۲ ح ۳.

۲- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۸ ح ۵۳، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۲ ح ۱.

۳- حلس: كل شيء ولى ظهر البعير والدابه تحت الرحل والسرچ، وهى بمنزله المرشحه تكون تحت اللبد (لسان العرب: ج ۶ ص ۵۴).

۴- مدرعه: درع المرأة: قميصها، والدراعه والمدرعه والمدرع واحد (النهاية: ج ۲ ص ۱۱۴).

۵- القطوانية: عباءة بيضاء قصيرة الخمل، والنون زائده جنسه إلى قطوان: موضع بالكوفهج.

۶- دلائل الإمامة: ص ۸۷ ح ۲۳ عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰۴ ص ۸۸ ح ۵۳.

۷- تاريخ دمشق: ج ۶۷ ص ۱۲۶، كنز العمال: ج ۹ ص ۴۷۴ ح ۲۷۰۲۷.

ص: ۱۳۱

امام صادق علیه السلام خطاب به مردی: از خداوند، پروا کن و نه اسراف کن و نه تنگ بگیر؛ بلکه راه میانه را در پیش گیر؛ زیرا ریخت و پاش، گونه‌ای از اسراف است. خدای فرموده است: «و هیچ گونه ولخرجی مکن».

تفسیر العیاشی به نقل از عبد الرحمان بن حجاج: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و هیچ گونه ولخرجی مکن»، سؤال کردم، فرمود: «هر کس چیزی را در راهی جز طاعت خدا انفاق کند، ولخرج است و هر کس در راه خیر و خوبی خرج کند، صرفه جوست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در داستان ازدواج فاطمه علیها السلام: ای امّ سلمه! برای دخترم، زیراندازی مصری بخر و برایش تشکچه‌ای از لیف خرما فراهم کن و پیراهن و چادری قطوانی (۱)، تهیه کن، و بیش از اینها چیزی فراهم مکن که از اسرافکاران می شوند.

تاریخ دمشق به نقل از محمد بن شهاب زهّری: پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار مردی که در حال وضو گرفتن بود، می گذشت که دید آن شخص، در وضویش بسیار آب مصرف می کند. فرمود: «اسراف نکن». آن مرد گفت: ای پیامبر خدا! آیا در وضو هم اسراف هست؟ فرمود: «آری! در همه چیز، اسراف هست».

۱- چادر قطوانی: چادر سفیدرنگ کم کُرک .

ص: ۱۳۲

سنن ابن ماجه عن عبدالله بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِسَيْعِدٍ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَقَالَ: مَا هَذَا السَّرْفُ؟ فَقَالَ: أُمِّي الْوُضُوءِ إِسْرَافٌ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كُنْتُ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ . (۲)

الامام على عليه السلام: قَلَّ الْأَكْلُ مِنَ الْعَفَافِ وَكَثُرَتْهُ مِنَ الْإِسْرَافِ . (۳)

عنه عليه السلام: إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ . (۴)

عنه عليه السلام: كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْإِقْتِصَادِ إِسْرَافٌ . (۵)

عنه عليه السلام: مَا فَوْقَ الْكِفَافِ إِسْرَافٌ . (۶)

۱- سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۱۴۷ ح ۴۲۵، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۶۸۷ ح ۷۰۸۶، تفسير جوامع الجامع: ج ۲ ص ۳۲۶.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۱۱۲ ح ۳۳۵۲، مسند أبي يعلى: ج ۳ ص ۱۸۱ ح ۲۷۵۷، تهذيب الكمال: ج ۳ ص ۵۰ الرقم ۶۴۹۱،

تفسير القرطبي: ج ۷ ص ۱۹۵، تفسير ابن كثير: ج ۳ ص ۴۰۳ عن أنس بن مالك، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۴۴ ح ۷۳۶۶.

۳- غرر الحكم: ح ۶۷۴۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۷۲ ح ۶۲۸۰، مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۲۱۳ ح ۱۹۶۳۴.

۴- الأمالی للمفيد: ص ۱۷۶ ح ۶ عن ربيعه، نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۶، الامالی للطوسی: ص ۱۹۵ عن ربيعه، بحار الأنوار: ج ۳۲

ص ۴۸ ح ۳۲.

۵- غرر الحكم: ح ۶۸۹۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۷۶ ح ۶۳۶۸، مستدرک الوسائل: ج ۱۵ ص ۲۷۱ ح ۱۸۲۱۷.

۶- غرر الحكم: ح ۹۴۶۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۷۶ ح ۸۷۲۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۵ ص ۲۷۲ ح ۱۸۲۱۷.

ص: ۱۳۳

سنن ابن ماجه به نقل از عبد الله بن عمرو: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کنار سعد که در حال وضو بود، عبور کرد و به او فرمود: «این اسراف برای چیست؟». گفت: آیا در وضو هم اسراف هست؟ فرمود: «آری! اگر چه بر نهری روان باشد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و این که هر چه دلت بخواهد بخوری، از اسراف است.

امام علی علیه السلام: کم خوری، نشانه خویشنداری است، و پُرخوری، نشانه زیاده روی.

امام علی علیه السلام: خرج کردنِ نا به جا، به یقین، حیف و میل و اسراف است.

امام علی علیه السلام: هر چه فراتر از میانه روی باشد، اسراف است.

امام علی علیه السلام: بیش از نیاز، اسراف است.

ص: ۱۳۴

تفسیر العیاشی عن ابی بصیر: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا»، قَالَ: بَدَّلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَيَقْعُدُ لَيْسَ لَهُ مَالٌ، قَالَ: فَيَكُونُ تَبْذِيرٌ فِي حَلَالٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. (۱)

رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ. (۲)

الإمام على عليه السلام: كَثْرَةُ السَّرْفِ تُدَمِّرُ. (۳)

عنه عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبِ إِلَيْهِ: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا دَوَامَ لَهَا: الْمَالُ فِي يَدِ الْمُبَذِّرِ، وَسَحَابَةُ الصَّيْفِ، وَغَضَبُ الْعَاشِقِ. (۴)

عنه عليه السلام: شَيْنُ السَّخَاءِ السَّرْفُ. (۵)

عنه عليه السلام: أَقْبَحُ الْبَدْلِ السَّرْفُ. (۶)

عنه عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبِ إِلَيْهِ: الْفَرْقُ بَيْنَ السَّخَاءِ وَالتَّبْذِيرِ: أَنَّ السَّخِيَّ يَسْمُحُ بِمَا يَعْرِفُ مِقْدَارَهُ وَمِقْدَارَ الرِّغْبَةِ فِيهِ إِلَيْهِ، وَيَضَعُهُ بِحَيْثُ يَحْسُنُ وَضَعُهُ وَتَرْكُو عَارِفَتَهُ. وَالْمُبَذِّرُ يَسْمُحُ بِمَا لَا يُوَازِنُ بِهِ رَغْبَةَ الرَّاغِبِ، وَلَا حَقَّ الْقَاصِدِ، وَلَا مِقْدَارَ مَا أُولَى، وَيَسْتَفِزُّهُ لِذَلِكَ خَطَرَهُ مِنْ خَطَرَاتِهِ، وَالتَّصَدَّى لِأَطْرَاءِ مُطِرٍ لَهُ بَيْنَهُمَا بَوْنٌ بَعِيدٌ. (۷)

۱- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۸ ح ۵۴، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۲ ح ۲.

۲- عدّه الداعی: ص ۷۴، تنبیه الخواطر: ج ۱ ص ۱۶۷، بحار الأنوار: ج ۱۰۳ ص ۲۱ ح ۱۰؛ مسند البزار: ج ۳ ص ۱۶۱ ح ۹۴۶ عن

طلحه بن عبید الله، کنز العمال: ج ۳ ص ۵۰ ح ۵۴۳۷ و ص ۲۴۱ ح ۶۳۴۹.

۳- غرر الحکم: ح ۷۱۲۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۳۹۰ ح ۶۶۱۳.

۴- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید: ج ۲۰ ص ۳۰۱ ح ۴۳۵.

۵- غرر الحکم: ح ۵۷۸۵، عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۹۸ ح ۵۳۲۹.

۶- غرر الحکم: ح ۲۸۵۷، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۱۷ ح ۲۵۹.

۷- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید: ج ۲۰ ص ۲۷۹ ح ۲۱۳.

ص: ۱۳۵

تفسیر العیاشی به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام از آیه «و هیچ گونه ولخرجی مکن» سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: «این که انسان، اموال خود را آن قدر بذل و بخشش کند که خود تهی دست شود». گفتم: پس در مال حلال نیز ولخرجی و تبذیر هست؟ فرمود: «آری».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که ریخت و پاش کند، خداوند، او را به فقر، دچار می گرداند.

امام علی علیه السلام: فراوان اسراف کردن، ویرانی به دنبال دارد.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی: سه چیز را پایداری نباشد: مال در دست ریخت و پاش کننده، پاره ابر تابستانی، و خشم عاشق.

امام علی علیه السلام: عار سخاوتمندی، اسراف است.

امام علی علیه السلام: زشت ترین بخشش، اسراف است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به وی - تفاوت میان دست و دل بازی و ریخت و پاش، این است: دست و دل باز، از چیزی می بخشد که قدرش را می داند، میزان دل بستگی به آن را می شناسد، و آن را در جای صحیح مصرف می کند و بخشش و دهنش وی، بالنده و پاک است؛ و [الی] ریخت و پاش کننده، چیزی را می بخشد که قدر دل بستگی به آن را نمی داند، حق میانه روی در آن را نمی شناسد، و میزان احسانی را که می کند، ارزیابی نمی کند. و او را بدین کار، وسوسه ای از وسوسه هایش می کشاند و می خواهد تا وی را فراوان ستایش کنند. [پس] میان این دو، فاصله بسیار است.



ص: ۱۳۶

الإمام العسکریّ علیه السلام: إِنَّ لِلسَّخَاءِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ . (۱)

الإمام علیّ علیه السلام: الْقَصْدُ مِثْرَاءٌ ، وَالسَّرْفُ مَتَوَاهٌ . (۲)

عنه علیه السلام: لَا غِنَى مَعَ إِسْرَافٍ . (۳)

عنه علیه السلام: سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ . (۴)

عنه علیه السلام: كَفَى بِالتَّبْذِيرِ سَرَفًا . (۵)

عنه علیه السلام: الْقَلِيلُ مَعَ التَّبْذِيرِ أَبْقَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّبْذِيرِ . (۶)

عنه علیه السلام: مَنْ افْتَحَرَ بِالتَّبْذِيرِ احْتَقَرَ بِالإِفْلَاسِ . (۷)

عنه علیه السلام: التَّبْذِيرُ قَرِينٌ مُفْلِسٌ . (۸)

عنه علیه السلام: التَّبْذِيرُ عُنْوَانُ الْفَاقِهِ . (۹)

عنه علیه السلام: مَنْ اشْتَرَى مَا لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ ، بَاعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ . (۱۰)

عنه علیه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّبْذِيرِ ، وَجَبَّهُ سُوءَ التَّبْذِيرِ وَالْإِسْرَافِ . (۱۱)

۱- الدرّه الباهره: ص ۴۳، أعلام الدین: ص ۳۱۳، نزهه الناظر: ص ۲۲۲ ح ۵۰۷ وفيه «للجود» بدل «للسخاء»، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۴۰۷ ح ۱۱۵.

۲- الكافي: ج ۴ ص ۵۲ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۴۷ ح ۱۳.

۳- غرر الحكم: ح ۱۰۵۳۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۳۱ ح ۶۶۶۴.

۴- غرر الحكم: ح ۵۵۲۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۸۲ ح ۵۰۸۳.

۵- غرر الحكم: ح ۷۰۲۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۸۵ ح ۶۵۰۰.

۶- غرر الحكم: ح ۱۹۴۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۵۸ ح ۱۴۸۶.

۷- غرر الحكم: ح ۹۰۵۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۶۴ ح ۸۴۵۲.

۸- غرر الحكم: ح ۱۰۴۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۹ ح ۴۴۳.

۹- غرر الحكم: ح ۸۹۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۱ ح ۹۳۷.

۱۰- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۵۵ ح ۹۶۸، الجعفریات: ص ۲۳۸.

۱۱- غرر الحكم: ح ۴۱۳۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۳۱ ح ۲۹۵۲.



ص: ۱۳۷

امام عسکری علیه السلام: همانا برای بخشندگی، اندازه ای است که اگر از آن فراتر رود، اسراف است.

امام علی علیه السلام: میانه روی، افزایش دهنده [ی مال] است و اسرافکاری، مایه هلاکت.

امام علی علیه السلام: با اسراف، توانگری نیست.

امام علی علیه السلام: اسراف، زمینه ساز فقر است.

امام علی علیه السلام: ریخت و پاش برای اسراف، کافی است.

امام علی علیه السلام: اندک، همراه حساب اندیشی، پابرجاتر از بسیاری است که ریخت و پاش شود.

امام علی علیه السلام: هر که به ریخت و پاش فخر بفروشد، با تنگ دستی، خوار و کوچک می شود.

امام علی علیه السلام: ریخت و پاش، همراهی است که [انسان را] به تنگ دستی می کشاند.

امام علی علیه السلام: ریخت و پاش، نشانه تنگ دستی است.

امام علی علیه السلام: هر که آنچه را نیاز ندارد، بخرد، آنچه را بدان نیاز دارد، فروخته [و از کف داده] است.

امام علی علیه السلام: هر گاه خداوند برای بنده ای خیر بخواهد، میانه روی و درست اندیشی را به وی الهام می فرماید و او را از

نادرست اندیشی و اسرافکاری، به دور می دارد.

ص: ۱۳۸

عنه عليه السلام: الإسراف يُفنى الكثير؛ الإقتصاد يُنمي اليسير. (۱)

عنه عليه السلام: الإسراف يُفنى الجزيل. (۲)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعائه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَهَةِ فِيهِ، وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِي مَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ. (۳)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا رَأَى شَيْئًا مِنَ الْخَبْزِ فِي مَنْزِلِهِ مَطْرُوحًا وَلَوْ قَدَرَ مَا تَجُرَّهُ النَّمْلَةُ، نَقَصَ مِنْ قُوَّةِ أَهْلِهِ بِقَدْرِ ذَلِكَ. (۴)

الإمام الصادق عليه السلام: الْكِبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ، وَهِيَ... وَالْإِسْرَافُ وَالتَّبْذِيرُ. (۵)

عنه عليه السلام: أَدْنَى الْإِسْرَافِ: هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ، وَابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ، وَإِقَاءُ النَّوَى. (۶)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ، حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاهُ؛ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ، وَحَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ. (۷)

۱- غرر الحكم: ح ۵۱۵ و ۵۱۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۲ ح ۹۶۹ و ۹۷۰.

۲- غرر الحكم: ح ۳۳۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۹ ح ۸۶۹.

۳- الصحيفه السجادية: ص ۸۶ الدعاء ۲۰.

۴- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۱۵ ح ۳۸۳، بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۴۳۲ ح ۱۶.

۵- الخصال: ص ۶۱۰ ح ۹ عن الأعمش، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۱۲۷ ح ۱ عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا

عليه السلام، تحف العقول: ص ۴۲۲ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۲۹ ح ۱.

۶- الكافي: ج ۶ ص ۴۶۰ ح ۱، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶۷۲، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۷ ح ۳۶۲۶ کلها عن

إسحاق ابن عمار، الخصال: ص ۹۳ ح ۳۷ عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۵

ص ۳۰۳ ح ۷.

۷- الكافي: ج ۴ ص ۵۲ ح ۲، الخصال: ص ۱۰ ح ۳۶، ثواب الأعمال: ص ۲۲۱ ح ۱ کلها عن داوود الرقي، بحار الأنوار: ج ۷۱

ص ۳۴۶ ح ۱۰.

ص: ۱۳۹

امام علی علیه السلام: اسراف، [مال] بسیار را نابود می‌کند، و میانه روی، [مال] اندک را بالنده می‌گرداند.

امام علی علیه السلام: اسراف، [مال] فراوان را تباه می‌کند.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خویش: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از زیاده روی باز دار و روزی ام را از تلف شدن نگه دار و دارایی ام را با برکت، افزون فرما و مرا به راه هدایت، رهنمون شو تا نیکوکارانه انفاق کنم.

امام باقر علیه السلام: پدرم زین العابدین علیه السلام، هر گاه می‌دید که در خانه اش، نانی دور افکنده شده هر چند اگر به اندازه دهانگیر مورچه ای بود، به قدر همان، از خوراک خانواده اش کم می‌نهاد.

امام صادق علیه السلام: گناهان بزرگ، حرام اند؛ و آنها چنین اند: ... و زیاده روی، و ریخت و پاش.

امام صادق علیه السلام: کمترین اندازه اسراف، این است: [به زمین] ریختن زیاده ظرف؛ جامه نگاهداری شده را نا به جا مصرف کردن؛ و دور افکندن هسته خرما.

امام صادق علیه السلام: میانه روی، کاری است که خداوند عز و جل، آن را دوست می‌دارد، و اسراف را ناخوش می‌دارد، حتی دور انداختن هسته [میوه] آن را؛ زیرا آن [نیز] به کاری می‌آید و حتی دور ریختن زیادی نوشیدنی آن را.

ص: ۱۴۰

عنه عليه السلام لَمَّا سِئِلَ عَنِ الْإِسْرَافِ : إِبْدَالِكَ ثَوْبِ صَوْنِكَ ، وَإِهْرَاقِكَ فَضْلَ إِثْنَيْتِكَ ، وَأَكْلِكَ التَّمْرَ وَرَمِيكَ النَّوَى هَاهُنَا وَهَاهُنَا . (۱)

عنه عليه السلام : إِنَّ السَّرْفَ يورِثُ الْفَقْرَ . (۲)

عنه عليه السلام : إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قَلَّةَ الْبِرِّكَه . (۳)

عنه عليه السلام : الرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ ، وَالتَّبَذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ . (۴)

تفسير العياشي عن بشر بن مروان : دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِرُطْبٍ ، فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ يَرْمِي بِالنَّوَى . فَأَمْسَكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ فَقَالَ : لَا تَفْعَلْ ؛ إِنَّ هَذَا مِنَ التَّبَذِيرِ ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ . (۵)

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمد عليهما السلام : أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى فَاكِهَةٍ قَدْ رُمِيَتْ مِنْ دَارِهِ لَمْ يُسْتَقْصَ أَكْلُهَا ، فَغَضِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : مَا هَذَا؟! إِنْ كُنْتُمْ شَبِعْتُمْ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَمْ يَشَبِعُوا ، فَأَطْعِمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ . (۶)

الكافي عن ياسر الخادم : أَكَلَ الْغُلَامَانُ يَوْمًا فَاكِهَةً وَلَمْ يُسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَرَمَوْا بِهَا ، فَقَالَ لَهُمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سُدِّحَانَ اللَّهِ! إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَا لَمْ يَسْتَعْنُوا ، أَطْعِمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ . (۷)

۱- الكافي : ج ۴ ص ۵۶ ح ۱۰ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۳۶۲۶ ، الخصال : ص ۹۳ ح ۳۷ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ۷ ص ۳۰۳ ح ۷ .

۲- الكافي : ج ۴ ص ۵۳ ح ۸ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۳ ص ۱۷۴ ح ۳۶۵۹ كلاهما عن عبيد بن زرارة .

۳- الكافي : ج ۴ ص ۵۵ ح ۳ عن ابن أبي يعفور ويوسف بن عمار ج هج .

۴- الكافي : ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۹ عن أحمد بن زياد بن أرقم الكوفي عن رجل ، بحار الأنوار : ج ۷ ص ۶۱ ح ۲۸ .

۵- تفسير العياشي : ج ۲ ص ۲۸۸ ح ۵۸ ، بحار الأنوار : ج ۷ ص ۳۰۳ ح ۵ .

۶- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۱۱۵ ح ۳۸۱ ، بحار الأنوار : ج ۶ ص ۴۳۲ ح ۱۶ .

۷- الكافي : ج ۶ ص ۲۹۷ ح ۸ ، المحاسن : ج ۲ ص ۲۲۴ ح ۱۶۷۴ عن نادر الخادم ، بحار الأنوار : ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۲۱ .

ص: ۱۴۱

امام صادق علیه السلام: در پاسخ به سؤال از کمترین حدّ زیاده روی: لباس بیرون را لباس خانه و دم دستی قرار دهی؛ ته مانده ظرفت را دور بریزی؛ و خرما بخوری و هسته هایش را این طرف و آن طرف پرت کنی.

امام صادق علیه السلام: هر آینه، زیاده روی، فقر را به دنبال می آورد.

امام صادق علیه السلام: همانا زیاده روی، کم برکتی به همراه دارد.

امام صادق علیه السلام: با نرمی و مدارا، ناتوانی نیست؛ و با ریخت و پاش، هیچ چیز باقی نمی ماند.

تفسیر العیاشی به نقل از بشر بن مروان: نزد امام صادق علیه السلام در آمدیم. [ما را] به خرمای تازه فراخواند. یکی از حاضران، هسته خرما را دور می افکند. امام صادق علیه السلام دست او را گرفت و فرمود: «چنین مکن! هر آینه، این ریخت و پاش است و خداوند، فساد را دوست نمی دارد».

دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام به میوه ای نیم خورده برخورد که از خانه ایشان به بیرون افکنده شده بود. به خشم آمد و فرمود: «این چیست؟ اگر شما سیر شده اید، بسیاری از مردم، گرسنه اند. پس آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد».

الکافی به نقل از یاسر خادم: روزی خدمتکاران، سیبی خوردند و آن را نیم خورده، رها کردند و دور افکندند. امام رضا علیه السلام به ایشان فرمود: «سبحان الله! اگر شما از آن بی نیازید، مردمی به آن نیازمندند؛ آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد».

ص: ۱۴۲

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اقْتَصَدَ وَقَنَعَ بَقِيَّتِ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ، وَمَنْ بَدَّرَ وَأَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ. (۱)

الكافی عن ابن طیفور المتطیب: سَأَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ تَرَكَبُ؟ قُلْتُ: حِمَارًا، فَقَالَ: بِكُمْ ابْتَعْتُهُ؟ قُلْتُ: بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا هُوَ السَّرْفُ؛ أَنْ تَشْتَرِيَ حِمَارًا بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا وَتَدَعَ بَرْدُونَ. قُلْتُ: يَا سَيِّدِي، إِنَّ مَوْوَنَةَ الْبَرْدُونَ أَكْثَرُ مِنْ مَوْوَنَةِ الْحِمَارِ! فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي يَمُونُ الْحِمَارَ يَمُونُ الْبَرْدُونَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرًا وَيَغِيظُ بِهِ عِدُوَّنَا وَهُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَشَرَحَ صَدْرَهُ، وَبَلَّغَهُ أَمَلَهُ، وَكَانَ عَوْنَا عَلَى حَوَائِجِهِ! (۲)

۴ / ۱۲ التَّرْفَالِ كِتَاب: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ \* وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (۳).

راجع: الزخرف: ۲۳، مؤمنون: ۳۳.

۱- تحف العقول: ص ۴۰۳، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۲۷ ح ۴.

۲- الكافی: ج ۶ ص ۵۳۵ ح ۱، تهذیب الأحكام: ج ۶ ص ۱۶۳ ح ۳۰۰، بحار الأنوار: ج ۶۴ ص ۱۶۰ ح ۲.

۳- سبأ: ۳۴، ۳۵.



ص: ۱۴۳

## ۴ / ۱۲ افراط در رفاه طلبی

امام کاظم علیه السلام: هر که میانه روی و قناعت پیشه کند، نعمت برایش پایدار می ماند و آن که ریخت و پاش و اسراف کند، نعمت از او روی می گرداند.

الکافی به نقل از ابن طیفور طبیب: امام رضا علیه السلام از من پرسید: «بر چه سوار می شوی؟». گفتم: بر دراز گوش. فرمود: «او را چند خریده ای؟». گفتم: «به سیزده دینار». فرمود: «این، زیاده روی است که درازگوشی بخری به سیزده دینار و یابو را وانهی!». گفتم: «سرورم! هزینه نگهداری یابو، بیش از درازگوش است». فرمود: «آن که آذوقه درازگوش را می رساند، از آن یابو را هم می رساند. آیا ندانسته ای هر که چهارپایی نگاه دارد و با آن، انتظار امر [فَرَج] اما را بکشد و با دشمن ما خشم ورزد و به ما پیوند رساند، خداوند، روزی اش را سرشار، سینه اش را فراخ، و آرزویش را برآورده می سازد؛ و او را برای دستیابی به نیازمندی هایش یاری می دهد؟».

۴ / ۱۲ افراط در رفاه طلبیقرآن: «و [ما] در هیچ شهری، هشداردهنده ای نفرستادیم، جز آن که خوش گذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید، کافریم». و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان، از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد».

ر. ک: زخرف: آیه ۲۳، مؤمنون: آیه ۳۳.

ص: ۱۴۴

الحديث: الإمام على عليه السلام في خطبه له: «أما الأغنياء من مترفة الأعم، فتعصبوا لآثار مواقع النعم، فقالوا: «نحن أكثر أموالاً وأولاداً وما نحن بمعديين» . (۱)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إيتاكم والتنعم؛ فإن عباد الله ليسوا بالمنتعمين . (۲)

عنه صلى الله عليه وآله: شرار أمتي: الذين غدوا بالنعم وبنت عليه أجسامهم . (۳)

عنه صلى الله عليه وآله: شرار أمتي: الذين ولدوا في النعم وغدوا به، هممتهم ألوان الطعام وألوان الثياب، يتشدقون في الكلام . (۴)

عنه صلى الله عليه وآله: سيأتي بعدكم قوم يأكلون أطيب الدنيا وألوانها، وينكحون أجمل النساء وألوانها، ويلبسون ألين الثياب وألوانها، ويركبون فرس الخيل وألوانها، لهم بطون من القليل لا تشبع، وأنفس بالكثير لا تقنع، عاكفين على الدنيا يغدون ويروحون إليها، اتخذوها آلهة من دون إلههم، وربا دون ربهم، إلى أمرهم ينتهون، وهواهم يتبعون. فعزيمه من محمد بن عبد الله لازمه لمن أدركه ذلك الزمان من عقب عقبكم وخلف خلفكم، أن لا يسلم عليهم، ولا يعود مرضاهم، ولا يتبع جنازتهم، ولا يوقر كبيرهم؛ فمن يفعل ذلك فقد أعان على هدم الإسلام . (۵)

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۴۷۱ ح ۳۷.

۲- مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۲۵۸ ح ۲۲۱۶۶، الزهد لابن حنبل: ص ۱۱، حليه الأولياء: ج ۵ ص ۱۵۵ كلها عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج ۳ ص ۱۹۲ ح ۶۱۱۱.

۳- تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۷۸؛ مسند إسحاق بن راهويه: ج ۱ ص ۳۴۹ ح ۳۴۷ وفيه «شر» بدل «شرار»، إحياء العلوم: ج ۳ ص ۱۳۹، كنز العمال: ج ۳ ص ۲۱۵ ح ۶۲۲۴ نقلاً عن أبي يعلى وابن عساكر وكلها عن أبي هريره.

۴- الزهد لابن المبارك: ص ۲۶۲ ح ۷۵۸ عن عروه بن رويم، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۶۵۷ ح ۶۴۱۸ عن عبد الله بن جعفر، شعب الإيمان: ج ۵ ص ۳۳ ح ۵۶۶۹، تاريخ دمشق: ج ۲۷ ص ۳۶۶ ح ۵۸۳۷ كلاهما عن فاطمه عليها السلام وكلها نحوه، كنز العمال: ج ۳ ص ۵۶۱ ح ۷۹۱۲ و ۷۹۱۳.

۵- تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۵۵؛ إحياء علوم الدين: ج ۳ ص ۳۴۳ نحوه.

ص: ۱۴۵

حدیث: امام علی علیه السلام در خطبه ای از وی - اما توانگران ، از نازپروردگان امت ها بودند که به دلیل برخورداری از نعمت ها ، دچار تعصب شدند و گفتند: «ما مال ها و فرزندان بیشتر داریم ، و ما از عذاب شدگان نیستیم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از نازپروردگی ، دور باش ؛ زیرا بندگان خداوند ، نازپرورده نیستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدان امت من ، آنان اند که در [ناز و] نعمت بار می آیند و پیکرهایشان در آن ، پروریده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدان امت من ، آنان اند که در نعمت زاده می شوند و با آن ، بار می آیند ؛ همتشان صرف غذاها و جامه های رنگارنگ می شود و در سخن گفتن ، مراعات دیگران را نمی کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پس از شما گروهی می آیند که گوارایی ها و رنگارنگی های دنیا را می خورند و زیباترین و خوش رنگ ترین آنان را به همسری برمی گزینند و نرم ترین و رنگ به رنگ ترین جامه ها را می پوشند و چالاک ترین و رنگارنگ ترین اسبان را سوار می شوند ؛ اندرون هایی دارند که از کم ، سیر نمی شوند و جان هایی که به بسیار ، قانع نیستند ؛ به دنیا دل می بندند و شب و روز ، به آن مشغول می شوند و جز آن خدای و پروردگارشان ، معبود و پروردگار می گیرند و در پی کاری که می خواهند ، می روند و دنباله خواهش خویش را می گیرند . پس از محمد بن عبد الله ، عهدی لازم است بر هر یک از پسینیان و آیندگان شما که آن روزگار را دریابد ، که بر ایشان سلام نکند ، بیمارانشان را عیادت ننماید ، در پی جنازه هایشان نرود ، و بزرگ سالانشان را احترام ننهد ؛ و هر که چنین کند ، به ویران سازی اسلام ، کمک کرده است .

ص: ١٤٦

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَضَى نَهْمَتَهُ فِي الدُّنْيَا حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهْوَتِهِ فِي الآخِرَةِ ، وَمَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى زِينَةِ الْمُتَرَفِينَ كَانَ مَهِينًا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : يَابَنَ مَسْعُودٍ ، سَيَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ وَالْوَانِهَاءِ ، وَيَرَكِبُونَ الدَّوَابَّ ، وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا ، وَيَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ ، وَزِيَّهِمْ مِثْلُ زِيِّ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ ، هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ، شَارِبُوا الْقَهَوَاتِ ، لَاعِبُونَ بِالْكَعَابِ ، رَاكِبُوا الشَّهَوَاتِ ، تَارِكُوا الْجَمَاعَاتِ ، رَاقِدُونَ عَنِ الْعَمَلَاتِ ، مُفَرِّطُونَ فِي الْعَدَوَاتِ ؛ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» . (٢) يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مَثَلُهُمْ مِثْلُ الدَّفْلِيِّ ؛ زَهْرَتَهَا حَسَنَةٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ ، كَلَامُهُمْ الْحِكْمَةُ ، وَأَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا تَقْبَلُ الدَّوَاءَ ؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْهَالٌهَا» . (٣) يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مَا يَنْفَعُ مَنْ يَتَنَعَّمُ فِي الدُّنْيَا إِذَا أُخْلِدَ فِي النَّارِ !؟ «يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» . (٤) يَابَنَ مَسْعُودٍ ، وَيُشِيدُونَ الْقُصُورَ ، وَيُزَخِرِفُونَ الْمَسَاجِدَ ، لَيْسَتْ هِمَّتُهُمْ إِلَّا الدُّنْيَا ، عَاكِفُونَ عَلَيْهَا ، مُعْتَمِدُونَ فِيهَا ، آلِهَتُهُمْ بَطُونُهُمْ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَتَتَّخِذُونَ مَصَافِحَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» \* وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ \* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ» (٥) ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ إِلَى قَوْلِهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» . (٦) وَمَا هُوَ إِلَّا مُنَافِقٌ جَعَلَ دِينَهُ هَوَاهُ ، وَإِلَهَهُ بَطْنَهُ ، كُلُّ مَا اشْتَهَى مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ لَمْ يَمْتَنِعْ مِنْهُ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» . (٧) يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مَحَارِبُهُمْ نِسَاؤُهُمْ ، وَشَرَفُهُمْ الدَّرَاهِمُ وَالِدَنَانِيرُ ، وَهَمَّتُهُمْ بَطُونُهُمْ ، أَوْلِيكَ هُمْ شَرُّ الْأَشْرَارِ ، الْفِتْنَةُ مِنْهُمْ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ . يَابَنَ مَسْعُودٍ ، قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ \* ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ \* مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ» . (٨) يَابَنَ مَسْعُودٍ ، أَجْسَادُهُمْ لَا تَشْبَعُ ، وَقُلُوبُهُمْ لَا تَخْشَعُ . يَابَنَ مَسْعُودٍ ، الْإِسْلَامُ يَدَأُ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا يَدَأُ ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ ! فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ مِنْ أَعْقَابِكُمْ فَلَا تَسَلِّمُوا عَلَيْهِمْ فِي نَادِيهِمْ ، وَلَا تَشْتَبِعُوا جَنَائِزَهُمْ ، وَلَا تَعُودُوا مَرْضَاهُمْ ؛ فَإِنَّهُمْ يَسْتَنُونَ بِسَيِّئَتِكُمْ ، وَيَطْهَرُونَ بِدَعْوَاكُمْ ، وَيُخَالِفُونَ أَعْمَالَكُمْ ؛ فَيَمُوتُونَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِكُمْ ، أَوْلِيكَ لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ» . (٩)

- ١- المعجم الصغير : ج ٢ ص ١٠٨ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ١٢٥ ح ٩٧٢٢ ، الفردوس : ج ٣ ص ٥٤٦ ح ٥٧٠٣ وفيه «السموات والأرض بدل السماء» وكلها عن البراء بن عازب ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٧ .
- ٢- مريم : ٥٩ .
- ٣- محمد : ٢٤ .
- ٤- الروم : ٧ .
- ٥- الشعراء : ١٢٩ ١٣١ .
- ٦- الجاثية : ٢٣ .
- ٧- الرعد : ٢٦ .
- ٨- الشعراء : ٢٠٥ ٢٠٧ .
- ٩- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٤٤ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٩٦ ص ١ .

ص: ۱۴۷

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس همه نیازهای خود را از دنیا برآورد، روز آخرت، به خواسته اش نمی رسد؛ و هر که به زیور نازپروردگان چشم بدوزد، در ملکوت آسمان، خوار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابن مسعود! پس از من، گروه‌هایی می آیند که غذاهای خوش مزه و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و خود را چنان آرایش می کنند که زنی برای همسرش آرایش می کند و همچون زنان، زیورآرایی می نمایند و همانند شاهان ستمگر، جامه می پوشند. آنان منافقان این امت در آخر الزمان هستند که شراب می نوشند و با قاب، قمار می کنند و شهوت می رانند و نمازهای جماعت را وا می نهند و خواب ابتدای شب را وا می گذارند و در صبحگاهان، بسیار می خوابند. خدای تعالی می فرماید: «آن گاه، کسانی جانشین اینان گشتند که نماز را وانهادند و پیرو شهوت ها شدند. آنان به زودی در غی، (۱) فرو خواهند افتاد». ای ابن مسعود! آنان همانند خرزهره اند که گلی زیبا دارد، اما مزه اش سخت تلخ است. گفتارشان حکیمانه جلوه می کند؛ اما کردارشان، بیماری ای درمان ناپذیر است: «آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر قلب هایشان قفل هاست؟». ای ابن مسعود! آن که در دنیا با نازپروردگی، زندگی می کند، سودی نمی برد، آن گاه که در آتش، جاودانه می گردد: «آنان به جلوه بیرونی زندگی دنیا آگاه اند؛ اما از آخرت بی خبرند». خانه‌ها می سازند؛ کاخ‌ها بر پا می کنند؛ مسجدها را به زیور می آریند؛ مقصد همه تلاش هایشان تنها دنیاست و به آن، روی آورده اند و دل بسته اند. خدای آنان، شکم هایشان است. خداوند تعالی فرموده است: «با این پندار که همواره زنده اید، دژها و کاخ‌ها برمی افرازید؟ و به گاه انتقام گیری، همچون سرکشان، رفتار می کنید؟ پس تقوای خدا را پیش گیرید و از من فرمان برید». نیز خداوند متعال فرموده است: «آیا دیده ای آن را که هوسش را به خدایی برگزید و خدا از روی علم، گمراهش ساخت و بر گوش و دلش مهر نهاد... آیا پند نمی گیرید؟». چنین کسی، جز منافق نیست که هوس خویش را دین خود ساخته و شکمش را خدای خویش. از هر چه دلش بخواهد، خواه حلال و خواه حرام، نمی پرهیزد. خداوند تعالی فرموده است: «اینان به همین زندگی پست خشنودند؛ اما این زندگی در برابر زندگی آخرت، تنها کالایی ناچیز است». ای ابن مسعود! محراب‌های اینان زناشان اند، و شرافت ایشان در درهم و دینار است، و همه توانشان را در راه شکم خود به کار می گیرند. اینان در میان بدان، بدترین اند؛ هم خاستگاه فتنه اند و هم بازگشتگاه آن. ای ابن مسعود! سخن خدای متعال چنین است: «مگر نمی دانی اگر سال‌ها آنان را برخوردار کنیم، آن گاه عذاب موعود به آنها برسد، آنچه از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید؟». ای ابن مسعود! کالبد هایشان سیری نمی پذیرد و دل هایشان نرم و رام نمی گردد. ای ابن مسعود! اسلام، غریبانه آغاز شد و به همان سان، غریبانه باز خواهد گشت. پس خوشا سرانجام غریبان! از فرزندان شما، هر کس که آن روزگار را دریابد [خطاب من به وی، این است:]، بدیشان سلام ندهید و جنازه هایشان را تشییع نکنید و بیمارانشان را عیادت ننمایید؛ زیرا آنان گرچه خود را با شما هم سنت و هم آوا جلوه می دهند، رفتارشان همانند شما نیست. پس آنان مسلمان گونه نمی میرند و نه آنها از من هستند و نه من از آنهایم.

ص: ۱۴۸

..

ص: ۱۴۹

..

ص: ۱۵۰

الزهد لابن حنبل عن يزيد بن عبد الله بن قسيط: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله بسويقٍ من سويق اللوز، فلما خيَصَ قال: ما هذا؟ قالوا: سويق اللوز. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أخروه عني؛ هذا شراب المترفين. (۱)

شعب الإيمان عن وائله بن الأسقع: كنت من فقراء المصليين من أهل الصفة، فأتانا النبي صلى الله عليه وآله ذات يوم فقال: كيف أنتم بعدى إذا شبعتم من خبز البر والزيت، وأكلتم ألوان الطعام ولبستم أنواع الثياب؛ فأنتم اليوم خير أم ذاك؟ قلنا: ذاك. قال: بل أنتم اليوم خير. (۲)

حليه الأولياء عن ابن شهاب: إن عثمان بن مظعون دخل يوماً المسجد وعليه نمره قد تحللت فرقعها بقطعها من فروه، فرق رسول الله صلى الله عليه وآله ورقة أصحابه لرقته، فقال: كيف أنتم يوم يعدو أحدكم في حله ويروح في أخرى، وتوضع بين يديه قصعة وترفع أخرى، وسترتم الثبوت كما تستر الكعبه؟ قالوا: وددا أن ذلك قد كان يا رسول الله؛ فأصبنا الرخاء والعيش. قال: فإن ذلك لكائن، وأنتم اليوم خير من أولئك. (۳)

الزهد لابن حنبل عن حرب بن أبي الأسود عن طلحة البصرى: قدمت المدينة ولم يكن لى بها معرفة ورُبما قال: عريف وكان يُجرى علينا مد من تمر بين اثنين، فصلى بنا رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة، فهتف به هاتف من خلفه فقال: يا رسول الله، قد أحرقت بطوننا التمر، وتخرقت عنا الخنف! فخطب فحمد الله وأثنى عليه وقال: والله لو أجد لكم اللحم والخبز لأطعمتكموه، وليأتين عليكم زمان يُعدى على أجدكم الجفان ويروح، ولتلبس مثل أستار الكعبه. قالوا: يا رسول الله، نحن اليوم خير منا أو يومئذ؟ قال: أنتم اليوم خير منكم يومئذ، أنتم اليوم خير منكم يومئذ، يضرب بعضكم رقاب بعض. (۴)

۱- الزهد لابن حنبل: ص ۱۱ وراجع المحاسن: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۱۹۵۲ و بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۸۰ ح ۲۴.

۲- شعب الإيمان: ج ۷ ص ۲۸۳ ح ۱۰۳۲۲، حليه الأولياء: ج ۲ ص ۲۳، تاريخ دمشق: ج ۲۲ ص ۲۲۳ ح ۴۹۲۶ وفيهما «المسلمين» بدل «المصلين»، كنز العمال: ج ۳ ص ۲۱۶ ح ۶۲۲۹.

۳- حليه الأولياء: ج ۱ ص ۱۰۵.

۴- الزهد لابن حنبل: ص ۳۴ وراجع المستدرک على الصحيحين: ج ۴ ص ۵۹۱ ح ۸۶۴۸ و السنن الكبرى: ج ۲ ص ۶۲۴ ح ۴۳۳۷ وكنز العمال: ج ۳ ص ۲۱۸ ح ۶۲۳۴.



ص: ۱۵۱

الزهد، ابن حنبل به نقل از یزید بن عبد الله بن قسیط: معجون بادامی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شد. چون آن را به هم زدند، فرمود: «این چیست؟». گفتند: معجون بادام. فرمود: «آن را از من دور کنید؛ زیرا آن، نوشیدنی نازپروردگان است».

شُعَبُ الْإِيمَانِ به نقل از واثله بن أسقع: من از فقیران نمازگزار در اهل صَفَه بودم. روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود: «چه سان خواهید بود آن گاه که پس از من، از نان گندم و روغن سیر شوید و غذاهای رنگین بخورید و جامه های گوناگون بپوشید. وضع شما امروز بهتر است یا آن روز؟». گفتیم: آن روز. فرمود: «بلکه وضع امروز شما بهتر است».

حلیه الأولیاء به نقل از ابن شهاب - روزی عثمان بن مظعون، به مسجد درآمد، در حالی که گلیمی پاره، بر وی بود که با تکه پوستی، آن را پینه کرده بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر وی دل بسوخت و اصحاب نیز بر دلسوزی او دل سوختند. فرمود: «چه سان خواهید بود در روزی که هر یک از شما، صبحگاهان در جامه ای است و شامگاهان در جامه دیگر، و پیایی نزدش ظرف غذا نهاده شود، و خانه هایتان را همچون کعبه بپوشانید؟». گفتند: آرزو داریم که چنان روزی دررسد، ای پیامبر خدا! تا به آسایش و رفاه، دست یابیم. فرمود: «بی تردید، چنان خواهد شد؛ اما امروز، بیش از آن روز، به سود شماست».

الزهد، ابن حنبل به نقل از حرب بن ابو اسود، از طلحه بصری: به مدینه درآمدم، در حالی که بدان شناختی نداشتم و شاید گفت: در آن جا، آشنایی نداشتم و میان ما دو کف خرما برای هر نفر، تقسیم می شد. پس روزی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیشاپیش ما نماز نهاد؛ سپس کسی از فراشت وی، بانگ برآورد و گفت: «ای پیامبر خدا! خرما، اندرون های ما را بسوزانده و جامه های کتانمان، پاره شده است. پیامبر به خطبه ایستاد و پس از سپاس و ستایش خداوند، فرمود: «به خدا سوگند! اگر برای شما گوشت و نانی می یافتم، شما را از آن، اطعام می کردم. هر آینه، روزگاری برایتان خواهد آمد که ظرف های غذا، صبحگاهان و شامگاهان، پیایی نزدتان درآید، و جامه هایی همانند پوشش کعبه، بر تن کنید». گفتند: ای پیامبر خدا! امروز به خیریم یا آن روز خواهیم بود؟ فرمود: «شما امروز بیش از آن روز، به خیرید؛ شما امروز بیش از آن روز به خیرید. در آن روز، گردن یکدیگر را خواهید زد».

ص: ۱۵۲

الإمام علیّ علیه السلام: إِنَّا لَجُلُوسٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ ، إِذْ طَلَعَ مُصْعَبُ بْنُ عَمِيرٍ ، مَا عَلَيْهِ إِلَّا بُرْدَةٌ لَهُ مَرْقُوعَةٌ بِقَرْوٍ ، فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَكَى لِلَّذِي كَانَ فِيهِ مِنَ النَّعَمَةِ وَالَّذِي هُوَ الْيَوْمَ فِيهِ ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَيْفَ بِكُمْ إِذَا عَمِدَا أَحَدُكُمْ فِي حُلِّهِ وَرَاحٍ فِي حُلِّهِ ، وَوَضِعَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ صِيْحْفَةٌ وَرُفِعَتْ أُخْرَى ، وَسَتَرْتُمْ بُيُوتَكُمْ كَمَا تَسْتَرُونَ الْكَعْبَةَ ؟ قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، نَحْنُ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مِنَّا الْيَوْمَ ، تَتَفَرَّغُ لِلْعِبَادَةِ ، وَتُكْفَى الْمُؤَنَةُ ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَأَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ . (۱)

عنه عليه السلام: انظروا في الدنيا نظر الزاهد المفاقر لها؛ فإنها تزيل الثاوي الساكن، وتفجع المترف الآمن، لا يرجي منها ما تولى فأدبر، ولا يدرى ما هو آت منها فينتظر. (۲)

عنه عليه السلام: معاشر شيعتي، احذروا! فقد عصتكم الدنيا بأنبيائها، تختطف منكم نفسا بعد نفس كذائبها، وهذه مطايا الرحيل قد أنيخت لركابها، ألا إن الحديث ذو شجون، فلا يقولن قائلكم: إن كلام عليّ متناقض؛ لأن الكلام عارض. ولقد بلغني أن رجلا من قطان المدائن تبع بعد الحنيفة علوجه، وليس من ناله دهقانه منسوجه، وتضمخ بمسك هذه النوافج صباحه، وتبخر بعود الهند رواحه، وحوله ریحان حديقه يشم نفاحه، وقد مد له مفروشات الزوم على سريره. تعسا له بعد ما ناهز السبعين من عمره! وحوله شيخ يدب على أرضه من هرمه، وذو يئمه تضرور من ضرره ومن قرمه، فما واساهم بفاضة لات من علقمه، لئن أمكنني الله منه لأخضه منه خضم البر، ولأقيم عليه حيد المرتد، ولأضربنه الثمانين بعد حد، ولأسدن من جهله كل مسد. تعسا له! أفلا شعر؟! أفلا صوف؟! أفلا وبر؟! أفلا رغيق قفار الليل إفتار مقدم (۳)؟! أفلا عبرة على خد في ظلمه ليال تنحدر؟! ولو كان مؤمنا لآتت قت له الحجة إذا ضيع ما لا يملك. (۴)

۱- سنن الترمذی: ج ۴ ص ۶۴۷ ح ۲۴۷۶، الزهد لهناد: ج ۲ ص ۳۸۹ ح ۷۵۸، كنز العمال: ج ۳ ص ۲۱۷ ح ۶۲۳۰.

۲- الكافي: ج ۸ ص ۱۷ ح ۳ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام، نهج البلاغه: الخطبه ۱۰۳ نحوه، تحف العقول: ص ۲۰۲ وراجع مطالب السؤل: ص ۵۱.

۳- قال المجلسی رحمه الله: قوله: «أفلا- رغيق» بالرفع، ويجوز في مثله الرفع والنصب والبناء على الفتح. و«القفار بالفتح»: ما لا إدام معه من الخبز، وأضيف إلى الليل، وهو صفة للرغيق، و«إفتار» و«مقدم» أيضا صفتان له. وفي بعض النسخ: «الليل إفتار معدم»، فالظرف صفة أخرى لرغيق، و«ليل» مضاف إلى الإفطار المضاف إلى المعدم؛ أي الفقير (بحار الأنوار: ج ۴ ص ۳۵۳).

۴- الأموال للصدوق: ص ۷۲۰ ح ۹۸۸ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۳۴۶ ح ۲۹.

ص: ۱۵۳

امام علی علیه السلام: همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم که مُصعب بن عُمیر در آمد، در حالی که تنها پارچه ای یمنی بر خود داشت و با پاره ای پوست، آن را پینه کرده بود. چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وی را بدید، بدان جهت که روزی در ناز و نعمت بوده و اکنون در چنان حالی بود، گریست. سپس فرمود: «چه سان خواهید بود آن روز که هر یک از شما صبحگاهان در یک جامه و شامگاهان در جامه دیگر باشد و پیایی، قدح غذا برابری نهد، و خانه هاتان را همانند کعبه ببوشانید؟». گفتند: ای پیامبر خدا! آن روز، بهتر از امروز خواهیم بود؛ زیرا در بی نیازی می توانیم به خوبی عبادت کنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر آینه، امروز، بهتر از آن روزید».

امام علی علیه السلام: به دنیا با نظر پارسایی که از آن دوری می جوید، بنگرید؛ زیرا آن، نابود کننده کسی است که در آن، اقامت و سکنا گزیند و رفاه زده ایمن را به درد آورد. بهره دنیا چون پشت کند، دیگر امیدی به بازگشت آن نیست، و آینده، به روشنی دانسته نیست تا بتوان انتظارش را کشید.

امام علی علیه السلام: ای گروه های شیعیان من! سخت مراقب باشید. همانا دنیا شما را به دندان گزیده و همچون گرگ هایش، یکان یکان شما را در می رباید. این مرکب کوچ است که اکنون نزد سواران خود زانو زده است. هان که سخن، شاخه هایی دارد؛ پس کسی از شما نگوید که سخن علی، تناقض دارد؛ چرا که کلام، مخاطب ها و حالت های گوناگونی دارد. به من خبر رسیده که مردی از ساکنان مدائن، پس از مسلمان شدن، از کافران پیروی کرده و جامه ای از خنای خانه مهتر آن شهر بر گرفته، و بامداد خود را به مشکدان هایش خوش بو کرده و شامگاهش را به عود هندی، معطر نموده، و پیرامونش را گل بوستانی فرا گرفته و آن را می بوید، و فرش های رومی را بر تخت های خود گسترانیده است. پس از سپری کردن هفتاد سال، چه بدبخت شده است! در پیرامون او پیرمردی است که از فرط پیری، بر زمین می خزد، و یتیمی است که از تنگ حالی و شدت گرسنگی، به خود می پیچد؛ اما او [حتی] از پس مانده های غذای تلخش به وی نمی دهد. اگر خداوند، مرا بر وی مسلط فرماید، همچون گندم می کوبم و بر وی حد مرتد، جاری می کنم و سپس هشتاد تازیانه می زنم و راه عذر نادانی را بر او می بندم. آیا موی و پوست و کرک حیوان، نداشت؟ آیا تکه نانی نداشت تا کسی را افطار دهد؟ آیا در تاریکی شب، اشکی بر گونه ای نمی غلتید؟ اگر وی مؤمن بود، هر آینه، آن گاه که مال غیر خود را تباه می نمود، حجت بر وی تمام می شد.

ص: ۱۵۴

۴ / ۳ التفریط فی الاستهلاك الكتاب: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (۱).

---

۱- الضحی : ۱۱ .

ص: ۱۵۵

**۴ / ۳ تفریط در مصرف**

۴ / ۳ تفریط در مصرفقرآن: «و از نعمت پروردگار خویش [ با مردم ] سخن گوی.» .

ص: ۱۵۶

«يَبْنِيءَ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ \* قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » (۱).

الحديث: الكافي عن صالح بن أبي حماد وأحمد بن محمد عن الإمام علي عليه السلام فياحتجاجه على عاصم بن زياد حين لبس العباء وترك الملاء، وشكاه أخوه الربيع بن زياد أنه قد غم أهله وأحزن ولده بذلك، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: علي بعاصم ابن زياد! فجيء به، فلما رآه عبس وجهه فقال له: أما استحييت من أهلك؟! أما رحمت ولدك؟! أترى الله أحل لك الطيبات وهو يكره أخذك منها؟! أنت أهون على الله من ذلك! أوليس الله يقول: «وَالأَرْضُ وَضَعَهَا لِلأَنَامِ \* فِيهَا فَكَاهَةٌ وَالتَّخْلُ ذَاتُ الأَكْمَامِ»؟! (۲) أوليس (الله) يقول: «مَرَجَ البَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ إِلَى قَوْلِهِ: يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَ المَرْجَانِ»؟! (۳) فبالله لا يتذال نعم الله بالفعال أحب إليه من ابتذالها بالمقال، وقد قال الله عز وجل: «وَأَمَّا يَنْعَمَ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». (۴) فقال عاصم: يا أمير المؤمنين، فعلام اقتصرت في مطعمك على الجشوبه وفي ملبسك على الخشونه؟ فقال: ويحك! إن الله عز وجل فرض على أئمة العدل أن يُقدروا أنفسهم بضعة الناس كيلا يتبجح بالفقير فقره. فألقى عاصم بن زياد العباء ولبس الملاء. (۵)

۱- الأعراف: ۳۱ و ۳۲.

۲- الرحمن: ۱۰ و ۱۱.

۳- الرحمن: ۱۹ و ۲۲.

۴- الضحى: ۱۱.

۵- الكافي: ج ۱ ص ۴۱۰ ح ۳، نهج البلاغه: الخطبه ۲۰۹ نحوه، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۱۹ و ج ۷ ص ۱۱۸ ح ۸.

ص: ۱۵۷

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی، آرایش خویش فراگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید؛ زیرا او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. بگو: «چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟». بگو: «اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است؛ [ولی کافران هم بهره‌مندند]، حال آن که در روز رستاخیز، ویژه ایشان است». بدین گونه، آیات را برای گروهی که بدانند، به تفصیل بیان می‌کنیم».

حدیث: الکافی به نقل از صالح بن ابی حماد و احمد بن محمد، از امام علی علیه السلام، در دلیل آوری اش بر عاصم بن زیاد، آنگاه که جامه معمول را رها کرد و عبا [ی زهد] را به بر افکند و برادرش ربیع بن زیاد از وی شکایت آورد که زن و فرزندش را با این کار، به اندوه افکنده است - عاصم بن زیاد را نزد من احضار کنید! و چون او نزدش آورده شد، با نگریستن در وی، چهره اش در هم شد و به او فرمود: «آیا از خانواده ات شرم نکردی؟ آیا بر فرزندت رحم نیاوردی؟ آیا گمان می‌کنی خداوند، با آن که پاکیزه‌ها را بر تو حلال فرموده، استفاده‌ات از آنها را ناپسند شمرده است؟ تو برای خدا این قدر منزلت نداری! آیا خدا نیست که می‌فرماید: «و زمین را برای آدمیان بنهاد. در آن، میوه‌هاست و خرما بئین های غلافدار»؟ آیا همو نیست که می‌فرماید: «آن دو دریا را راه داد که به هم برسند. میان آن دو، حائلی است تا از حد نگذرند... از آن دو، مروارید و مرجان بیرون می‌آید؟» پس به خدا سوگند! خوار شمردن نعمت‌های خدا با عمل، برای خداوند، دلخواه تر است از خوار شمردن آنها با زبان. خداوند فرموده است: «و به نعمت پروردگارت، سخن بگشای». عاصم گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! پس چرا تو، خود، غذای درشت می‌خوری و جامه خشن می‌پوشی؟ فرمود: «وای بر تو! هر آینه خداوند، بر پیشوایان عدل واجب فرموده که خویشان را همسان مردم ناتوان سازند تا فقر، بر فقیر، جوشش نیابد». سپس عاصم بن زیاد، عبا [ی زهد] از تن افکند و جامه معمول بر تن کرد.

ص: ۱۵۸

الاختصاص: استعدی زیاد بن شداد الحارثی صاحب رسول الله صلى الله عليه و آله على أخيه عبيد الله بن شداد، فقال [لعلی علیه السلام]: يا أمير المؤمنين، ذهب أخى فى العباد، وامتنع أن يساكننى فى دارى، ولبس أدنى ما يكون من اللباس. قال [عبيد الله]: يا أمير المؤمنين، تزيت بزيتك ولبست لباسك! قال [عليه السلام]: ليس لك ذلك؛ إن إمام المسلمين إذا ولى أمورهم لبس لباس أدنى فقيرهم؛ لئلا يتبجح بالفقير فقره فيقتله، فلأعلمن ما لبست إلاً من أحسن زى قومك «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»، فالعمل بالنعمة أحب إلی من الحديث بها. (۱)

عوالى اللالی: روى فى الحديث: أن النبى صلى الله عليه و آله جلس للناس ووصف يوم القيامة، ولم يزدهم على التخويف، فرق الناس وبكوا، فاجتمع عشرة من الصحابة فى بيت عثمان بن مظعون، واتفقوا على أن يصوموا النهار، ويقوموا الليل، ولا يقربوا النساء ولا الطيب، ويلبسوا المسوح، ويرفضوا الدنيا، ويسيحوا فى الأرض، ويترهبوا، ويخصوا المذاكير. فبلغ ذلك النبى صلى الله عليه و آله، فأتى منزل عثمان فلم يجده، فقال لامرأته: أحمق ما بلغنى؟ فكرهت أن يكذب رسول الله صلى الله عليه و آله، وأن تبدى على زوجها، فقالت: يا رسول الله، إن كان أخبرك عثمان فقد صدقك، وانصرف رسول الله صلى الله عليه و آله. وأتى عثمان منزله، فأخبرته زوجته بذلك، فأتى هو وأصحابه إلى النبى صلى الله عليه و آله، فقال لهم: ألم أتبأ أنكم اتفقتم؟! فقالوا: ما أردنا إلا الخير، فقال: إني لم أومر بذلك، ثم قال: إن لأنفسكم عليكم حقاً؛ فصوموا وأفطروا، وقوموا وناموا؛ فإني أصوم وأفطر، وأقوم وأنام، وأكل اللحم والدسم، وأتى النساء، فمن رغب عن سنتى فليس منى. ثم جمع الناس وخطبهم وقال: ما بال قوم حرموا النساء والطيب والنوم وشهوات الدنيا؟! وأما أنا فلست أمركم أن تكونوا قسيسين ورهبانا؛ إنه ليس فى دينى ترك اللحم والنساء واتخاذ الصوامع؛ إن سياحة أمتى فى الصوم، ورهبانيتها الجهاد؛ أعيدوا الله ولا تشركوا به شيئاً، وحجوا واعتمروا، وأقيموا الصلاة، وآتوا الزكاة، وصوموا شهر رمضان، واستقيموا يستقيم لكم، فإنما هلك من قبلكم بالتشديد؛ شددوا على أنفسهم فسدد الله عليهم، فأولئك بقاياهم فى الديارات والصوامع. (۲)

۱- الاختصاص: ص ۱۵۲، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۱۰۷ ح ۱۱۷.

۲- عوالى اللالی: ج ۲ ص ۱۴۹ ح ۴۱۸ وراجع تفسير مجمع البيان: ج ۳ ص ۳۶۴ و تفسير الطبرى: ج ۵ الجزء ۷ ح ۹.



ص: ۱۵۹

الاختصاص: زیاد بن شداد حارثی، از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، به شکایت از برادرش عبید الله بن شداد، نزد علی علیه السلام به دادخواهی پرداخت و گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! برادرم در عبادت فرو رفته و از این که با من در خانه ام ساکن شود، خودداری ورزیده و پست ترین جامه را بر تن کرده است. [عبیدالله در پاسخ] گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! چنان که تو خود را می آرایی، خویشان را آراستم، و آن سان که تو جامه می پوشی، جامه پوشیدم. امام علیه السلام فرمود: «تو نباید چنین کنی! پیشوای مسلمانان، آن گاه که ولایت امور آنان را در دست می گیرد، جامه فقیرترین ایشان را می پوشد؛ مبادا که ناداری تهی دست، او را برافروخته سازد و وی را بکشد. هر آینه من می دانم که تو تنها نیکوترین جامه های قوم خود را بر تن می کردی. [خداوند می فرماید:] «و به نعمت پروردگارت سخن بگشای». پس استفاده عملی از نعمت، نزد من، دوست داشتنی تر از سخن گفتن از آن است».

عوالی اللالی: در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع مردم نشست و روز قیامت را برایشان وصف فرمود؛ و [لی] بر بیم دادن ایشان نیز فزود. آنان را دل نازکی افتاد و گریستند. سپس ده تن از اصحاب، در خانه عثمان بن مظعون گرد آمدند و قرار نهادند که روز را روزه بگیرند و شب را [به عبادت] بایستند؛ به زنان، نزدیک نشوند و عطر را ترک گویند؛ خرقه پشمینه بر تن کنند و دنیا را واگذارند؛ در زمین، به سیاحت پردازند و رهبانیت پیش گیرند؛ و نرینگان را آخته کنند. این خبر، به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید؛ پس به خانه عثمان آمد. او را نیافت. به همسرش فرمود: «آیا آنچه به من خبر رسیده، درست است؟». او هم نمی خواست که خبر پیامبر را ناراست شمارد و هم کراهت داشت که به زیان همسرش سخنی بگوید. گفت: ای پیامبر خدا! اگر عثمان به شما خبری داده، راست گفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله باز گشت. عثمان که به خانه آمد، همسرش ماجرا را برایش بیان کرد. پس او و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر به ایشان گفت: «آیا قراری نهاده اید و من باخبر نشده ام؟». گفتند: ما جز خیر نمی خواستیم. فرمود: «من [با این که پیامبرم]، به این شیوه امر نشده ام!». سپس فرمود: «هر آینه وجود شما را بر شما حقی است؛ پس روزه گزارید و روزه بگشایید، [به عبادت] بایستید و [در هنگام لزوم] بخوابید؛ که من، خود، روزه می گیرم و روزه می گشایم، و [به عبادت] می ایستم و [به هنگام] می خوابم، و گوشت و چربی می خورم، و با زنان در می آمیزم؛ پس هر که از سنت من روی بگرداند، از من نیست». سپس مردم گرد آمدند و پیامبر برای ایشان خطبه خواند و فرمود: «چه شده است گروهی را که زنان و عطر و خواب و خواستنی های دنیا را حرام شمردند؟ و امّیا من به شما فرمان نمی دهم که کشیش و راهب شوید. در دین من، مقرر نشده که گوشت و زنان را رها کنید و به صومعه ها بخرید. جانگردی امت من در روزه و رهبانیتش در جهاد است. خدای را عبادت کنید و به او هیچ شرک نوزید. حج و عمره بگزارید. نماز بر پای کنید. زکات دهید. روزه ماه رمضان را به جای آورید. به راه راست بروید تا شما را بر راه راست نگه دارد. جز این نیست که کسانی پیش از شما بر خود سخت گرفتند و از این روی، هلاک شدند. ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت؛ و اینان [راهبان و کشیشان]، باقی مانده همانان اند در دیرها و صومعه ها».

ص: ۱۶۰

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِيْرَاكُمْ ولباس الرهبان! فَإِنَّهُ مَنْ يَتَرَهَّبُ أَوْ يَتَشَبَّهُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي ، وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ وَحَرَّمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي ، وَمَنْ تَرَكَ النِّسَاءَ كَرَاهِيَةً فَلَيْسَ مِنِّي . (۱)

۱- الفردوس: ج ۱ ص ۳۸۱ ح ۱۵۳۴ المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۱۷۸ ح ۳۹۰۹ عن أبي كريمه وليس فيه ذيله وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۱۰۰ .

ص: ۱۶۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از پوشیدن جامه راهبان پرهیزید! هر آینه، هر کس رهبانیت پیشه کند یا خود را به راهبان شبیه سازد ، از من نیست ؛ و هر که [خوردن] گوشت را ترک گوید و آن را بر خویش حرام سازد ، از من نیست ؛ و هر کس از روی کراهت ، [همخوابی با] زنان را ترک کند ، از من نیست .

ص: ۱۶۲

۴ / ۴ إضَاعَةُ الْمَالِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنْ اللَّهُ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: قِيلَ وَقَالَ، وَإِضَاعَةُ الْمَالِ، وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ. (۱)

عنه صلى الله عليه وآله: الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ، وَلَا إِضَاعَةِ الْمَالِ. (۲)

صحیح البخاری عن وِردٍ، كَاتِبُ الْمَغِيرَةِ: كَتَبَ مُعَاوِيَةُ إِلَى الْمَغِيرَةِ: أَكْتُبَ إِلَيَّ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ... إِنَّهُ كَانَ يَنْهَى عَنِ قِيلٍ وَقَالَ، وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةِ الْمَالِ. وَكَانَ يَنْهَى عَنِ عُقُوقِ الْأُمَّهَاتِ، وَوَادِ الْبَنَاتِ، وَمَنْعِ وَهَاتِ.

(۳)

۴ / ۵ إِنْفَاقُ الْمَالِ فِي الْمَعَاصِيَا لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ إِنْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَعْظَمُ نِعْمَةٍ، وَإِنْ إِنْفَاقَهُ فِي مَعَاصِيهِ أَعْظَمُ مِحْنَةٍ.

(۴)

۱- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۳۷ ح ۱۴۰۷، مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۳۳۰ ح ۱۸۱۷۱، تاریخ بغداد: ج ۸ ص ۱۱۱ ح ۴۲۳۱ وفيه «إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُمْ»، المعجم الكبير: ج ۲ ص ۳۹۸ ح ۹۴۳ نحوه وكلها عن المغيرة بن شعبه، الموطأ: ج ۲ ص ۹۹۰ ح ۲۰ عن أبيهيريه وفيه «ويسخط لكم» بدل «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ»، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۸۲۴ ح ۴۳۲۷۵.

۲- سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۷۱ ح ۲۳۴۰، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۷۳ ح ۴۱۰۰ كلاهما عن أبي ذر الغفاري، كنز العمال: ج ۳ ص ۱۸۱ ح ۶۰۵۹؛ الكافي: ج ۵ ص ۷۰ ح ۲، معاني الأخبار: ص ۲۵۱ ح ۳ كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ۲۰۶ ح ۵۵۳ عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه.

۳- صحیح البخاری: ج ۶ ص ۲۶۵۹ ح ۶۸۶۲ و ج ۵ ص ۲۳۷۶ ح ۶۱۰۸، صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۳۴۱ ح ۱۴، السنن الكبرى: ج ۶ ص ۱۰۴ ح ۱۱۳۴۱ كلها نحوه وراجع مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۳۳۹ ح ۱۸۲۱۵.

۴- غرر الحكم: ح ۳۳۹۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۴۳ ح ۳۱۹۸.

ص: ۱۶۳

**۴ / آتیه کردن ثروت****۴ / ۵ هزینه کردن ثروت در گناه**

۴ / ۴ آتیه کردن ثروت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند، سه چیز را بر شما نمی پسندد: بگو مگو، تباه کردن مال، درخواستِ بسیار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهدورزی در دنیا، به معنای حرام کردنِ حلال و تباه کردنِ مال نیست.

صحیح البخاری به نقل از وِراد، منشیِ مُغیره: معاویه به مغیره نوشت: برای من سخنی بنویس که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ای. او برایش نوشت: ... وی از این چیزها نهی می فرمود: بگو مگو؛ درخواستِ بسیار؛ و تباه کردن مال. و نیز نهی می فرمود از انجام دادن کاری که نفرین پدر و مادر را در پی داشته باشد؛ زنده به گور کردنِ دختران؛ و امر و نهی [بی جا].

۴ / ۵ هزینه کردن ثروت در گناه امام علی علیه السلام: بخشیدن این مال برای بندگی خدا، بزرگ‌ترین نعمت، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند، از هر چیز، محنت‌بارتر است.

ص: ١٦٤

عنه عليه السلام: لا تصرف مالك في المعاصي؛ فتقدم على ربك بلا عمل. (١)

إصلاح المال عن محمد بن سوفة: سيأل رجل سعيده بن جبير عن نهي النبي صلى الله عليه وآله عن إضاعه المال، قال: هو (أن) يرزقك الله رزقا حلالا فتنفقه في ما حرم الله عليك. (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: يا إلهي... فمن أجهل مني... برؤسده؟! ومن أغفل مني عن حظه؟! ومن أبعد مني من استصلاح نفسه... حين أنفق ما أجزيت علي من رزقك في ما نهيتني عنه من معصيتك؟ (٣)

٤ / إنفاق المال في غير حق رسول الله صلى الله عليه وآله و آله: يا علي، أربعة يذهبن ضياعا: الأكل على الشبع، والسراج في القمر، والزرع في السبخه، والصنيعه عند غير أهلها. (٤)

الإمام علي عليه السلام: من كان فيكم له مال فإياه والفساد! فإن إعطاءه في غير حقه تبيد وإسراف، وهو يرفع ذكر صاحبه في الناس ويضعه عند الله. ولم يضع امرؤ ماله في غير حقه وعند غير أهله إلا حرمه الله شكرهم، وكان لغيره ودهم؛ فإن بقي معه منهم بقيه ممن يظهر الشكر له ويريه النصح فإنما ذلك ملق منه وكذب؛ فإن زلت بصاحبهم النعل ثم احتاج إلى معونتهم ومكافأتهم فالأم خليل وشتر خدين. ولم يضع امرؤ ماله في غير حقه وعند غير أهله إلا لم يكن له من الحظ في ما أتى إلا محمده اللئام وثناء الأشرار ما دام عليه منعما مفضلا ومقاله الجاهل: ما أجوده! وهو عند الله بخيل. فأى حظ أبور وأخسر من هذا الحظ؟! وأى فائده معروف أقل من هذا المعروف؟! فمن كان منكم له مال فليصل به القرابه، وليحسن منه الضيافه، وليفكك به العاني والأسير وابن السبيل؛ فإن الفوز بهذه الخصال مكارم الدنيا وشرف الآخرة. (٥)

١- غرر الحكم: ح ١٠٣٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٥ ح ٩٥٩٦.

٢- إصلاح المال: ص ٢٠٠ ح ١١٥.

٣- الصحيفه السجديه: ص ٦٩ الدعاء ١٦، المزار الكبير: ص ١٥٨.

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٧٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، الخصال: ص ٢٦٣ ح ١٤٣ عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص ٩ وفيه «ضلالاً» بدل «ضياعاً»، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٣٥ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٦٦ ص ٣٣٢ ح ١١.

٥- الكافي: ج ٤ ص ٣١ ح ٣ عن أبي مخنف الأزدي، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٢٢ ح ٢٩ وراجع الأمالي للمفيد: ص ١٧٦ ح ٦ ونهج البلاغه: الخطبه ١٤٢ والأمالي للطوسي: ص ١٩٥ ح ٣٣١ وتحف العقول: ص ١٨٥.

ص: ۱۶۵

## ۴ / هزینہ کردن نابجا

امام علی علیه السلام: دارایی خویش را در راه گناهان صرف مکن؛ زیرا آن گناه، بدون عمل [صالح]، نزد خدا خواهی رفت.

اصلاح المال به نقل از محمد بن سوقه: مردی از سعید بن جبیر در باره نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از تباه کردن مال، سؤال کرد. وی گفت: «تباه کردن مال، آن است که خداوند، روزی حلال به تو عطا فرماید و آن را برای چیزی که خداوند بر تو حرام فرموده، انفاق کنی».

امام زین العابدین علیه السلام: معبود من!... کیست که بیش از من... به مایه هدایت خویش نادان باشد؛ کیست که از من، از بهره [معنوی] خویش غافل تر باشد؛ کیست که از من، از سامان دهی جان خویش دورتر باشد... آن گاه که روزی ات را که بر من جاری فرموده ای، در گناهی که مرا از آن بازداشته ای، هزینہ می کنم؟

۴ / هزینہ کردن نابجا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! چهار چیز هدر می روند: خوردن از پی سیری؛ چراغ برافروختن در نور ماه؛ کشت کردن در شوره زار؛ و نیکی و احسان به کسی که شایسته آن نیست.

امام علی علیه السلام: هر کس از شما که مالی دارد، از فساد برحذر باشد که هر آینه، اگر بخشیدن آن مال نا به جا باشد، ریخت و پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم، برمی کشد، وی را نزد خداوند، فرو می آورد. هیچ کس نیست که مالش را نابه جا و برای غیر شایستگان صرف کند، جز آن که خداوند، سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد، و اگر هم از آنان کسی باقی بماند که او را سپاس گوید و برایش دل بسوزاند، از باب چاپلوسی و ناراستی است و اگر روزگار باژگونه شود و او به آنان محتاج شود و نیازمند جبرانشان گردد، آن گاه، فرومایه ترین دوست و بدترین یار اویند. هیچ کس نیست که دارایی اش را نابه جا و برای ناشایستگان صرف کند، جز آن که تنها بهره اش ستایش فرومایگان و سپاس بدان باشد آن هم مادام که به احسان و بخشش خویش ادامه دهد و نادان [درباره اش] بگوید: «او چه بخشنده است!»؛ و [لی] او نزد خدا، بخیل به شمار می آید. پس چه بهره ای مرگبارتر و زیانبارتر از این بهره است؟ و کدام کار [به ظاهر] نیک، سودش کم تر از این کار است! پس هر یک از شما را مالی است که باید با آن، به خویشاوندان پیوند برساند، میهمانی نیکو ترتیب دهد، و رنجور و اسیر و در راه مانده را رهایی بخشد؛ زیرا هر آینه، دستیابی به این خوی ها، هم در دنیا مایه کرامت است و هم در آخرت، سبب شرافت.

ص: ۱۶۶

عنه عليه السلام: مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ الْحُقُوقِ ، قَصَرَ عَنِ الْحُقُوقِ . (۱)

الإمام الصادق عليه السلام: يُعْرَفُ مَنْ يَصِفُ الْحَقَّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: يُنْظَرُ إِلَى أَصْحَابِهِ مَنْ هُمْ؟ وَإِلَى صَلَاتِهِ كَيْفَ هِيَ؟ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ يُصَلِّيهَا؟ فَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ نَظَرَ أَيْنَ يَضَعُ مَالَهُ؟ (۲)

- 
- ۱- غرر الحکم: ح ۸۵۴۹، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۶ ح ۸۲۶۱.  
 ۲- المحاسن: ج ۱ ص ۳۹۶ ح ۸۸۵، بحار الأنوار: ج ۶۷ ص ۳۰۲ ح ۳۰.



ص: ۱۶۷

امام علی علیه السلام: هر کس نابه جا بخشش کند، در ادای حقوق، کوتاهی کرده است.

امام صادق علیه السلام: آن که از حق بهره دارد، با سه ویژگی شناخته می شود: به دوستانش نظر می شود که چه کسان اند؛ به نمازش نگریسته می شود که چگونه و در چه وقت ادا می گردد؛ و اگر ثروتمند باشد، به چگونگی صرف کردن مالش نظر می شود.

ص: ١٦٨

عنه عليه السلام: يَقُولُ إبليسُ لَعْنَةُ اللَّهِ: ما أعيانى فى ابنِ آدمَ فلمَ يُعِينِنِي مِنْهُ واحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ: أَخَذُ مالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ ، أو مَنَعُهُ مِنْ حَقِّهِ ، أو وَضَعُهُ فى غَيْرِ وَجْهِهِ . (١)

راجع: ص ١٢٦ «الاسراف والتبذير» .

٤ / ٧ إنفاقُ المالِ فى البِناءِ فَوْقَ الكَفايَةِ الكتاب: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ ءَأَيُّهُ تَعْبَثُونَ \* وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ \* وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ \* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ» (٢) .

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تَبْنُوا ما لا تَسْكُنُونَ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ بَنَى بِنَاءً أَكْثَرَ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ ، كَانَ عَلَيْهِ وَبِالْأَيَّامِ الْقِيَامَةِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبِالْأَيَّامِ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٥)

١- الخصال: ص ١٣٢ ح ١٤١ عن عبد الرحمان بن محمد العزرمي ، مشكاة الأنوار: ص ٢٦٠ ح ٧٦٦ وفى صدره «اللَّهُ تعالى» بدل «ابليس لعنه الله» نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٣ ص ٢٢٣ ح ٦٨؛ البدايه والنهائيه: ج ٩ ص ٢٢٨ وليس فيه «منعه من حقه» نحوه عن مجاهد .

٢- الشعراء: ١٢٨ ١٣١ .

٣- الكافي: ج ٢ ص ٤٨ ح ٤ عن سليمان الجعفرى عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام وص ٥٣ ح ١ ، معانى الأخبار: ص ١٨٧ ح ٦ ، التوحيد: ص ٣٧١ ح ١٢ كلاهما عن عذافر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٨٤ ح ٧ .

٤- شُعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٩١ ح ١٠٧١٠ عن أنس ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٤٠٦ ح ٤١٥٨٥ .

٥- الكافي: ج ٦ ص ٥٣١ ح ٧ ، المحاسن: ج ٢ ص ٤٤٥ ح ٢٥٣٠ كلاهما عن حميد الصيرفى ، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٧٥ ح ٨٤٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ١٥٠ ح ١٠ وص ١٥٥ ح ٣٤ .

ص: ۱۶۹

**۴ / هزینه کردن در ساختمان ، بیش از نیاز**

امام صادق علیه السلام: ابلیس خدایش لعنت کناد می گوید: «من در باره فرزند آدم، از یکی از این سه ، درنمانده ام و هرگز نیز در نخواهم ماند: کسب مال از راه غیر حلال ، ادا نکردن حق مال و مصرف آن در مورد ناروا» .

ر . ک : ص ۱۲۷ «اسراف و تبذیر» .

۴ / ۷ هزینه کردن در ساختمان ، بیش از نیاز قرآن: «آیا به هر جای بلندی ، نشانه ای به بازی و بیهودگی بنا می کنید و کوشک های بلند و استوار می سازید که شاید جاویدان بمانید. و چون به خشم دست می گشایید ، مانند گردنکشان [بی رحمانه] دست می گشایید. پس ، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید» .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جایی را که در آن سکونت نمی یابید ، بنا نکنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد ، روز قیامت، بر او سنگینی خواهد کرد .

امام صادق علیه السلام: هر ساختمانی که به اندازه نیاز نباشد (بیش از اندازه نیاز باشد) ، روز قیامت، بر مالکش سنگینی خواهد کرد .

ص: ۱۷۰

سنن أبی داود عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ فَرَأَى قُبَّةً مُشْرِفَةً فَقَالَ: مَا هَذِهِ؟ قَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: هَذِهِ لِفُلَانٍ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، قَالَ: فَسَيَكْتُ وَحَمَلَهَا فِي نَفْسِهِ، حَتَّى إِذَا جَاءَ صَاحِبُهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فِي النَّاسِ أَعْرَضَ عَنْهُ، صَنَعَ ذَلِكَ مِرَارًا، حَتَّى عَرَفَ الرَّجُلُ الْعُصْبَ فِيهِ وَالْإِعْرَاضَ عَنْهُ، فَشَدَّكَ ذَلِكَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأُنْكِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالُوا: خَرَجَ فَرَأَى قُبَّتَكَ. قَالَ: فَرَجَعَ الرَّجُلُ إِلَى قُبَّتِهِ فَهَدَمَهَا حَتَّى سَوَّاهَا بِالْأَرْضِ، فَخَرَجَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمْ يَرَهَا، قَالَ: مَا فَعَلْتَ الْقُبَّةُ؟ قَالُوا: شَكَا إِلَيْنَا صَاحِبُهَا إِعْرَاضَكَ عَنْهُ، فَأَخْبَرْنَا فَهَدَمَهَا. فَقَالَ: أَمَا إِنَّ كُلَّ بِنَاءٍ وَبِأَلٍ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا لَا، إِلَّا مَا لَا. يَعْنِي: مَا لَا بُدَّ مِنْهُ. (۱)

سنن أبی داود عن أنس: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقُبَّةٍ عَلَى بَابِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: مَا هَذِهِ؟ قَالُوا: قُبَّةٌ بَنَاهَا فُلَانٌ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُدُّ مَالٍ يَكُونُ هَكَذَا فَهَوَّ وَبِأَلٍ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَبَلَغَ الْأَنْصَارِيُّ ذَلِكَ فَوَضَعَهَا، فَمَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدُ فَلَمْ يَرَهَا، فَسَأَلَ عَنْهَا، فَأَخْبَرَ أَنَّهَا وَضَعَهَا لِمَا بَلَغَهُ عَنْكَ فَقَالَ: يَرْحَمُهُ اللَّهُ! يَرْحَمُهُ اللَّهُ! (۲)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ، كُفِّ أَنْ يَحْمِلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى عُنُقِهِ. (۳)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ بَنَى فَوْقَ مَسْكِنِهِ، كُفِّ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۴)

- ۱- سنن أبی داود: ج ۴ ص ۳۶۰ ح ۵۲۳۷؛ تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۷۱ نحوه.
- ۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۹۳ ح ۴۱۶۱، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۴۳۹ ح ۱۳۳۰۰ نحوه.
- ۳- المعجم الكبير: ج ۱۰ ص ۱۵۱ ح ۱۰۲۸۷ عن عبد الله، حليه الأولياء: ج ۸ ص ۲۴۶ عن عبد الله بن مسعود نحوه، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۴۰۶ ح ۴۱۴۸۶.
- ۴- المحاسن: ج ۲ ص ۴۴۶ ح ۲۵۳۱، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۵۰ ح ۱۱.

ص: ۱۷۱

سنن ابی داوود به نقل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برون آمد و گنبدی بلند دید . فرمود: «این چیست؟». یارانش گفتند : این، از آن فلان مرد از انصار است . پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت ورزید و خود را نگاه داشت تا آن گاه که صاحب آن گنبد، نزد وی آمد و در میان مردم ، به ایشان سلام داد . پیامبر صلی الله علیه و آله از او روی گرداند و این کار را چند بار انجام داد ؛ چندان که آن مرد، خشم و رویگردانی وی را دریافت . پس از این حال، به یارانش گله برد و گفت: به خدا سوگند! من این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی پسندم . گفتند: وی برون آمد و گنبدت را دید». مرد به گنبد خویش بازگشت و آن را ویران کرد ؛ چندان که با خاک یکسانش نمود . دیگر بار، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برون آمد و آن [گنبد] را ندید . فرمود: «آن گنبد چه شد؟». گفتند: صاحب آن، از رویگردانی شما، به ما گله آورد و ما او را [از ماجرا] آگاه کردیم؛ پس، آن [گنبد] را ویران ساخت . فرمود: «هان که هر ساختمانی، وبال گردن صاحب آن است ، مگر این که چاره ای از آن نباشد» .

سنن ابی داوود به نقل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که بر گنبدی بنا شده بر آستانه خانه مردی از انصار گذر می کرد، فرمود: «این چیست؟». گفتند: گنبدی است که فلان کس، بنا کرده است . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مالی که چنین باشد ، روز قیامت ، وبال گردن صاحب خویش است» . این خبر، به آن مرد انصاری رسید ؛ پس آن [گنبد] را ویران کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله ، بار دیگر از آن جا گذشت و آن را ندید ؛ پس، از آن پرسید . خبرش دادند که: آن مرد، چون سخن شما را شنیده ، آن را ویران کرده است . فرمود: «خدایش رحمت کند! خدایش رحمت کند!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فراتر از حدّ نیازش، ساختمان بنا کند ، در روز قیامت، واداشته می شود که آن را بر گردن انداخته ، حمل کند .

امام صادق علیه السلام : هر کس فراتر از حدّ نیاز سکونتش، ساختمان بسازد ، روز قیامت، واداشته می شود که آن را بر دوش کشد

ص: ۱۷۲

رسول الله صلى الله عليه و آله : ما أنفق المؤمن من نفقه فإن خلفها على الله فالله ضامن ، إلا ما كان في بُنيانٍ أو معصية . (۱)

عنه صلى الله عليه و آله : إذا أراد الله بعبد هوانا أنفق ماله في البنيان . (۲)

عنه صلى الله عليه و آله : إن لله عز و جل بقاعا تُسمى «المنتقعات» ، فإذا كَسَبَ الرَّجُلُ المَالَ مِنْ حَرَامٍ سَلَطَ اللهُ عَلَيْهِ المَاءَ وَ الطَّيْنَ ، ثُمَّ لَا يُمْتَعُهُ بِهِ . (۳)

المراسيل عن عطيه بن قيس : كَانَ حُجْرَ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بِجَرِيدِ النَّخْلِ ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي مَغْزَى لَهُ ، وَكَانَتْ أُمُّ سَلَمَةَ مَوْسِرَةً ، فَجَعَلَتْ مَكَانَ الْجَرِيدِ لَبِنًا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله : مَا هَذَا ؟ قَالَتْ : أَرَدْتُ أَنْ أَكْفَّ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاسِ ، فَقَالَ : يَا أُمَّ سَلَمَةَ ، إِنَّ شَرَّ مَا ذَهَبَ فِيهِ مَالُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْبُنْيَانُ . (۴)

۴ / ۸ تقلید الأجنبي في الاستهلاك رسول الله صلى الله عليه و آله : لَا يُشْبَهُ الزُّيُّ بِالزُّيِّ حَتَّى يُشْبَهَ الخُلُقُ بِالخُلُقِ ؛ وَ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ . (۵)

- ۱- المستدرک علی الصحیحین : ج ۲ ص ۵۷ ح ۲۳۱۱ ، السنن الكبرى : ج ۱۰ ص ۴۰۹ ح ۲۱۱۳۲ نحوه و كلاهما عن جابر ، كنز العمال : ج ۶ ص ۴۱۴ ح ۱۶۳۱۸ .
- ۲- المعجم الأوسط : ج ۸ ص ۳۸۱ ح ۸۹۳۹ ، شعب الإيمان : ج ۷ ص ۳۹۴ ح ۱۰۷۲۰ ، الفردوس : ج ۱ ص ۲۴۵ ح ۹۵۰ کلها عن محمد بن بشير الأنصاري وزادا في آخرهما «والماء والطين» ، كنز العمال : ج ۳ ص ۴۴۴ ح ۷۳۶۵ .
- ۳- الفردوس : ج ۱ ص ۱۸۶ ح ۷۰۱ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۳۹۳ ح ۴۱۵۲۰ ؛ الكافي : ج ۶ ص ۵۳۱ ح ۲ ، الخصال : ص ۱۵۹ ح ۲۰۵ ، المحاسن : ج ۲ ص ۴۴۵ ح ۲۵۲۸ کلها عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ۷۶ ص ۱۵۰ ح ۸ .
- ۴- المراسيل : ص ۲۳۷ ح ۲ ، الطبقات الكبرى : ج ۸ ص ۱۶۷ عن عبد الله بن يزيد الهذلي نحوه ، كنز العمال : ج ۱۵ ص ۳۹۳ ح ۴۱۵۲۱ وفيه ذيله فقط .
- ۵- الفردوس : ج ۵ ص ۱۶۲ ح ۷۸۲۴ و ص ۱۶۸ ح ۷۸۴۵ كلاهما عن حذيفه .

ص: ۱۷۳

**۴ / تقلید از بیگانگان در مصرف**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن، هزینه ای کند و پاداش آن را از خداوند بخواهد، خداوند، اجر او را ضمانت می کند، مگر آن که برای ساختمان [بیرون از حدّ نیاز] یا در راه گناه باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند بخواهد بنده ای را خوار سازد، مال او را در ساختمان سازی [بیش از حدّ نیاز]، مصروف می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه، خداوند را جای هایی است به نام «انتقام کشنده ها»؛ [و آن، چنین است که] هر گاه کسی، مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند، آب و گل [بنایی] را بر او چیره می کند و سپس وی از آن ساختمان، سودی نمی برد.

المراسیل به نقل از عطیه بن قیس: اتاق های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از شاخه خرما بنا شده بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای نبردی بیرون رفته بود، امّ سَلَمَه که فراخ دست بود، به جای شاخ خرما، اتاقش را از خشت ساخت. پیامبر [پس از بازگشت] فرمود: «این چیست؟». گفت: خواستم از نگاه های مردم، محفوظ باشم. فرمود: «ای امّ سلمه! هر آینه، بدترین مصرف مال انسان مسلمان، ساختمان سازی است».

۴ / ۸ تقلید از بیگانگان در مصرف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ظواهر افراد، با هم یکسان نمی شود، مگر آن گاه که خُلق و خوشان با یکدیگر برابر گردد. و هر کس به گروهی شباهت جوید، در شمار آنان محسوب می شود.

ص: ۱۷۴

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَرَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ ، وَيَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ . (۱)

الإمام الباقر عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ: لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي ، وَلَا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي ، وَلَا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي ؛ فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي . (۲)

- ۱- المحاسن: ج ۲ ص ۱۷۸ ح ۱۵۰۴ و ص ۲۲۲ ح ۱۶۶۹ كلاهما عن طلحة بن زيد ، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۲۳ ح ۶ .
- ۲- تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۱۷۲ ح ۳۳۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۷۷۰ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرايع: ص ۳۴۸ ح ۶ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، كلاهما نحوه .



ص: ۱۷۵

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: «این امت، همواره در خیر به سر می برند، مادام که همچون بیگانگان [که دارای سنت های نادرست اند]، لباس نپوشند و غذا نخورند؛ زیرا اگر چنین کنند، خداوند، به خواری دچارشان می کند.

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: خداوند به یکی از پیامبران، وحی فرمود که به قومش بگوید: همچون دشمنان خدا لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به شکل ایشان در نیایند؛ زیرا در این حال، همچون آنان، دشمن خدا خواهند بود

ص: ۱۷۶

الفصل الخامس: منهج تصحيح نمط الإنفاق من الأموال العامه ۵ / ادعم التخطيط الإستراتيجي رسول الله صلى الله عليه وآله: من أحسن تدير معيشته رزقه الله تبارك وتعالى . (۱)

الإمام على عليه السلام: لا فقر مع حسن تدير . (۲)

عنه عليه السلام: حسن التدير وتجنب التبذير من حسن السیاسه . (۳)

عنه عليه السلام: قوام العیش حسن التقدير ، وملاكه حسن التدير . (۴)

الإمام الباقر عليه السلام: الكمال كل الكمال: التفقه في الدين ، والصبر على النائبه ، وتقدير المعيشه . (۵)

- ۱- أسد الغابه: ج ۵ ص ۳۳۶ ح ۵۲۹۴، كنز العمال: ج ۷ ص ۱۸۸ ح ۱۸۶۱۴ نقلاً عن ابن النجار وكلاهما عن أبي السليل عن أبيه .
- ۲- غرر الحكم: ح ۱۰۹۲۰، عيون الحكم والواعظ: ص ۵۴۴ ح ۱۰۱۰۶ .
- ۳- غرر الحكم: ح ۴۸۲۱، عيون الحكم والواعظ: ص ۲۲۹ ح ۴۴۱۰ .
- ۴- غرر الحكم: ح ۶۸۰۷، عيون الحكم والواعظ: ص ۳۷۰ ح ۶۲۲۹ .
- ۵- الكافي: ج ۱ ص ۳۲ ح ۴ و ج ۵ ص ۸۷ ح ۲ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تحف العقول: ص ۲۹۲، منيه المريد: ص ۳۷۶، دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۵۵ ح ۹۶۹ عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۷۲ ح ۳ .

ص: ۱۷۷

## فصل پنجم: راه کارهای اصلاح الگوی مصرف در اموال عمومی

### ۵ / تقویت برنامه های راهبردی

فصل پنجم: راه کارهای اصلاح الگوی مصرف در اموال عمومی ۵ / ۱ تقویت برنامه های راهبردی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای گذرانِ زندگانی خویش، به درستی برنامه ریزی کند، خدای تبارک و تعالی روزی اش می بخشد.

امام علی علیه السلام: با برنامه ریزی صحیح، فقر پدید نمی آید.

امام علی علیه السلام: نشانه سیاستِ درست، برنامه ریزی صحیح و پرهیز از ریخت و پاش است.

امام علی علیه السلام: مایه پایداری زندگی، خوب سنجیدن است و پایه آن، برنامه ریزی است.

امام باقر علیه السلام: سراسرِ کمال در این هاست: ژرف کاوی در دین، صبر بر بلای سخت، اندازه نگهداری در گذران زندگی.

ص: ۱۷۸

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى جَعْفَرًا صِلَمَوْتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شَبِيهَا بِالْمُسْتَنْصِحِ لَهُ ، فَقَالَ لَهُ : يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ ، كَيْفَ صَبَرْتَ اتَّخَذْتَ الْأَمْوَالَ قِطْعًا مُتَّفَرِّقَةً ؛ وَلَوْ كَانَتْ فِي مَوْضِعٍ (وَاحِدٍ) كَانَتْ أَيْسَرَ لِمُؤَوَّنَتِهَا وَأَعْظَمَ لِمَنْفَعَتِهَا؟! فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اتَّخَذْتُهَا مُتَّفَرِّقَةً ؛ فَإِنْ أَصَابَ هَذَا الْمَالَ شَيْءٌ سَلِمَ هَذَا الْمَالُ ، وَالصُّرَّةُ تُجْمَعُ بِهَذَا كُلِّهِ . (۱)

رسول الله صلى الله عليه و آله : ما أخافُ على أُمَّتِي الْفَقْرَ ، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ . (۲)

الإمام علي عليه السلام : يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ : سُوءِ التَّدْبِيرِ وَقُبْحِ التَّبْدِيرِ ، وَقِلَّةِ الْإِعْتِبَارِ ، وَكَثْرَةِ الْإِعْتِدَارِ . (۳)

عنه عليه السلام : لَا غِنَى مَعَ سُوءِ تَدْبِيرٍ . (۴)

۵ / ۲ مرعاه أقصى حِدِّ مِنَ الْإِقْتِصَادِ وَالتَّقَشُّفِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى عُمَّالِهِ : أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ ، وَقَارِبُوا بَيْنَ سِيْطُورِكُمْ ، وَاحْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ ، وَاقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي ، وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ! فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ . (۵)

إِحْقَاقُ الْحَقِّ : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ دَخَلَ لَيْلَهُ فِي بَيْتِ الْمَالِ يَكْتُبُ قِسْمَةَ الْأَمْوَالِ ، فَوَرَدَ عَلَيْهِ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ ، فَأَطْفَأَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّرَاجَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ، وَأَمَرَ بِإِحْضَارِ سِرَاجٍ آخَرَ مِنْ بَيْتِهِ ، فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ ، فَقَالَ : كَانَ زَيْتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ؛ لَا يَنْبَغِي أَنْ نُصَاحِبَكُمْ فِي ضَوْئِهِ . (۶)

۱- الكافي : ج ۵ ص ۹۱ ح ۱ عن معمر بن خلاد ، بحار الأنوار : ج ۴۷ ص ۵۸ ح ۱۰۹ .

۲- عوالي اللآلي : ج ۴ ص ۳۹ ح ۱۳۴ .

۳- غرر الحكم : ح ۱۰۹۵۸ ، عيون الحكم والوعاظ : ص ۵۵۲ ح ۱۰۱۷۶ .

۴- غرر الحكم : ح ۱۰۹۱۹ ، عيون الحكم والوعاظ : ص ۵۴۴ ح ۱۰۱۰۵ .

۵- الخصال : ص ۳۱۰ ح ۸۵ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ۴۱ ص ۱۰۵ ح ۶ .

۶- إحقاق الحق : ج ۸ ص ۵۳۹ .

ص: ۱۷۹

**۵ / نهایت صرفه جویی و سختگیری**

امام رضا علیه السلام: مردی نزد امام صادق که دروذهای خداوند بر او باد آمد و چنان که می خواهد پندش دهد، به وی گفت: ای ابو عبد الله! چرا دارایی هایت را بخش بخش کرده ای، حال آن که اگر یک جا بود، هم کم هزینه تر بود و هم پر سودتر؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آن را پراکنده ساختم؛ زیرا اگر به آن یک مال، آسیبی رسد، این یک مال، از آن آسیب، دور می ماند و بدین سان، مجموعه مال حفظ می شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر امت خویش، نه از فقر، که از برنامه ریزی نادرست بیم دارم.

امام علی علیه السلام: نشانه های بخت برگستگی، چهار چیزند: بدی برنامه ریزی؛ زشتی ریخت و پاش؛ اندکی عبرتگیری؛ و فراوانی عذرخواهی.

امام علی علیه السلام: با برنامه ریزی نادرست، توانگری حاصل نمی شود.

۵ / نهایت صرفه جویی و سختگیری امام علی علیه السلام در نامه ایشان به کارگزارانش: قلم های خویش را تیز کنید و میان سطرهاتان، کم فاصله نهید و سخن های زیاد برایم ننویسید و آنچه را مقصود است بیاورید و از زیاده نویسی پرهیزید؛ زیرا دارایی مسلمانان، تحمل ض سانی را ندارد.

إحقاق الحق: شبی امیر مؤمنان علیه السلام علی علیه السلام به بیت المال وارد شد تا تقسیم نامه اموال را بنویسد. طلحه و زبیر، نزد وی رفتند. او چراغ پیش رویش را خاموش کرد و دستور داد که چراغی دیگر از خانه اش بیاورند. آن دو، در باره این کار از او پرسیدند. فرمود: «روغن آن چراغ، از بیت المال بود و سزاوار نبود که در پرتو آن، با شما به صحبت بنشینم».

ص: ۱۸۰

۵ / ۳ منع استغلال الأولاد والأقرباء الاستيعاب: كَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ... لَا يَبْرُكُ فِي بَيْتِ الْمَالِ مِنْهُ إِلَّا مَا يَعْجُزُ عَنْ قِسْمَتِهِ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ، وَيَقُولُ: يَا دُنْيَا غُرِّيْ غَيْرِيْ! وَلَمْ يَكُنْ يَسْتَأْذِنُ مِنَ الْفَيْءِ بِشَيْءٍ، وَلَا يَخْصُصُ بِهِ حَمِيمًا وَلَا قَرِيبًا. (۱)

الاختصاص في ذكر مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام: دَخَلَ النَّاسُ عَلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَشْهَدَ بِيَوْمٍ، فَشَهِدُوا جَمِيعًا أَنَّهُ قَدْ وَفَّرَ فَيْئَهُمْ، وَظَلَفَ عَنْ دُنْيَاهُمْ، وَلَمْ يَرْتَشِ فِي إِجْرَاءِ أَحْكَامِهِمْ، وَلَمْ يَتَنَاوَلَ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُسَاوِي عِقَالًا، وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْ مَالِ نَفْسِهِ إِلَّا قَدْرَ الْبُلْغَةِ؛ وَشَهِدُوا جَمِيعًا أَنَّ أْبَعَدَ النَّاسِ مِنْهُمْ بِمَنْزِلِهِ أَقْرَبَهُمْ مِنْهُ! (۲)

۵ / ۴ الامتناع عن بدل الأموال العامه الإمام علي عليه السلام: جودُ الْوُلَاةِ بِفَيْءِ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَخْتَرٌ. (۳)

۱- الاستيعاب: ج ۳ ص ۲۱۰ ح ۱۸۷۵، الجوهره: ص ۸۹.

۲- الاختصاص: ص ۱۶۰، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۱۱۶.

۳- غرر الحكم: ح ۴۷۲۵.

**۵ / ۳ پرهیز از سوء استفاده فرزندان و نزدیکان****۵ / ۴ پرهیز از بخشش اموال عمومی**

۳ / ۵ پرهیز از سوء استفاده فرزندان و نزدیکان الاستیعاب: علی رضی الله عنه هیچ بخشی از بیت المال را باقی نمی نهاد، مگر این که در آن روز برای تقسیم آن بخش، جایگاهی نیافته باشد؛ و می فرمود: «ای دنیا! جز مرا بفریب». و در هیچ چیز از اموال عمومی، امتیازخواهی نمی کرد و دوست و خویشاوندی را برتری نمی داد.

الاختصاص در بیان ویژگی های امام امیرمؤمنان علیه السلام - : یک روز پیش از شهادت وی، مردم نزد او آمدند و همگی شهادت دادند که وی اموال عمومی را به وفور، میانشان تقسیم کرده، با دنیای ایشان خویشندارانه برخورد نموده، در اجرای احکام آنان به رشوه تن نداده، حتی به اندازه رشته ای پشمین، به بیت المال مسلمانان چنگ نینداخته، و جز به قدر نیاز، از مال خود نخورده است. و [نیز] همه گواهی دادند که دورترین و نزدیک ترین کسان به وی، در یک منزلت قرار داشته اند.

۴ / ۵ پرهیز از بخشش اموال عمومی امام علی علیه السلام: بخشش حکمرانان از اموال مسلمانان، بیدادگری و خیانت است.

ص: ۱۸۲

عنه عليه السلام من كلام له كلم به عبد الله بن زمعه ، وهو من شيعته ، وذلك انه قدم عليه في خلافته يطلب منه مالا : إن هذا المال ليس لي ولا لك ، وإنما هو فيء للمسلمين وجلب أسيا فيهم ؛ فإن شركتهم في حربهم كان لك مثل حطهم ، وإلا فجنأه أيديهم لا تكون لغير أفواهم . (۱)

دعائم الإسلام : إنه [أي علياً عليه السلام] جلس يقسم مالا بين المسلمين ، فوقف به شيخ كبير فقال : يا أمير المؤمنين ، إني شيخ كبير كما ترى ، وأنا مكاتب ، فأعنتني من هذا المال . فقال : والله ، ما هو بك يدى ولا تراثى من الوالد ، ولكنها أمانة أوعيتها فأنا أوديتها إلى أهلها ، ولكن اجلس . فجلس والناس حول أمير المؤمنين ، فنظر إليهم فقال : رحم الله من أعان شيخا كبيرا مثقالا ! فجعل الناس يعطونه . (۲)

۱- نهج البلاغه : الخطبه ۲۳۲ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ۲ ص ۱۱۰ ، غرر الحكم : ح ۳۷۰۲ نحوه ، بحار الأنوار : ج ۴۱ ص ۱۱۵ .

۲- دعائم الإسلام : ج ۲ ص ۳۱۰ ح ۱۱۷۱ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ۲ ص ۱۱۰ نحوه وفيه «فوقف به عاصم ابن ميثم» بدل «فوقف به شيخ كبير» ، بحار الأنوار : ج ۴۱ ص ۱۱۵ .



ص: ۱۸۳

امام علی علیه السلام در گفتاری با عبد الله بن زَمعه ، یکی از شیعیان وی ، به مناسبت آن که در دوران خلافتش، از او مالی طلب کرده بود - این مال، نه از آن من است و نه تو ؛ بلکه دارایی مسلمانان است که به نیروی شمشیرهایشان به دست آمده است . پس اگر تو در نبردشان با آنان همراه بوده ای ، همانند ایشان بهره می ببری ؛ و گرنه ، دستاورد ایشان جز برای خود آنان نیست .

دعائم الإسلام: وی (علی علیه السلام) به تقسیم مال میان مسلمانان برنشست . مردی بس سالخورده، نزد وی ایستاد و گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام ! همان گونه که می بینی ، من پیری سالخورده ام و بنده ای هستم که به تقسیط آزاد شده ؛ پس، از این مال، مرا یاری ده . فرمود: «به خدا سوگند! این نه دست رنج من است و نه میراثم از پدر ؛ بلکه امانتی است که به من سپرده شده و آن را به اهلش می رسانم . با این حال ، بنشین!» . پس وی نشست . مردم گرداگرد امیر مؤمنان علیه السلام بودند . وی (پیرمرد) به ایشان نگریست و گفت: خدای رحمت کند کسی را که به پیری سال خورده و گران بار کمک کند! آن گاه ، مردم به وی بخشش کردند .

الفصل السادس: سيره قاده الدين ۶ / ۱ تقدیرِ انفسِهِم بِضَعْفِهِ النَّاسِ الْكَافِي عن صالح بن أبي حماد وأحمد بن محمد عن الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّضَ عَلَى أُمَّهِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ . (۱)

الإمام علي عليه السلام في صفه الأنبياء: ولكنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أَوْلَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ ، وَضَعَفَهُ فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ مِنْ حَالَاتِهِمْ ، مَعَ قَنَاعِهِ تَمَلُّ الْقُلُوبِ وَالْعْيُونَ غِنَى ، وَخَصَاصِهِ تَمَلُّ الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ أذَى . (۲)

الإمام علي عليه السلام في خطبه له: وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءِ ، وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا ، وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَمَسَاوِيهَا ، إِذْ قُبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا ، وَوُطِّتْ لِعَيْبِهِ أَكْنَافُهَا (۳) ، وَفُطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا ، وَزُوِيَ عَنْ زَخَارِفِهَا . وَإِنْ شِئْتَ تَنَبَّأَ بِمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ يَقُولُ : «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (۴) ، وَاللَّهُ مَا سَأَلَهُ إِلَّا خُبْرًا يَأْكُلُهُ ؛ لِأَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ . وَلَقَدْ كَانَتْ خُضْرَةُ الْبَقْلِ تُرَى مِنْ شَفِيفِ صَفَاقِ بَطْنِهِ ؛ لِهَزَالِهِ وَتَشَدُّبِ لَحْمِهِ . وَإِنْ شِئْتَ تَلَثُّ بِدَاوُدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَاحِبِ الْمَزَامِيرِ وَقَارِيءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ ، وَيَقُولُ لِجُلَسَائِهِ : أَيُّكُمْ يَكْفِينِي بَيْعَهَا؟ وَيَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ تَمْنِهَا . وَإِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ وَيَلْبَسُ الْحَشْنَ وَيَأْكُلُ الْجَشِبَ . وَكَانَ إِدَامُهُ الْجُوعَ ، وَسِرَّاجُهُ بِاللَّيْلِ الْقَمَرَ ، وَظِلَالُهُ فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ، وَفَاكِهِتُهُ وَرِيحَانُهُ مَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ . وَلَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَفْتِنُهُ ، وَلَا وَلَدٌ يَحْزُنُهُ ، وَلَا مَالٌ يَلْفِتُهُ ، وَلَا طَمَعٌ يَذُلُّهُ . دَابَّتْهُ رِجَالُهُ ، وَخَادِمُهُ يَدَاهُ . (۵)

۱- الكافي: ج ۱ ص ۴۱۰ ح ۳، نهج البلاغه: الخطبه ۲۰۹ نحوه، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۳۳۶ ح ۱۹.

۲- نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۴۶۹ وراجع الحكمة: ۱۵۰.

۳- الكَنْفُ: الجانب (الصحاح: ج ۴ ص ۱۴۲۴ «كنف»).

۴- القصص: ۲۴.

۵- نهج البلاغه: الخطبه ۱۶۰، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۳۶، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۵۰ ح ۲۰.

ص: ۱۸۵

## فصل ششم: سیره رهبران دینی

## ۶ / اهمسانی با ناتوان ترین مردم

فصل ششم: سیره رهبران دینی ۶ / اهمسانی با ناتوان ترین مردمالکافی به نقل از صالح بن ابی حمّاد و احمد بن محمّد، از امام علی علیه السلام: خداوند، بر پیشوایان عادل، واجب کرده است که خود را با مردم تهی دست، همسان سازند تا مبادا ناداری تهی دست، او را به برافروخته سازد.

امام علی علیه السلام در وصف پیامبران: اما خداوند سبحان، فرستادگان خود را دارای اراده هایی نیرومند قرار داد و از نظر ظاهر، ضعیف و تهی دست؛ امّا همراه با قناعتی که دل ها و چشم ها را پر از بی نیازی می کرد، هر چند فقر و ناداری آنها، چشم ها و گوش ها را از ناراحتی، لبریز می ساخت.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش - [زندگی] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، خود ، برای تو الگویی بسنده است، و دلیلی برای تو بر نکوهیدگی و عیناکی دنیا، و انبوهی ننگ ها و بدی های آن؛ چرا که دنیا از ایشان گرفته شد و برای دیگران فراهم گشت، و از شیر [مادر] دنیا باز گرفته شد و از زرق و برق آن ، دور نگه داشته شد. اگر بخواهی، به عنوان دومین الگو ، از موسی کلیم الله که درود و سلام خدا بر او باد یاد می کنم که گفت: «پروردگارا! من به خیری که برایم فرو می فرستی ، نیازمندم» . به خدا سوگند ، او از خداوند ، جز نانی برای خوردن، چیزی نخواست؛ چرا که [پیوسته] از رستنی های زمین می خورد ، به طوری که از شدت لاغری و آب شدن گوشت بدنش، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش نمایان بود. اگر بخواهی ، به عنوان سومین الگو ، از داوود که درود و سلام خدا بر او باد آن صاحب مزامیر و قاری اهل بهشت ، یاد می کنم که با دست خود ، از لیف خرما زنبیل می بافت و به یارانش می گفت: «کدام یک از شما این را برایم می فروشد؟» و از پول آنها نان جو می خرید و می خورد. اگر بخواهی ، از عیسی علیه السلام پسر مریم مریم برایت می گویم که سنگ را بالمش خود می کرد و جامه درشت می پوشید، و خوراک خشک می خورد، و خورش وی گرسنگی بود، و چراغش در شب ، ماه، و پناهگاهش در زمستان ، شرق و غرب عالم، و میوه و سبزیجاتش ، علف هایی که زمین برای چارپایان می رویاند . نه همسری داشت که مایه گرفتاری او شود، نه فرزندی که غمش را بخورد، نه ثروتی که او را مشغول خود سازد ، و نه طمعی که موجب خواری او گردد . مَرکبش، دو پای او بود و خدمتکارش ، دو دست او.

ص: ۱۸۶

الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جِسْمِهِ ، وَوَسَادَهُ لَيْفٌ قَدْ أَثَّرَتْ فِي خَدِّهِ ، فَجَعَلَ يَمْسَحُ وَيَقُولُ : مَا رَضِيَ بِهَذَا كَسْرِي وَلَا قَيْصِرٌ ، إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَرِيرِ وَالذَّبْيَاجِ وَأَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ؟! قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا ، وَاللَّهِ لَأَنَا أَكْرَمُ مِنْهُمَا ، وَاللَّهِ مَا أَنَا وَالدُّنْيَا ، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فِيءٌ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَهَا ، فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظُّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ فَذَهَبَ وَتَرَكَهَا . (۱)

۱- الزهد للحسين بن سعيد: ص ۵۰ ح ۱۳۴ عن عبدالله بن سنان ، حليه الأبرار: ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۴ ، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۲۶ ح ۱۲۴ وراجع مشكاه الأنوار: ص ۴۶۳ ح ۱۵۴۵ .

ص: ۱۸۷

امام صادق علیه السلام: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. دید که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بوریایی خفته است و بالشی از لیف خرما، زیر سر دارد که بر بدن و صورت ایشان جا انداخته است. شروع به دست کشیدن بر بوریا کرد و در این حال می گفت: کسرا و قیصر، به چنین چیزی رضایت نمی دهند. آنها بر حریر و دیبا می خوابند و شما بر این بوریا؟! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من از آنها بهترم. به خدا سوگند که من از آنها ارجمندترم! به خدا سوگند، مرا چه به دنیا؟! حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مرد سواری است که از درختی می گذرد و سایه ای دارد که در سایه آن می آرمد، و چون سایه بر می گردد، بار بر می بندد و درخت را ترک می کند و می رود».

ص: ۱۸۸

صحیح مسلم عن عائشه: إِنَّمَا كَانَ فِرَاشُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي يَنَامُ عَلَيْهِ أَدَمًا (۱) حَشْوُهُ لَيْفٌ . (۲)

صحیح البخاری عن أبي بَرْدَةَ: أَخْرَجَتْ إِلَيْنَا عَائِشَةَ كِسَاءً وَإِزَارًا غَلِيظًا ، فَقَالَتْ: قُبِضَ رُوحُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي هَذَيْنِ . (۳)

الزهد لابن حنبل عن يزيد بن عبد الله بن قسيط: أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَوِيْقٍ مِنْ سَوِيْقِ اللَّوْزِ ، فَلَمَّا خِيضَ قَالَ: مَا هَذَا؟  
قالوا: سَوِيْقُ اللَّوْزِ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْرُوهُ عَنِّي ؛ هَذَا شَرَابُ الْمُتَرَفِّينَ . (۴)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى بِخَيْصِ (۵) فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهُ ، فَقَالُوا لَهُ: أَلَمْ تُحَرِّمُهُ؟ قَالَ: لَا ، وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تَتَوَقَّ إِلَيْهِ نَفْسِي فَأَطْلُبُهُ . ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا» (۶) . (۷)

۱- الأديم: الجلد المدبوغ، وجمعها أدم (المصباح المنير: ص ۹ «أدم»).

۲- صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۶۵۰ ح ۳۸، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۹۰ ح ۴۱۵۱، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۱۷ ح ۲۴۳۴۷ وفيهما «ضجاع» بدل «فراش»؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ۱ ص ۱۷۱، دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۱۵۹ عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه «الذي ينام عليه».

۳- صحیح البخاری: ج ۵ ص ۲۱۹۰ ح ۵۴۸۰، صحیح مسلم: ج ۳ ص ۱۶۴۹ ح ۳۴، سنن أبي داوود: ج ۴ ص ۴۵ ح ۴۰۳۶ كلاهما نحوه.

۴- الزهد لابن حنبل: ص ۱۱، الطبقات الكبرى: ج ۱ ص ۳۹۵، سبل الهدى والرشاد: ج ۷ ص ۲۴۷، وراجع المحاسن: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۱۹۵۲ و بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۸۰ ح ۲۴.

۵- الخبيص: المعمول من التمر والسمن؛ خلواء معروف يُخْبِصُ جَأَى يُخْلَطُ جُ بَعْضُهُ فِي بَعْضِ (تاج العروس: ج ۹ ص ۲۶۵ «خبص»).

۶- الأحقاف: ۲۰.

۷- الأمالى للمفيد: ص ۱۳۴ ح ۲ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج ۲ ص ۱۷۷ ح ۱۵۰۱ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الغارات: ج ۱ ص ۹۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۲۳ ح ۳ وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۹۹.

ص: ۱۸۹

صحیح مسلم به نقل از عایشه: بستر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که بر آن می خوابید، چرمی پر شده از لیف خرما بود.

صحیح البخاری به نقل از ابو بُرده: عایشه، پیراهن و شلوار زبری نزد ما آورد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در این دو، قبض روح شد.

الزهدي، ابن حنبل به نقل از یزید بن عبد الله بن قسيط: معجون بادامی، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورده شد. وقتی بر هم زده شد، فرمود: «این چیست؟» گفتند: معجون بادامی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن را از من دور کنید؛ [زیرا] این، نوشیدنی نازپروردگان است.»

امام باقر علیه السلام: مقداری آفروشه، (۱) برای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آوردند؛ امّا ایشان از خوردن آن، خودداری کردند. گفتند: حرامش می دانی؟ فرمود: «نه؛ امّا می ترسم که بدان علاقه مند شوم و خواهان آن گردم». سپس این آیه را خواند: «نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید».

۱- آفروشه: حلوایی تهیه شده از خرما و روغن.

ص: ۱۹۰

إرشاد القلوب عن سويد بن غفله: دَخَلْتُ عَلَى أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام دَارَهُ فَلَمْ أَرِ فِي الْبَيْتِ شَيْئًا، فَقُلْتُ: أَيْنَ الْأَثَاثُ يَا أميرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: يَا بَنَ غَفَلَةَ، نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَتَأَثُّ فِي الدُّنْيَا، نَقَلْنَا أَجَلَ مَتَاعِنَا إِلَى الْآخِرَةِ، إِنَّ مَثَلَنَا فِي الدُّنْيَا كَرَاكِبٍ ظَلَّ تَحْتَ شَجَرِهِ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا. (۱)

الإمام الباقر عليه السلام: أَكَلَ عَلِيٌّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَوْمًا تَمْرًا دَقَلٍ (۲) ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ مَاءً، ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ بَطْنَهُ، وَقَالَ: مَنْ أَدَخَلَهُ بَطْنُهُ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، ثُمَّ تَمَثَّلَ: وَإِنَّكَ مَهْمَا تُعْطِ بَطْنَكَ سُؤْلَهَا وَفَرَجَكَ نَالَا مُنْتَهَى الدَّمِّ أَجْمَعًا (۳)

الإمام علي عليه السلام: وَإِيمُ اللَّهِ يَمِينَا أَسْتَشْنِي فِيهَا بِمَشِيئَةِ اللَّهِ لَأَرْوِضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مَطْعُومًا، وَتَقَعَّ بِالْمِلْحِ مَادُومًا. (۴)

تاریخ دمشق عن مُدْرِكَ أَبِي زِيَادٍ: كُنَّا فِي حَيْطَانِ (۵) ابْنِ عَبَّاسٍ، فَجَاءَ ابْنِي (۶) عَبَّاسٍ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَطَافُوا فِي الْبُسْتَانِ فَظَرُّوا، ثُمَّ جَاؤُوا إِلَى سَاقِيهِ فَجَلَسُوا عَلَى شَاطِئِهَا، فَقَالَ لِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُدْرِكَ أَعِنْدَكَ عَدَاءٌ؟ قُلْتُ: قَدْ حَبَزْنَا، قَالَ: إِيْتِ بِهِ. قَالَ: فَجِئْتُهُ بِخَبِزٍ وَشَيْءٍ مِنْ مِلْحٍ جَرِيشٍ وَطَاقَتِي بَقْلٍ، فَأَكَلْتُ ثُمَّ قَالَ: يَا مُدْرِكَ أَبِي زِيَادٍ، مَا أَطْيَبَ هَذَا! ثُمَّ أَتَى بَعْدَائِهِ وَكَانَ كَثِيرَ الطَّعَامِ طَيِّبُهُ فَقَالَ: يَا مُدْرِكَ أَبِي زِيَادٍ، اجْمَعْ لِي غِلْمَانَ الْبُسْتَانِ، قَالَ: فَقَدَّمْتُ إِلَيْهِمْ فَأَكَلُوا وَلَمْ يَأْكُلْ، فَقُلْتُ: أَلَا تَأْكُلُ؟ فَقَالَ: ذَاكَ أَشْهَى عِنْدِي مِنْ هَذَا. (۷)

۱- إرشاد القلوب: ص ۲۰.

۲- دقل بفتح الدال والقاف: أردأ التمر. (القاموس المحيط: ج ۳ ص ۳۷۶).

۳- تاريخ بغداد: ج ۱۲ ص ۳۸۴، تاريخ دمشق: ج ۴۸ ص ۲۳۰ كلاهما عن أبي حمزة، كنز العمال: ج ۳ ص ۷۸۲ ح ۸۷۴؛ الدعوات: ص ۱۳۸ ح ۳۴۰، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۳۴۰ ح ۲۶.

۴- نهج البلاغه: الكتاب ۴۵، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۴۷۵.

۵- الحائط: البستان من النخيل (النهاية: ج ۱ ص ۴۶۲ «حوط»).

۶- كذا، وفي المختصر والمطبوعه: ابن عباس (هامش المصدر).

۷- تاريخ دمشق: ج ۱۳ ص ۲۳۸.



ص: ۱۹۱

إرشاد القلوب به نقل از سُؤید بن عَفَله: وارد خانه امیر مؤمنان علیه السلام شدم و در اتاق، چیزی ندیدم. گفتم: اثاثیه کجاست، ای امیر مؤمنان علیه السلام؟ فرمود: «ای پسر عَفَله! ما خاندانی هستیم که در دنیا، اثاثی تهیه نمی‌کنیم و بهترین کالای خود را به آخرت منتقل کرده‌ایم. حکایت ما در دنیا، همچون مسافری است که زیر سایه درختی می‌آساید و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود».

امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام مقداری خرماى دَقَل، (۱) تناول کرد و سپس روی آن، آب نوشید و بعد، دستی بر شکم خود زد و فرمود: «هر که آتش وارد آن کند، خداوند، او را دور گرداند». آن گاه به این بیت، تمثیل جُست: شکم و شرمگاه، چنین اند که هر گاه خواستشان را برآوری منتهای نکوهش و رسوایی را به بار می‌آورند.

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند سوگندی که در آن، مشیت خدا را مستثنا می‌کنم، نفس خود را چنان ریاضت و پرورش می‌دهم که چون به گرده نانی، دست یابد، شاد گردد و به نانخورش نمک بسازد.

تاریخ دمشق به نقل از مُدرک ابو زیاد: در باغ ابن عباس بودیم که دو فرزند عباس، و حسن و حسین علیهما السلام آمدند و دور باغ، گشتی زدند و نگاهی کردند. سپس کنار جویی رفتند و نشستند. حسن علیه السلام به من فرمود: «ای مُدرک! غذایی داری؟». گفتم: نان پخته‌ایم. فرمود: «بیاور». من نانی و کمی نمک نیم کوفته و دو مشت سبزی برایش آوردم. ایشان خورد و آن گاه فرمود: «ای مُدرک! چه قدر خوش مزه بود». سپس غذای خود او را که زیاد و لذیذ بود آوردند. فرمود: «ای مُدرک! غلامان باغ را صدا بزن» و غذا را به آنها داد و غلامان خوردند و خود ایشان، چیزی نخورد. گفتم: خودتان نمی‌خورید؟ فرمود: «آن غذا [ی تو] را از این، بیشتر دوست دارم».

۱- دَقَل: پست ترین نوع خرما.

ص: ۱۹۲

۶ / ۲ مُرَاعَاهُ مُتَطَلِّبَاتِ الْعَصْرِ الْكَافِي عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَوْلَحَكَ اللَّهُ! ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ الْخَيْشَنَ؛ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، وَنَرَى عَلَيْكَ اللَّبَاسَ الْجَدِيدَ! فَقَالَ لَهُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ (عَلَيْهِ)، وَلَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شُهِرَ بِهِ؛ فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ، غَيْرَ أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَسَارَ بِسِيرِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

۱- الكافي: ج ۱ ص ۴۱۱ ح ۴ وج ۶ ص ۴۴۴ ح ۱۵ وفيه «الجيد» بدل «الجدید»، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۳۳۶ ح ۱۸.

ص: ۱۹۳

**۶ / رعایت مقتضیات زمان**

۶ / رعایت مقتضیات زمانالکافی به نقل از حمّاد بن عثمان: نزد امام صادق علیه السلام حضور داشتم که مردی به وی گفت: خدایت سامان دهد! یاد کرده بودی که علی بن ابی طالب علیه السلام جامه درشت می پوشید و پیراهنی چهار درهمی داشت و از این قبیل؛ اما اینک جامه نو بر تن تو می بینیم! امام علیه السلام به وی فرمود: «هر آینه، علی بن ابی طالب علیه السلام، آن جامه را در روزگاری می پوشید که پوشیدنش ناپسند جلوه نمی کرد و اگر در آن روزگار، جامه ای چنین می پوشید، انگشت نما می شد. پس بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است. البته قائم خاندان ما آن گاه که برپای می شود، جامه علی علیه السلام را خواهد پوشید و به گونه او زندگی خواهد کرد».

ص: ١٩٤

رجال الكشى عن أحمد بن عمر: سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ: أَنَّ سَيْفِيَانَ الثَّوْرِيَّ دَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ ثِيَابٌ جِيَادٌ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنَّ آبَاءَكَ لَمْ يَكُونُوا يَلْبَسُونَ مِثْلَ هَذِهِ الثِّيَابِ! فَقَالَ لَهُ: إِنَّ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانُوا فِي زَمَانٍ مُقْفَرٍ مُقْتَرٍ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أَرَحَتِ الدُّنْيَا عِزَّيْهَا، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهُمْ. (١)

مطالب السؤل عن سفيان الثوري: دَخَلْتُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ خَزٌّ دَكْنَاءٌ وَكِسَاءٌ خَزٌّ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ تَعْجُبًا، فَقَالَ لِي: يَا ثَوْرِي، مَا لَمَكَ تَنْظُرُ إِلَيْنَا؟ لَعَلَّكَ تَعْجَبُ مِمَّا تَرَى! فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَيْسَ هَذَا مِنْ لِبَاسِكَ وَلَا لِبَاسِ آبَائِكَ! قَالَ: يَا ثَوْرِي، كَانَ ذَلِكَ زَمَانٌ افْتِقَارٍ وَإِقْتَارٍ، وَكَانُوا يَعْمَلُونَ عَلَى قَدْرِ إِقْتَارِهِ وَافْتِقَارِهِ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أُسْبِلَ كُلُّ شَيْءٍ عِزَّيْهِ. ثُمَّ حَسَرَ رُودَ جُتَّتِهِ، فَإِذَا تَحْتَهَا جُبَّةٌ صُوفٍ بِيضَاءٍ يَقْضِرُ الدَّلِيلُ عَنِ الدَّلِيلِ وَالرُّودُ عَنِ الرُّودِ، وَقَالَ: يَا ثَوْرِي، لَيْسْنَا هَذَا لِلَّهِ وَهَذَا لَكُمْ، فَمَا كَانَ لِلَّهِ أَخْفَيْنَاهُ، وَمَا كَانَ لَكُمْ أَبْدَيْنَاهُ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ إِذَا رَجُلٌ يَجْدِبُ ثَوْبِي، فَالْتَفَتْتُ فَإِذَا عَبَادُ الْبَصْرِيِّ قَالَ: يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، تَلْبَسُ مِثْلَ هَذَا الثَّوْبِ وَأَنْتَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ مِنْ عَلِيٍّ؟! قَالَ: قُلْتُ: وَيْلَكَ! هَذَا ثَوْبٌ قُوْهِئِي اشْتَرَيْتَهُ بِدِينَارٍ وَكَسَّرِ، وَكَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زَمَانٍ يَسْتَقِيمُ لَهُ مَا لَبَسَ، وَلَوْ لَبَسْتُ مِثْلَ ذَلِكَ اللَّبَاسِ فِي زَمَانِنَا هَذَا لَقَالَ النَّاسُ: هَذَا مُرَاءٍ مِثْلَ عَبَادٍ! (٣)

١- رجال الكشى: ج ٢ ص ٦٩١ ح ٧٤٠، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٥٤ ح ٦٣.

٢- مطالب السؤل: ص ٨٢؛ بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٢٢١ ح ٧.

٣- وسائل الشيعة: ج ٥ ص ١٥ ح ٣، رجال الكشى: ج ٢ ص ٦٨٩ ح ٧٣٦.

ص: ۱۹۵

رجال الکشی به نقل از احمد بن عمر: یکی از یاران امام صادق علیه السلام را شنیدم که می گفت: سفیان ثوری، نزد امام صادق علیه السلام آمد که جامه ای فاخر بر تن داشت. گفت: ای ابو عبد الله! پدران ما همانند این جامه را بر تن نمی کردند! امام علیه السلام به وی فرمود: «همانا پدران من در روزگار فقر و تنگ دستی زندگی می کردند، حال آن که امروز، زمانه گشایش و فراخی است؛ پس شایسته ترین کسان برای بهره مندی از این گشایش، نیکان این زمانه اند».

مطالب السؤل به نقل از سفیان ثوری: نزد جعفر بن محمد علیه السلام رفتم و دیدم که روجامه ای از خز سیاه و نیز جامه ای از خز، بر تن دارد. با شگفتی به او نگرستم. به من فرمود: «ای ثوری! تو را چه شده که به ما [چنین] می نگری؟ شاید از آنچه می بینی، تعجب می کنی!». گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! این نه جامه توست و نه جامه پدران! فرمود: «ای ثوری! آن روزگار، زمانه فقر و تنگ دستی بود و آنان به فراخور آن تنگنا و فقر عمل، می کردند. و امروز، روزگاری است که همه چیز به وفور یافت می شود». سپس روجامه اش را کنار زد؛ زیر آن، جامه ای از پشم سفید بر تن داشت که نه پایین آن به ترکیب بود و نه آستینش به اندازه. پس فرمود: «ای ثوری! این را برای خدا می پوشیم و آن را برای شما. این را که برای خدا می پوشیم، می پوشانیم و آن را که برای شما می پوشیم، آشکار می کنیم».

امام صادق علیه السلام: مشغول طواف بودم که ناگاه دیدم مردی، لباس مرا می کشد. برگشتم و دیدم عبّاد بصری است. او گفت: ای جعفر بن محمد! تو در جایگاه علی نشسته ای و چنین لباسی می پوشی؟ گفتم: وای بر تو! این یک جامه قوهی (۱) است که به یک دینار و خُرده ای خریده ام. علی علیه السلام در زمانی به سر می بُرد که آنچه می پوشید، متناسب با آن [زمان] بود؛ ولی اگر من در این زمان، چنان لباسی بپوشم، مردم خواهند گفت: این هم مثل عبّاد، ریاکار است.

۱- قوهی: کوهی؛ بافته کوهستان؛ نوعی جامه سفید معمولی که از کرمان به عراق و حجاز می بردند.

ص: ١٩٦

الكافي عن العباس بن هلال الشامي مولى ابي الحسن عليه السلام عنه ، قال : قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، مَا أَعْجَبَ إِلَى النَّاسِ مَنْ يَأْكُلُ الْجِشْبَ ، وَيَلْبَسُ الْحَشِينَ ، وَيَتَخَشَّعُ؟! فَقَالَ : أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَبِيُّ ابْنِ نَبِيِّ كَانَ يَلْبَسُ أَقْبِيَةَ الدِّيْبَاجِ مَزْرُورَةً بِالذَّهَبِ ، وَيَجْلِسُ فِي مَجَالِسِ آلِ فِرْعَوْنَ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُحَرِّمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا مِنْ حَلَالٍ ، وَإِنَّمَا حَرَّمَ الْحَرَامَ ؛ قَلَّ أَوْ كَثُرَ ، وَقَدْ قَالَ عَزَّوَجَلَّ : «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (١) . (٢)

الكافي عن ابن القداح : كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَّكِنًا عَلَيَّ أَوْ قَالَ : عَلَى أَبِي فَلَقِيَهُ عَبَادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرِيُّ وَعَلَيْهِ ثِيَابٌ مَرْوِيَّةٌ (٣) حِسَانًا ، فَقَالَ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ، وَكَانَ أَبُوكَ وَكَانَ ، فَمَا هَذِهِ الثِّيَابُ الْمَرْوِيَّةُ عَلَيْكَ؟! فَلَوْ لَبَسْتَ دُونَ هَذِهِ الثِّيَابِ! فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَيَلِّكَ يَا عَبَادُ! «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (٤) ؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ ، لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ . وَيَلِّكَ يَا عَبَادُ ، إِنَّمَا أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَا تُؤْذِنِي . وَكَانَ عَبَادٌ يَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ قَطْرِيَيْنِ . (٥)

١- الأعراف : ٣٢ .

٢- الكافي : ج ٦ ص ٤٥٣ ح ٥ ، تفسير العياشي : ج ٢ ص ١٥ ح ٣٣ ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٥٤ ح ٥٤٨ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١٢ ص ٢٩٧ ح ٨٣ .

٣- ثوب مروى : نسبه إلى مدينه مرو ببلاد فارس (لسان العرب : ج ١٥ ص ٢٧٦) .

٤- الأعراف : ٣٢ .....

٥- الكافي : ج ٦ ص ٤٤٤ ح ١٣ ، وسائل الشيعة : ج ٣ ص ٣٤٧ ح ٥٧٧٠ .

ص: ۱۹۷

الکافی به نقل از عتّاس بن هلال شامی، غلام امام کاظم علیه السلام: به امام علیه السلام گفتم: فدایت گردم! کسی که غذای خشک می خورد و لباس خشن می پوشد و خودش را خداترس نشان می دهد، برای مردم، چه قدر خوشایند است! فرمود: «آیا ندانسته ای که یوسف پیامبر پیامبرزاده، لباس ابریشمی زرباف می پوشید و در جلسات فرعونیان می نشست؟». تا این که در ادامه فرمود: «خداوند، غذا و نوشیدنی حلال را حرام نکرده است؛ [بلکه] حرام را چه کم باشد و چه زیاد حرام کرده است. خداوند عز و جل فرموده است: «بگو: چه کسی زیورهایی را که خداوند برای بندگانش بیرون آورده و نیز روزی های پاک را حرام کرده است؟».

الکافی: علی بن قَدّاح گفت: امام صادق علیه السلام جامه مروی زیبایی پوشیده و به من تکیه داده بود یا گفت: به پدرم تکیه داده بود. عبّاد بن کثیر، امام علیه السلام را دید و به ایشان گفت: این چه لباس فاخری است که به تن کرده ای؟! اگر لباس دیگری می پوشیدی، بهتر بود. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «ای عبّاد! وای بر تو!» «چه کسی زیورهایی را که خداوند برای بندگانش فراهم آورده، و نیز روزی های پاک را حرام کرده است؟! خداوند عز و جل، وقتی نعمتی را بر بنده ای ارزانی می دارد، دوست دارد که آثار آن را در وی ببیند. این، اشکالی ندارد. ای عبّاد! وای بر تو! من پاره تن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم، پس مرا میازار». عبّاد، خودش دو لباس قَطری (۱) می پوشید.

۱- قَطری (یا قَطری): جامه بافته از کَنَف (چتایی)؛ نوعی جامه کم ارزش و نسبتاً خشن که رنگش به سرخی می زد.

ص: ١٩٨

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَوَالِيٍّ يُحِبُّونَ أَنْ أُجْلِسَ عَلَى اللَّبُودِ وَالْبَسَ الْخَشِينَ ، وَلَيْسَ يَتَحَمَّلُ الزَّمَانَ ذَلِكَ . (١)

قرب الإسناد عن البرزطي: قَالَ لِي جَ الْإِمَامُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَ : مَا تَقُولُ فِي اللَّبَاسِ الْخَشِينِ ؟ فَقُلْتُ : بَلَّغْنِي أَنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْخُذُ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ فَيَأْمُرُ بِهِ فَيُغَمَسُ فِي الْمَاءِ . فَقَالَ لِي : الْبَسْ وَتَجَمَّلْ ؛ فَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ الْجُبَّةَ الْخَزْرَاءَ بِخَمْسَةِ مِائَةِ دِرْهَمٍ ، وَالْمُطْرَفَ الْخَزْرَاءَ بِخَمْسِينَ دِينَارًا فَيَتَشَتَّى فِيهِ ، فَإِذَا خَرَجَ الشِّتَاءُ بَاعَهُ وَتَصَدَّقَ بِثَمَنِهِ ، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (٢) . (٣)

٦ / ٣ عَيْدُمُ التَّضْيِيقِ عَلَى الْأَهْلِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُوتُ عِيَالَهُ قُوتًا مَعْرُوفًا ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّ النَّفْسَ إِذَا عَرَفَتْ قُوتَهَا قَنَعَتْ بِهِ وَتَبَّتْ عَلَيْهِ اللَّحْمُ . (٤)

١- .مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٢٢٠ ح ٧٤٨ ، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ٣٠٩ ح ١٣ .

٢- .الاعراف: ٣٢ .

٣- .قرب الإسناد: ص ٣٥٧ ح ١٢٧٧ .

٤- .الكافي: ج ٤ ص ١٢ ح ٧ ، حليه الأبرار: ج ١ ص ٣٧٦ ح ٦ كلاهما عن علي بن أسباط عن أبيه .



ص: ۱۹۹

**۶ / ۳ سخت نگرتن بر خانواده**

امام رضا علیه السلام: دوستان سست عقیده ام، دوست می دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه درشت بپوشم؛ اما این روزگار، گنجایش چنین کاری را ندارد.

قرب الاسناد به نقل از بزَنطی: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «نظرت درباره لباس زبر چیست؟». گفتم: شنیده ام که [امام] حسن علیه السلام می پوشید، و جعفر بن محمد علیه السلام جامه نو می گرفت و دستور می داد که آن را در آب فرو برند. امام علیه السلام به من فرمود: «بپوش و آراسته باش؛ زیرا علی بن الحسین علیه السلام جبه خز پانصد درهمی می پوشید و در زمستان، ردای خزی نگارین می پوشید و چون زمستان تمام می شد، آن را می فروخت و پولش را صدقه می داد». سپس این آیه را تلاوت کرد: «بگو: چه کسی زیور خدا را که برای بندگانش پدید آورده و روزی پاکیزه و پاک را حرام کرده است؟».

۶ / ۳ سخت نگرتن بر خانواده امام صادق علیه السلام: وقتی از ایشان سؤال شد که: «آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانواده اش روزی شناخته شده و معروف می داد؟»، فرمود: «آری. نفس انسان، اگر از روزی اش، آگاه باشد، به آن رضایت می دهد، و گوشت، با روزی اش می روید».

ص: ٢٠٠

الكافي عن الحكم بن عتيبه: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي بَيْتِ مُنْجِدٍ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ رَطْبٌ وَمِلْحَفَةٌ مَصْبُوعَةٌ قَدْ أَثَّرَ الصَّبْغُ عَلَى عَاتِقِهِ ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَأَنْظُرُ إِلَى هَيْئَتِهِ ، فَقَالَ : يَا حَكْمُ مَا تَقُولُ فِي هَذَا؟ فَقُلْتُ : وَمَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ وَأَنَا أَرَاهُ عَلَيْكَ . وَأَمَّا عِنْدَنَا فَإِنَّمَا يَفْعَلُهُ الشَّابُّ الْمُرْهَقُ . فَقَالَ لِي : يَا حَكْمُ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟ وَهَذَا مِمَّا أَخْرَجَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ . فَأَمَّا هَذَا الْبَيْتُ الَّذِي تَرَى ، فَهُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَأَنَا قَرِيبُ الْعَهْدِ بِالْعُرْسِ وَبَيْتِي الْبَيْتُ الَّذِي تَعْرِفُ . (١)

راجع : ص ١٢٦ «الاسراف والتبذير» .

الكافي عن الحسن الزيات البصري: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا وَصَاحِبٌ لِي وَإِذَا هُوَ فِي بَيْتِ مُنْجِدٍ وَعَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ وَرِدْيَةٌ وَقَدْ حَفَّ لِحْيَتُهُ وَاسْتَحَلَّ ، فَسَأَلْنَاهُ عَنْ مَسَائِلَ ، فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ لِي : يَا حَسَنُ! قُلْتُ : لَيْتِيكَ . قَالَ : إِذَا كَانَ غَدًا فَانْتَبِي أَنْتَ وَصَاحِبُكَ . فَقُلْتُ : نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ . فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيْرٌ وَإِذَا عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ . ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ صَاحِبِي ، فَقَالَ : يَا أَخَا أَهْلِ الْبَصْرَةِ إِنَّكَ دَخَلْتَ عَلَيَّ أَمْسٍ وَأَنَا فِي بَيْتِ الْمَرْأَةِ وَكَانَ أَمْسٌ يَوْمَهَا وَالْبَيْتُ بَيْتُهَا وَالْمَتَاعُ مَتَاعُهَا ، فَتَزَيَّنْتُ لِي عَلَى أَنْ أَتَزَيَّنَ لَهَا ، كَمَا تَزَيَّنْتُ لِي ، فَلَا يَدْخُلُ قَلْبُكَ شَيْءٌ . فَقَالَ لَهُ صَاحِبِي : جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ دَخَلَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ . فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ وَاللَّهِ أَذْهَبَ اللَّهُ مَا كَانَ وَعَلِمْتُ أَنَّ الْحَقَّ فِيمَا قُلْتُ . (٢)

١- الكافي : ج ٦ ص ٤٤٦ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٢٩٢ ح ١٨ .

٢- الكافي : ج ٦ ص ٤٤٨ ح ١٣ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ١٨٧ ح ٥٤٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٦ ص ٢٩٣ ح ٢ .

ص: ۲۰۱

الکافی به نقل از حکم بن عتیبه: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و ایشان در خانه ای آراسته بود و لباسی لطیف بر تن داشت و عبایی رنگی بر دوش داشت که اثر آن رنگ، بر دوشش مانده بود. من به خانه و شمایل ایشان می نگریستم. فرمود: «ای حکم، در این باره چه می گویی؟». گفتم: چه می توانم بگویم، چون شما را به این وضع می بینم؛ ولی از نگاه ما، این، رفتار جوانان تازه بالغ است. سپس به من فرمود: «ای حکم! چه کسی زینتی را که خداوند برای بندگانش منظور کرده و یا روزی های حلال را حرام کرده است؟ این، از آن چیزهایی است که خداوند برای بندگانش قرار داده است. اما این خانه ای که می بینی، خانه همسر من است و تازه ازدواج کرده ام. خانه من، همان است که می شناسی».

ر. ک: ص ۱۲۷ «اسراف و تبذیر».

الکافی به نقل از حسن زیات بصری: با دوستم، نزد امام صادق علیه السلام رسیدم. ایشان در خانه ای آراسته نشسته بود و شالی رنگی، بر خود داشت. محاسنش را [نیز] مرتب کرده و [به چشمانش] سیرمه کشیده بود. در باره چند چیز از ایشان پرسیدم. وقتی برخاستیم به من فرمود: «حسن!». گفتم: بله. فرمود: «صبح که شد، با دوست بیا پیش من». گفتم: فدایت کردم! چشم. صبح که شد، خدمت ایشان رسیدم. دیدم ایشان در خانه ای است که جز حصیر، چیزی در آن نیست، و پیراهنی خشن بر تن دارد. آن گاه رو به دوستم کرد و فرمود: «برادر بصری! دیروز که به این جا آمدی، من در خانه زخم بودم و دیروز، روز او بود. خانه، خانه او بود و اثاث، متعلق به او بود. او خود را برایم آراسته بود. من هم لازم بود که خود را همانند او برایش بیاریم. چیز ناروایی به دلت راه پیدا نکند». دوستم به ایشان گفت: فدایت کردم! به خدا سوگند، در دلم، شبهه ای ایجاد شده بود؛ ولی اکنون، به خدا قسم، هر چه در دل داشتم، برطرف شد، و فهمیدم که حقیقت، آن است که شما می گفتی!

ص: ٢٠٢

٦ / ١٤ التَّجْمُلُ مَعَ بَسَاطَةِ الْعَيْشِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: الطَّيِّبُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ . (٢)

مكارم الأخلاق: كان صلى الله عليه وآله ينظر في المرآه ، ويرجل جَمَّتَه ، ويتمشط ، وربما نظر في الماء وسوى جَمَّتَه فيه ، ولقد كان يتجمل لأصحابه فضلاً على تجمله لأهله ، ... وقال : إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ . (٣)

الطبقات الكبرى عن جندب بن مكيث: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا قدم الوفد لبس أحسن ثيابه وأمر عليه أصحابه بذلك فلقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله يوم قدم وفد كنده وعليه حلّه يمانيه . (٤)

مكارم الأخلاق عن عائشه: ولقد لبس رسول الله صلى الله عليه وآله جبّه صوف وعمامه صوف ثم خرج فخطب الناس على المنبر ، فما رأيت شيئاً ممّا خلق الله تعالى أحسن منه فيها . (٥)

١- الكافي: ج ٦ ص ٥١٠ ح ٢ عن أبي أسامه ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٦٠ ح ٢٢ .

٢- الكافي: ج ٦ ص ٥١٠ ح ١ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر ، وسائل الشيعة: ج ١ ص ٤٤١ ح ١٧٦٦ .

٣- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٨٤ ح ١٤٣ ، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٤٩ .

٤- الطبقات الكبرى: ج ٤ ص ٣٤٦ ، كنز العمال: ج ١٠ ص ٦١٢ ح ٣٠٣١٥ ؛ بحار الأنوار: ج ٢١ ص ٣٧٢ ح ٢ نقلاً عن المنتقى وليس فيه .

٥- مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٨٧ ح ١٥٥ ، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٥١ .

ص: ۲۰۳

**۶ / آراستگی همراه با ساده زیستی**

۶ / آراستگی همراه با ساده زیست‌یامام صادق علیه السلام: استفاده کردن از عطر، سیره پیامبران است.

امام رضا علیه السلام: خود را خوش بو کردن، از خوی پیامبران است.

مکارم الأخلاق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آینه نگاه می کرد، زلف می گذاشت، شانه می زد، چه بسا در آن نگاه می کرد و موهای سرش را مرتب می کرد، و علاوه بر خانواده، برای یارانش نیز خود را می آراست و می فرمود: «خداوند، دوست دارد که هر گاه بنده اش، نزد برادرانش می رود، خود را برای آنها بیاراید و با آمادگی برود».

الطبقات الکبری به نقل از جندب بن مکیث: هنگامی که هیبتی، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد می شد، بهترین جامه اش را می پوشید و دستور می داد که یارانش نیز چنین کنند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در روزی که هیبت کننده، به خدمت ایشان رسید، با حله ای یمنی بر تن دیدم.

مکارم الأخلاق به نقل از عایشه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جبهه و عمامه ای پشمین پوشید و رفت برای مردم سخنرانی کرد. من چیزی زیباتر از حالتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بود، در میان آفریده های خدای متعال ندیدم.

ص: ۲۰۴

صحیح البخاری عن البراء عن عازب: كان النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... رَأَيْتَهُ فِي حَلَّةٍ حَمْرَاءٍ (١) لم أر شيئاً قطُّ أحسن منه . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ . (٣)

عيون أخبار الرضا عن أبي عبّاد: كَانَ جُلُوسُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَفِي الشِّتَاءِ عَلَى مِسْحٍ (٤) ، وَلِبْسُهُ الْغَلِيظُ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَرَزَّيْنَهُمْ . (٥)

٦ / ٥ إكرام الضيف الكافي عن أبي خالد الكابلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِالْغَدَاءِ ، فَأَكَلْتُ مَعَهُ طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا قَطُّ أَنْظَفَ مِنْهُ وَلَا أَطْيَبَ ، فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الطَّعَامِ قَالَ : يَا أَبَا خَالِدٍ ، كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَكَ ، أَوْ قَالَ : طَعَامَنَا؟ قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، مَا رَأَيْتُ أَطْيَبَ مِنْهُ وَلَا أَنْظَفَ قَطُّ ، وَلَكِنِّي ذَكَرْتُ الْآيَةَ الَّتِي فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : «...ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (٦) . قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا إِنَّمَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ . (٧)

- ١- حمراء مشبعة : شديده الحمرة .
- ٢- صحیح البخاری : ج ٣ ص ١٣٠٤ ح ٣٣٥٨ ، صحیح مسلم : ج ٤ ص ١٨١٨ ح ٩١ ، سنن أبي داوود : ج ٤ ص ٥٤ ح ٤٠٧٢ ، سنن النسائي : ج ٨ ص ١٨٣ وفيه «ما رأيت احسن منه» بدل «لم أت» ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٤٠٠ ح ١٨٥٠٠ .
- ٣- الكافي : ج ٦ ص ٥١٢ ح ١٨ عن اسحاق الطويل العطار ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٨٣ ح ١٣٩ و ص ١٠٤ ح ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٤٨ .
- ٤- المسح : ثوب من الشعر غليظ (تاج العروس : ج ٤ ص ٢٠٥ «مسح»).
- ٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج ٢ ص ١٧٨ ح ١ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٢٥٦ ح ٧٦٦ ، إعلام الوری : ج ٢ ص ٦٤ ، كشف الغمّه : ج ٣ ص ١٠٦ كلها عن محمد بن أبي عبّاد ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٣٦٠ عن محمد بن عبّاد .
- ٦- التكاثر : ٨ .
- ٧- الكافي : ج ٦ ص ٢٨٠ ح ٥ .

ص: ۲۰۵

**۶ / ۱۵ احترام به میهمان**

صحیح البخاری به نقل از بُراء بن عازب: پیامبر صلی الله علیه و آله را در حله ای سرخ رنگ دیدم که هرگز به زیبایی آن ندیده بودم.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هزینه ای که برای خوش بو کردن صرف می کرد، بیش از هزینه غذا بود.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از ابو عبّاد: امام رضا علیه السلام در تابستان، روی حصیر و در زمستان، روی گلیم موین می نشست. جامه ایشان، خشن بود؛ اما وقتی در میان مردم حضور پیدا می کرد، خود را برای آنان می آراست.

۶ / ۱۵ احترام به میهمانان کافری به نقل از ابو خالد کابلی: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و درخواست غذا کردم. پس با ایشان غذا خوردم؛ غذایی که تمیزتر و گواراتر از آن، نخورده بودم. وقتی از غذا فارغ شدیم، ایشان فرمود: «ای ابو خالد! غذایت را یا غذایمان را چگونه دیدی؟». گفتم: فدایت گردم! من از آن، گواراتر و تمیزتر هرگز ندیده‌ام؛ اما به یاد این آیه کتاب خدای عز و جل افتادم که فرموده است: «آن گاه از نعمت، بازخواست می شوید». امام باقر علیه السلام فرمود: «نه. از حقی که در آن هستید، بازخواست می شوید».

ص: ۲۰۶

الكافی عن ابن بكیر ، عن بعض أصحابنا : كان أبو عبد الله عليه السلام زُبماً أطمعنا الفرانِي والأخبَصَه ، ثُمَّ يُطعمُ الخُبزَ والزَّيْت ، فَقيلَ لَهُ : لو دَبَّرْتَ أمرَكَ حتَّى تَعْتدِلَ؟! فَقَالَ : إِنَّمَا نَتَدَبَّرُ بِأمرِ اللَّهِ عزَّوَجَلَّ ، وَإِذَا وَسَّعَ عَلَيْنَا وَسَّعْنَا ، وَإِذَا قَتَّرَ عَلَيْنَا قَتَّرْنَا . (١)

الكافی عن أبي حمزه : كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً ، فَدَعَا بِطَعَامٍ مَا لَنَا عَهْدٌ بِمِثْلِهِ لَدَاذِهِ وَطَيِّبًا ، وَأُوتِينَا بِتَمْرٍ نَنْظُرُ فِيهِ إِلَى وُجُوهِنَا مِنْ صِفَائِهِ وَحُسْنِهِ ، فَقَالَ رَجُلٌ : لَتَسْأَلَنَّ عَنْ هَذَا النَّعِيمِ الَّذِي نُعْمَتُّ بِهِ عِنْدَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عزَّوَجَلَّ أَكْرَمُ وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَامًا فَيَسْوَغَكُمْوهُ ، ثُمَّ يَسْأَلُكُمْ عَنْهُ ، وَلَكِنْ يَسْأَلُكُمْ عَمَّا أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ . (٢)

الفتوه : صَحَّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِيثَارِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَاءَهُ ضَيْفٌ وَلَمْ يَجِدْ عِنْدَهُ مَا يُكْرِمُهُ بِهِ ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ يُكْرِمُ ضَيْفِي هَذَا وَأَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَأَخَذَهُ وَجَاءَ بِهِ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، وَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهَا سِوَى قُرْصَتَيْنِ قَدْ هَيَّأْتَهُمَا لِلْإِفْطَارِ . فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْعِشَاءِ أَصْلَحَتِ الزَّادُ تُرْدَهُ وَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيِ الضَّيْفِ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، ثُمَّ جَاءَتْ إِلَى الْمِصْبَاحِ كَأَنَّهَا تُصَلِّحُهُ فَأَطْفَأَتْهُ ، فَأَخَذَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْفَعُ يَدَهُ وَيَضَعُهَا فِي الزَّادِ يَوْمَهُمُ الضَّيْفِ أَنَّهُ يُطْعَمُ مَعَهُ ، وَهُوَ لَا يَأْكُلُ شَيْئًا ؛ لِيَكْتَفِيَ الضَّيْفُ . فَلَمَّا اسْتَكْفَى الضَّيْفُ أَتَى بِالْمِصْبَاحِ . وَبَاتَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ طَاوِيئِينَ عَلَى صَوْمِهِمَا . فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي حَقِّهِمَا : «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (٣) . (٤)

- ١- الكافي : ج ٦ ص ٢٨٠ ح ١ ، المحاسن : ج ٢ ص ١٦٤ ح ١٤٤٩ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٢٢ ح ٢٢ .
- ٢- الكافي : ج ٦ ص ٢٨٠ ح ٣ ، المحاسن : ج ٢ ص ١٦٤ ح ١٤٤٨ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٤٠ ح ٤٨ .
- ٣- الحشر : ٩ .
- ٤- الفتوه : ص ٢٨٥ ، إحقاق الحق : ج ٩ ص ١٤٤ .



ص: ۲۰۷

الکافی به نقل از ابن بکیر، از یکی از راویان شیعه: امام صادق علیه السلام گاهی به ما نان تهیه شده از آرد و شیر و روغن و شکر و نیز غذای تهیه شده از خرما و روغن می داد، و بعد، نان و روغن. به ایشان گفته شد: اگر در برنامه ریزی ات، میانه روی کنی، بهتر است! فرمود: «ما به فرمان خدا برنامه ریزی می کنیم. هر گاه وضعمان خوب باشد، گشاده دستی می کنیم و هر گاه بد باشد، سختگیری می کنیم».

الکافی به نقل از ابو حمزه: ما چند نفری، نزد امام صادق علیه السلام بودیم. برایمان غذایی آوردند که تا آن زمان، چنان غذای لذیذ و خوبی ندیده بودیم. بعد، خرمایی آوردند که از خوبی و قشنگی، به آنها و به همدیگر نگاه می کردیم. مردی گفت: از این نعمتی که با آن در محضر پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پذیرایی شدید، بازخواست خواهید شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، برتر و بزرگ تر از آن است که غذایی به شما بدهد و آن را برایتان روا بدارد، آن گاه از شما در باره آن، بازخواست کند. آری. از شما در باره نعمت وجود محمد و خاندان محمد که درود خدا بر او و آنان باد می پرسد».

الفتوه: به طریق صحیح، در باره علی بن ابی طالب علیه السلام، موضوع ایثار، روایت شده است که میهمانی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و ایشان، برای پذیرایی از او، چیزی [در خانه] نیافت. پس فرمود: «چه کسی از این میهمان من، پذیرایی می کند؟ من، نزد خدا، بهشت را برای او ضمانت می کنم». علی علیه السلام فرمود: «من، ای پیامبر خدا!». سپس، علی علیه السلام، دست میهمان را گرفت و نزد فاطمه علیها السلام آورد؛ ولی در خانه ایشان، جز دو قرص نان که فاطمه علیها السلام برای افطار تهیه کرده بود، چیزی وجود نداشت. چون وقت شام شد، فاطمه علیها السلام از آن نان ها، تریدی ساخت و آن را جلوی میهمان و علی علیه السلام نهاد و سپس، خود، به سوی چراغ رفت و به بهانه این که آن را درست می کند، خاموشش کرد. در این هنگام، علی علیه السلام، دست خود را به طرف غذا می برد و بالا می آورد و به میهمان، چنین وانمود می کرد که مشغول غذا خوردن با اوست، در صورتی که چیزی نمی خورد تا [غذا] برای میهمان، کفایت کند. وقتی میهمان سیر شد، چراغ را آوردند و علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام، آن شب را گرسنه و روزه دار خوابیدند. آن گاه، خداوند، در حق آن دو، این آیه را فرو فرستاد: «و دیگران را [بر خویشان، مقدم می دارند، هر چند خودشان نیازمند باشند]».

ص: ۲۰۸

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُطْعِمُ أَضْيَافَهُ اللَّحْمَ بِالْحُؤَارَى ، وَعِيَالَهُ الْخُشَكَارَ ، وَيَأْكُلُ هُوَ الشَّعِيرَ (غَيْرَ) مَنْخُولٍ .

(۱)

۶ / ۶ الإيثارُ الكتاب: «وَيُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۲) .

۱- الدعوات : ص ۱۴۲ ح ۳۶۳ .

۲- الحشر : ۹ .

ص: ۲۰۹

**۶ / فداکاری**

امام صادق علیه السلام: سلیمان علیه السلام به میهمانانش گوشت و نان سفید، و به خانواده اش نان گندم سبوسدار می داد و خودش نان جوی نابیخته می خورد.

۶ / فداکاریقرآن: «و دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود نیازمندند» .

ص: ۲۱۰

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (۱).

الحديث: تنبيه الخواطر عن عائشه: ما شَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةً حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا، وَلَوْ شَاءَ لَشَبَّحَ، وَلَكِنَّهُ كَانَ يُؤَثِّرُ عَلَى نَفْسِهِ. (۲)

الغارات عن أبي مطر في الإمام علي عليه السلام: أتى سوق الكرابيس، فإذا هو برجلٍ وسيم، فقال: يا هذا، عندك ثوبان بخمسة دراهم؟ فوثب الرجل فقال: نعم، يا أمير المؤمنين. فلما عرفه مضى عنه وتركه، فوقف على غلام فقال له: يا غلام، عندك ثوبان بخمسة دراهم؟ قال: نعم، عندي ثوبان، أحدهما أخير من الآخر؛ واحدهم بثلاثة، والآخر بدرهمين. قال: هلمهما. فقال: يا قَبْرُ، خذ الذي بثلاثة. قال: أنت أولى به يا أمير المؤمنين؛ تصعد المنبر، وتخطب الناس. فقال: يا قَبْرُ، أنت شاب، ولك شره الشباب، وأنا أستحي من ربي أن أتفضل عليك؛ لأني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ألبسوهم مما تلبسون، وأطعموهم مما تأكلون. ثم لبس القميص وميد يده في رذنيه فإذا هو يفضل عن أصابعه، فقال: يا غلام، إقطع هذا الفضل. فقطع، فقال الغلام: هلمه أكفه يا شيخ. فقال: دعه كما هو؛ فإن الأمر أسرع من ذلك. (۳)

۱- الانسان: ۸.

۲- تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۱۷۲ وراجع السنن الكبرى: ج ۷ ص ۷۴ ح ۱۳۳۰۹.

۳- الغارات: ج ۱ ص ۱۰۶، روضه الواعظين: ص ۱۲۱.

ص: ۲۱۱

«و به [پاس] دوستی او (خداوند)، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دهند» .

حدیث: تنبیه الخواطر به نقل از عایشه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، تا زمانی که از دنیا رفت، هیچ گاه سه روز پی در پی، سیر نشد . اگر می خواست، می توانست خود را سیر کند؛ ولی دیگران را بر خود ترجیح می داد.

الغارات به نقل از ابو مَطَر: امام علی علیه السلام ، به بازار کرباس آمد و با مردی خوش چهره، رو به رو شد و فرمود: «آقا! دو تا لباس، به قیمت پنج درهم داری؟». مرد، از جا جست و گفت: آری ، ای امیر مؤمنان علیه السلام! وقتی فروشنده، امام علیه السلام را شناخت ، امام علیه السلام از نزد او رفت و بر [در مغازه] جوانی ایستاد و به او فرمود: «جوان! دو تا لباس، به قیمت پنج درهم داری؟». جوان گفت: آری . دو تا لباس به این قیمت دارم که یکی، بهتر از دیگری است . یکی ، به سه درهم و دیگری به دو درهم . امام فرمود: «آنها را بیاور». امام علیه السلام به قنبر فرمود: «ای قنبر! تو سه درهمی را بردار» . قنبر گفت: ای امیر مؤمنان! شما به آن، سزاوارتری . منبر می روی و برای مردم سخنرانی می کنی . فرمود: «ای قنبر! تو جوانی و هوس جوانی داری . من از پروردگارم شرم دارم که بر تو برتری بجویم ؛ زیرا از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر چه مردم می پوشند ، شما هم بر تن کنید، و هر چه می خورید به آنان هم بخورانید» . آن گاه، پیراهن را پوشید و دستش را از آستینش بیرون آورد ؛ ولی دید که از انگشتانش بلندتر است . فرمود: «[ای جوان!] این زیادی را بئر» . او هم آن را برید . جوان گفت: ای شیخ! آن را بده تا سردوزی کنم . فرمود: «بگذار همان طور بماند که کار ، از این سریع تر است» .

ص: ۲۱۲

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ ذَاتَ يَوْمٍ وَأَصْحَابُهُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ ، فَجَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ سَمِلٌ (۱) ثَوْبٌ مُنْخَرِقٌ عَنِ بَعْضِ جَسَدِهِ ، فَجَلَسَ قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ سَاعَةً ثُمَّ قَرَأَ : «وَيُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصِصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَا إِنَّكَ رَأْسُ الَّذِينَ نَزَلَتْ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةُ وَسَيُيَدُّهُمْ وَإِمَامُهُمْ . ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيْنَ حُلَّتُكَ الَّتِي كَسَوْتُكَهَا يَا عَلِيُّ؟ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِكَ أَتَانِي يَشْكُو عُرْيَهُ وَعُرَى أَهْلِ بَيْتِهِ ، فَرَحِمْتُهُ وَآثَرْتُهُ بِهَا عَلَى نَفْسِي ، وَعَرَفْتُ أَنَّ اللَّهَ سَيَكْسُونِي خَيْرًا مِنْهَا . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : صِدَقْتَ ، أَمَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ قَدْ أَتَانِي يُخَبِّرُنِي أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ لَكَ مَكَانَهَا فِي الْجَنَّةِ حُلَّةً خَضْرَاءَ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ، وَصَيَّرْتَهَا (۲) مِنْ يَاقُوتٍ وَزَبْرَجِيدٍ ، فَنِعَمَ الْجَوَازُ ، حَيَوَازُ رَبِّكَ بِسَخَاوَةِ نَفْسِكَ ، وَصَبْرِكَ عَلَى سَمَلَتِكَ هَذِهِ الْمُنْخَرِقَةِ ، فَأَبْشِرْ يَا عَلِيُّ . فَانْصَرَفَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِحًا مُسْتَبْشِرًا بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (۳) آله .

مجمع البيان عن أبي الطفيل: اشترى علي عليه السلام ثوبا فأعجبته فتصدق به ، وقال: سيمعت رسول الله صلى الله عليه وآله ، يقول: من آثر علي نفسه آثره الله يوم القيامة بالجنة. (۴)

۱- السمل: الخلق من الثياب (النهاية: ج ۲ ص ۴۰۳ «سمل»).

۲- الصنفة: الطرف والزوايه من الثوب وغيره (لسان العرب: ج ۹ ص ۱۹۹ «صنف»).

۳- تأويل الآيات الظاهرة: ج ۲ ص ۶۸۰ ح ۷ عن جابر بن يزيد ، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۶۰ ح ۴ .

۴- مجمع البيان: ج ۲ ص ۷۹۲ ، تفسير نورالثقلين: ج ۵ ص ۲۸۵ ح ۵۲ .

ص: ۲۱۳

امام باقر علیه السلام: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و اصحابش پیرامون او نشسته بودند که علی علیه السلام با جامه ای کهنه که قسمتی از آن، پاره بود آمد و نزدیک ایشان نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله، لحظاتی به او نگریست و سپس، این آیه را خواند: «و بر خویشان، مقدم می دارند، هر چند، خودشان نیازمند باشند. و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران اند». سپس، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «بدان که تو سرآمد کسانی هستی که این آیه در حق آنان نازل شد و آقا و پیشوایشان هستی». آن گاه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! آن جامه ای که به تو پوشاندم، کجاست؟». علی علیه السلام فرمود: «ای پیامبر خدا! یکی از اصحاب شما نزد من آمد و از برهنگی خود و خانواده اش شکوه کرد و من، دلم به حالش سوخت و او را در پوشیدن آن جامه، بر خود، مقدم داشتم و دانستم که خداوند، به زودی، بهتر از آن را به من خواهد پوشاند». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «درست گفתי. همانا جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و برایم گفت که خداوند، به جای آن جامه، برای تو در بهشت، جامه ای سبز، از دیبای سبزر با کناره هایی از یاقوت و زبرجد برگزید. نیکو پاداشی است پاداش پروردگار تو، در برابر سخاوت نفس تو و شکیبایی ات بر این جامه کهنه و پاره ای که پوشیده ای! پس شاد باش، ای علی!». علی علیه السلام، شادان و خوش حال از خبری که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او داده بود، برگشت.

مجمع البیان به نقل از ابوطیفیل: علی علیه السلام، جامه ای خرید و از آن، خوشش آمد و آن را صدقه داد و فرمود: «از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر که دیگران را بر خود، ترجیح دهد، خداوند، در روز قیامت، در ورود به بهشت، او را مقدم می دارد».

ص: ٢١٤

الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِذْ قَالَتْ لَهُ: يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ إِلَى أَبِي فَابْغِنَا (١) مِنْهُ شَيْئًا. فَقَالَ: نَعَمْ. فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَعْطَاهُ دِينَارًا، وَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ فَابْتَعْ بِهِ لِأَهْلِكَ طَعَامًا. فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَلَقِيَهُ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، وَقَامَا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُومَا، وَذَكَرَ لَهُ حَاجَتَهُ، فَأَعْطَاهُ الدِّينَارَ وَانْطَلَقَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَوَضَعَ رَأْسَهُ فَنَامَ، فَانْتَضَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمْ يَأْتِ، ثُمَّ انْتَضَرَهُ فَلَمْ يَأْتِ، فَخَرَجَ يَدُورُ فِي الْمَسْجِدِ فَإِذَا هُوَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ، فَحَرَّكَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَعَدَ. فَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ مَا صَبَّحْتَ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكَ فَلَقَيْتَنِي الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، فَذَكَرَ لِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَذْكَرَ، فَأَعْطَيْتُهُ الدِّينَارَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ قَدْ أَنْبَأَنِي بِذَلِكَ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ كِتَابًا: «وَيُؤْتِرُونَ عَلِيًّا أَنْفُسَهُمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (٢)

الأمامي عن أبي سعيد الخدري: أَصْبَحَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ سَاغِبًا (٣) فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُطْعِمِينِي؟ قَالَتْ: وَالَّذِي أَكْرَمَ أَبِي بِالنَّبُوءِ وَأَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ، مَا أَصْبَحَ عِنْدِي شَيْءٌ يَطْعَمُهُ بَشَرٌ، وَمَا كَانَ مِنْ شَيْءٍ أُطْعِمُكَ مُنْذُ يَوْمَيْنِ إِلَّا شَيْءٌ كُنْتُ أُؤْتِرُكَ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَعَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ! قَالَ: أَعَلَى الصَّبِيِّينِ! أَلَا أَعْلَمْتَنِي فَأَتَيْكُمْ بِشَيْءٍ؟ قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَأَسْتَحِي مِنْ إلهي أَنْ أَكْلَفَكَ مَا لَا تَقْدِرُ. فَخَرَجَ وَاتَّقَا بِاللَّهِ حَسَنَ الظَّنِّ بِهِ، فَاسْتَقْرَضَ دِينَارًا، فَبَيَّنَا الدِّينَارُ فِي يَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ عَرَضَ لَهُ الْمِقْدَادُ فِي يَوْمِ شَدِيدِ الْحَرِّ، قَدْ لَوَّحَتْهُ (٤) الشَّمْسُ مِنْ فَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، فَأَنْكَرَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَأْنَهُ، فَقَالَ: يَا مِقْدَادُ، مَا أَزَعَجَكَ (٥) هَذِهِ السَّيِّئَةُ؟ قَالَ: خَلَّ سَبِيلِي يَا أَبَا الْحَسَنِ، وَلَا تَكْشِفْنِي عَمَّا وَرَائِي. قَالَ: إِنَّهُ لَا يَسِدُّعُنِي أَنْ تُجَاوِزَنِي حَتَّى أَعْلَمَ عِلْمَكَ. قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكَ أَنْ تُخَلِّيَ سَبِيلَكَ وَلَا تَكْشِفْنِي عَنْ حَالِي. فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ لَا يَسْعُوكَ أَنْ تَكْتُمَنِي حَالَكَ. فَقَالَ: إِذَا أَبَيْتَ، فَوَالَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّبُوءِ وَأَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ مَا أَزَعَجَنِي إِلَّا الْجَهْدُ (٦)، وَلَقَدْ تَرَكْتُ عِيَالِي بِحَالٍ لَمْ تَحْمِلْنِي لَهَا الْأَرْضُ، فَخَرَجْتُ مَهْمُومًا وَرَكِبْتُ رَأْسِي، فَهَمَلْتُ عَيْنَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْذُّمُوعِ حَتَّى أَخْضَلْتُ دُمُوعَهُ لِحَيْتِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَحْلِفْ بِالَّذِي حَلَفْتَ بِهِ، مَا أَزَعَجَنِي مِنْ أَهْلِي إِلَّا الَّذِي أَزَعَجَكَ، وَلَقَدْ اسْتَقْرَضْتُ دِينَارًا فَخَذْتُهُ؛ فَدَفَعْتُ الدِّينَارَ إِلَيْهِ وَآثَرُهُ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ. (٧)

١- بغى الشيء: إذا طلبه (النهاية: ج ١ ص ١٤٣ «بغى»).

٢- تأويل الآيات الظاهرة: ج ٢ ص ٦٧٩ ح ٥ عن كليب بن معاوية الأسدي، بحار الأنوار: ج ٣٦ ص ٥٩ ح ٢.

٣- ساغبا: أي جائعا (النهاية: ج ٢ ص ٣٧١ «سغب»).

٤- لاحه العطش أو السفر: غيَّره، كلَّوَّحه (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤٨ «لوح»).

٥- زَعَجُهُ: ألقاه وقَلعه من مكانه، كَأَزَعَجَهُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٩١ «زعج»).

٦- الجهد: المشقة. يقال: جُهد الرجل: إذا وجد مشقة، وجُهد الناس: إذا أُجذبوا (النهاية: ج ١ ص ٣٢٠ «جهد»).

٧- الأمامي للطوسي: ص ٦١٦ ح ١٢٧٢، شرح الأخبار: ج ٢ ص ٤٠١ ح ٧٤٦، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٧٧، كشف

الغمة: ج ٢ ص ٩٥، تفسير فرات: ص ٨٣ ح ٦٠، المناقب للكوفي: ج ١ ص ٢٠١ ح ١٢٤، كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٧ ص ١٠٣

ح ٧؛ ذخائر العقبى: ص ٩١ نحوه.



ص: ۲۱۵

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام، نزد فاطمه علیها السلام بود. فاطمه علیها السلام به او فرمود: «ای علی! نزد پدرم برو و از او چیزی برای ما درخواست کن». علی علیه السلام فرمود: «باشد». پس نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله، یک دینار به او داد و فرمود: «ای علی! برو و با این دینار، غذایی برای خانواده ات خریداری کن». علی علیه السلام از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفت. در راه، به مقداد بن اسود برخورد و مدتی با هم [به سخن] ایستادند. مقداد، حاجتش را به او گفت. علی علیه السلام، دینار را به او داد و به مسجد رفت و سرش را گذاشت و خوابید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، منتظر او ماند؛ اما نیامد. باز انتظار کشید؛ اما از علی علیه السلام خبری نشد. لذا بیرون رفت و در مسجد می‌گشت که دید علی علیه السلام در آن جا خوابیده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، او را تکان داد. علی علیه السلام [بیدار شد و] نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای علی! چه کردی؟». فرمود: «ای پیامبر خدا! از نزد شما که رفتم، به مقداد بن اسود برخوردم و او، آنچه را خدا خواست بگوید، به من گفت (و اظهار حاجت کرد) و من، آن دینار را به او دادم». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا جبرئیل علیه السلام، این مطلب را به من خبر داد، و خداوند، درباره تو این آیه را فرو فرستاد: «و دیگران را [بر خویشتن، مقدّم می‌دارند، هر چند، خودشان نیازمند باشند. و آنها که از آزمندیِ نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران اند.»»

الأمالی، طوسی به نقل از ابو سعید خُدّری: روزی علی علیه السلام در حالی که گرسنه بود، بیدار شد و فرمود: «ای فاطمه! چیزی برای خوردن داری که به من بدهی؟». فاطمه علیها السلام فرمود: «سوگند به آن که پدرم را به پیامبری، گرامی داشت و تو را به جانشینی [پیامبر]، چیزی که کسی را سیر کند، ندارم و از دو روز پیش تا به حال، غذایی که به تو داده ام، غذایی بوده که خودم و حسن و حسین نخورده ایم و به تو داده ایم!». علی علیه السلام فرمود: «حتّی آن دو کودک! چرا به من نگفتی تا چیزی برایتان فراهم کنم؟». فاطمه علیها السلام فرمود: «ای یا ابا الحسن! من از خدایم شرم می‌کنم که از تو چیزی بخواهم که نمی‌توانی [تهیه کنی]». پس، علی علیه السلام به امید خدا و با خوشبینی به او، بیرون رفت و یک دینار، قرض گرفت. در حالی که دینار در دست علی علیه السلام بود، مقداد به وی برخورد. روز بسیار گرمی بود و تابش آفتاب، سر تا پای او را سوزانده بود. علی علیه السلام، با دیدن سر و وضع او، ناراحت شد و فرمود: «ای مقداد! چه چیز، تو را در این ساعت روز، بی قرار و آشفته کرده است؟». گفت: «ای ابا الحسن! رهایم کن بروم و از حال و روزم پرس! فرمود: «نمی‌گذارم بروی تا این که من هم مثل تو [گرفتاری ات را] بدانم». گفت: «ای ابا الحسن! تو را به خدا و به خودت سوگند، به راه خویش برو و پرده از حال و روزم بردار! علی علیه السلام فرمود: «روا نیست که وضعت را از من، کتمان کنی». مقداد گفت: حال که اصرار داری، سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت و تو را به جانشینی [او] مفتخر ساخت، جز رنج و مشقت، چیزی مرا چنین آشفته و بی قرار نساخته است. خانواده ام را در حالی ترک کردم که زمین، تاب تحمیل آن حال و روز مرا نداشت. پس، غم زده [از خانه] بیرون زدم و بی هیچ هدفی، راهی شدم. این است حال من! اشک از چشمان علی علیه السلام سرازیر شد، چندان که اشک هایش محاسنش را تر کرد. سپس فرمود: «سوگند به همان که به او سوگند خوردی، مرا نیز در باره خانواده ام بی قرار نکرده، مگر همان چیزی که تو را بی قرار کرده است. من، یک دینار قرض کرده ام. بگیر! مال تو باشد». پس، آن دینار را به مقداد داد و او را بر خویش، مقدّم داشت.

ص: ۲۱۶

..

ص: ۲۱۷

..

ص: ۲۱۸

راجع: موسوعه میزان الحکمه: ج ۱ ص ۱۳۳ «الأمثال العلیا فی الإیثار».

الحمد لله أولاً و آخراً

ص: ۲۱۹

ر . ك : دانش نامه میزان الحکمه : ج ۱ ص ۱۵۹ «نمونه های والای ایثار» .

والحمد لله اولاً و آخراً

ص: ۲۲۰

..

## فهرست منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ ۱. إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل ، نور الله بن السيد شريف الشوشتری (القاضی التستری) (م ۱۰۱۹ ق ) ، تصحيح و تعليق : السيد شهاب الدين المرعشى ، قم : مكتبة آية الله المرعشى ، ۱۴۱۱ ق ، اول. ۲. إحياء علوم الدين ، محمّد بن محمّد الغزالي (م ۵۰۵ ق) ، بيروت : دار الهادي، ۱۴۱۲ ق ، اول. ۳. الاختصاص ، المنسوب إلى محمّد بن محمّد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامي ، ۱۴۱۴ ق ، چهارم. ۴. اختيار معرفه الرجال (رجال الكشي) ، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ۴۶۰ ق ) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائي ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۴ ق ، اول. ۵. الأدب المفرد ، محمّد بن إسماعيل البخاري (م ۲۵۶ ق ) ، تحقيق : محمّد بن عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميه . ۶. إرشاد القلوب ، الحسن بن أبي الحسن الديلمي (م ۷۱۱ ق ) ، بيروت : مؤسسه الأعلمی ، ۱۳۹۸ ق ، چهارم. ۷. الاستيعاب في معرفه الأصحاب ، يوسف بن عبد البرّ القرطبي المالكي (ابن عبد البرّ) (م ۳۶۳ ق ) ، تحقيق : علي محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ۱۴۱۵ ق ، اول. ۸. أسد الغابه في معرفه الصحابه ، علي بن أبي الكرم محمّد الشيباني (ابن الأثير الجزري) (م ۶۳۰ ق ) ، تحقيق : علي محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميه ، ۱۴۱۵ ق ، اول .

۹. اصلاح المال ، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي الدين القرشي البغدادي (م ۲۸۱ ق ) ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، چاپ اول ۱۴۱۴ ق . ۱۰. أعلام الدين في صفات المؤمنين ، الحسن بن محمد الديلمي (م ۷۱۱ ق ) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام . ۱۱. الأمالى (غرر الفرائد و درر القلائد) ، على بن الحسين الموسوى (السيد المرتضى) (م ۴۲۶ ق ) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، بيروت : دار إحياء الكتب العربيّه . ۱۲. الأمالى ، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافه ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۱۳. الأمالى ، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، ۱۴۰۷ ق ، اول . ۱۴. الأمالى ، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق ) ، تحقيق : حسين أستاذ ولى و على أكبر الغفارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۴۰۴ ق ، دوم . ۱۵. الأيمان ، محمد بن إسحاق بن هنده (م ۳۹۵ ق) ، تحقيق : محمد بن ناصر الفقيهى ، بيروت : مؤسسه الرساله ، ۱۴۰۷ ق . ۱۶. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ۱۱۱۱ ق ) ، بيروت : مؤسسه الوفاء ، ۱۴۰۳ ق ، دوم . ۱۷. البدايه و النهايه ، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م ۷۷۴ ق ) ، تحقيق : مكتبه المعارف ، بيروت : مكتبه المعارف . ۱۸. تاج العروس من جواهر القاموس ، السيد محمد المرتضى بن محمد الحسينى الزبيدى (م ۱۲۰۵ ق ) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۱۹. تاريخ بغداد أو مدينه السلام ، أحمد بن على الخطيب البغدادي (م ۴۶۳ ق ) ، مدينه : المكتبه السلفيه . ۲۰. تاريخ دمشق ، على بن الحسن بن هبه الله الدمشقى (ابن عساكر) (م ۵۷۱ ق ) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۵ ق ، اول .



ص: ۲۲۳

۲۱. تأویل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره (کنز جامع الفوائد)، على الغروى الحسينى الإسترآبادى (م ۹۴۰ ق )، تحقيق :  
 مدرسه الإمام المهدي (عج)، قم : مدرسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق ، أول. ۲۲. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و  
 آله ، الحسن بن على الخزّانى (ابن شُعبه) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۴۰۴ ق ، دوم .  
 ۲۳. تفسير العيّاشى ، محمّد بن مسعود الشّلمى السمرقندى (العياشى) (م ۳۲۰ ق ) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران :  
 المكتبه العلميه ، ۱۳۸۰ ق ، أول . ۲۴. تفسير فرات الكوفى ، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق ۴ ق) ، به كوشش : محمّد الكاظم  
 المحمودى ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى ، ۱۴۱۰ ق ، أول. ۲۵. تفسير القمى ، على بن إبراهيم القمى (م ۳۰۷ ق ) ، به  
 كوشش : السيّد طيّب الموسوى الجزائرى ، نجف : مطبعه النجف الأشرف . ۲۶. تفسير جوامع الجامع ، ابو على الفضل بن الحسن  
 الطبرسى (قرن ۶ ق) ، تحقيق و نشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، ۱۴۱۸ ق ، أول . ۲۷. نور الثقلين ، للشيخ عبد على بن جمعه  
 العروسى الحويزى (م ۱۱۱۲ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، مؤسسه إسماعيليان قم ، ۱۴۱۲ ق ، چهارم . ۲۸.  
 التمهيد ، محمّد بن همام الإسكافى (ابن همام) (م ۳۳۶ ق ) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهدي (عج) ، قم : مدرسه الإمام  
 المهدي (عج) . ۲۹. تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام) ، ورام بن أبى فراس الحمدان (م ۶۰۵ ق ) ، بيروت : دار التعارف و  
 دار صعب . ۳۰. التوحيد ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقيق : السيّد هاشم الحسينى الطهرانى ،  
 قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۳۹۸ ق ، أول. ۳۱. تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م  
 ۴۶۰ ق ) ، بيروت : دار التعارف ، ۱۴۰۱ ق ، أول. ۳۲. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمان الميزى (م ۷۴۲ ق )  
 ، تحقيق : بشار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسسه الرساله ، ۱۴۰۹ ق ، أول.

ص: ۲۲۴

۳۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقیق : علی أكبر الغفاری ، تهران : مکتبه الصدوق . ۳۴. جامع الأخبار أو معارج اليقين فی أصول الدین ، محمّد بن محمّد الشّعیری السبزواری (ق ۷ ق) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۳۵. جامع البيان عن تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری) ، محمّد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ ق ) ، بیروت : دار الفکر ، ۱۴۰۸ ق ، اول . ۳۶. الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی) ، محمّد بن أحمد الأنصاری القرطبی (م ۶۷۱ ق ) ، تحقیق : محمّد عبد الرحمان المرعشلی ، بیروت : دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۰۵ ق ، دوم . ۳۷. الجعفریات (الأشعثیات) ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفی (ق ۴ ق ) ، تهران : مکتبه نینوی (طبع شده به ضمیمه : قرب الإسناد) . ۳۸. الجوهره فی نسب الإمام علیّ وآله عليهم السلام ، محمّد بن ابی بکر البرسی (م ۶۴۵ ق ) ، تحقیق : محمّد التویخی ، دمشق : مکتبه النوری ، ۱۴۰۲ ق ، اول . ۳۹. حلیه الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار عليهم السلام ، السید هاشم بن سلیمان البحرانی (م ۱۱۰۷ ق ) ، تحقیق : غلام رضا مولانا البروجردی ، قم : مؤسسه المعارف الإسلامیّه ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۴۰. حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء ، أحمد بن عبد الله الأصبهانی (أبو نعیم) (م ۴۳۰ ق ) ، بیروت : دار الكتاب العربی ، ۱۳۸۷ ق ، دوم . ۴۱. الخصال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، چهارم . ۴۲. الدرّه الباهره من الأصداف الطاهره ، محمّد بن مکی العاملی (الشهید الأول) ، مشهد : مؤسسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضویه المقدسه ، ۱۳۶۵ ش . ۴۳. دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشیم ، محمّد بن سلامه (القاضی القضاعی) (م ۴۵۴ ق ) ، بیروت : دار الكتاب العربی ، ۱۴۰۱ ق ، اول .

ص: ۲۲۵

۴۴. دعائم الإسلام و ذکر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، النعمان بن محمد التميمي المغربي (القاضي أبو حنيفة) (م ۳۶۳ ق ) ، تحقيق : آصف بن علي أصغر فيضي ، مصر : دار المعارف ، ۱۳۸۹ ق ، سوم . ۴۵. الدعوات ، سعيد بن هبه الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م ۵۷۳ ق ) ، تحقيق : مؤسسه الإمام المهدي (عج) ، قم : مؤسسه الإمام المهدي (عج) ، ۱۴۰۷ ق ، أول . ۴۶. دلائل الإمامه ، محمد بن جرير الطبري الإمامي (ق ۵ ق ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، ۱۴۱۳ ق ، أول . ۴۷. ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، أحمد بن عبد الله الطبري (م ۶۹۳ ق ) ، تحقيق : أكرم البوشى ، جدّه : مكتبه الصحابه ، ۱۴۱۵ ق ، أول . ۴۸. روضه الواعظين ، محمد بن الحسن القتال النيسابورى (م ۵۰۸ ق ) ، تحقيق : حسين الأعلمی ، بيروت : مؤسسه الأعلمی ، ۱۴۰۶ ق ، أول . ۴۹. الزهد ، عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي (ابن المبارك) (م ۱۸۱ ق ) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمی ، بيروت : دار الكتب العلمیه . ۵۰. الزهد ، أحمد بن محمد الشيباني (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق ) ، بيروت : دار الكتب العلمیه . ۵۱. الزهد ، حسين بن سعيد الأهوازي (ق ۳ ق ) ، قم : المطبعة العلمیه . ۵۲. الزهد ، هناد بن السرى الكوفى (م ۲۴۳ ق ) ، تحقيق : عبد الرحمن الفريوائي ، دار الخلفاء الكويت ، چاپ أول ۱۴۰۶ ق . ۵۳. سبل الهدى والرشاد ، محمد بن يوسف الصالحى الشامى (م ۹۴۲ ق ) ، تحقيق : عادل احمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلمیه ، ۱۴۱۴ ق . ۵۴. سنن ابن ماجه ، محمد بن يزيد القزوينى (ابن ماجه) (م ۲۷۵ ق ) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، بيروت : دار إحياء التراث ، ۱۳۹۵ ق ، أول . ۵۵. سنن أبى داوود ، سليمان بن أشعث السجستاني الأزدى (م ۲۷۵ ق ) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، بيروت : دار إحياء السنّه النبويه . ۵۶. سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، محمد بن عيسى الترمذى (أبو عيسى) (م ۲۷۹ ق ) ، تحقيق : أحمد محمد شاکر ، بيروت : دار إحياء التراث .

۵۷. السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقي (م ۴۵۸ ق )، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ ق،  
 أوّل. ۵۸. السنن الكبرى، أحمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداري، بيروت: دار الكتب العلميه،  
 ۱۴۱۱ ق، أوّل. ۵۹. سنن النسائي بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشيه الإمام السندي، أحمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق )،  
 بيروت: دار الجيل، ۱۴۰۷ ق، أوّل. ۶۰. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، النعمان بن محمد المصري (القاضي أبو حنيفه) (م  
 ۳۶۳ ق )، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق، أوّل. ۶۱. شرح نهج البلاغه، عبد الحميد  
 بن محمد المعتزلی (ابن أبي الحديد) (م ۶۵۶ ق )، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، ۱۳۸۷ ق، دوم.  
 ۶۲. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقي (م ۴۵۸ ق )، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلميه،  
 ۱۴۱۰ ق، أوّل. ۶۳. الشكر، عبد الله بن محمد القرشي (ابن أبي الدنيا) (م ۲۸۱ ق )، تحقيق: طارق الطنطاوي، قاهره: مكتبه القرآن  
 . ۶۴. الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربيّه)، إسماعيل بن حمّاد الجوهري (م ۳۹۸ ق )، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بيروت:  
 دار العلم للملايين، ۱۴۱۰ ق، چهارم. ۶۵. صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل البخاري (م ۲۵۶ ق )، تحقيق: مصطفى ديب البغا  
 ، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۰ ق، چهارم. ۶۶. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (م ۲۶۱ ق )، تحقيق: محمد  
 فؤاد عبد الباقي، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۲ ق، أوّل. ۶۷. الصحيفه السجّاديه، المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام،  
 تصحيح: علي أنصاريان، دمشق: المستشاريه الثقافيه للجمهوريه الإسلاميه الإيرانيّه، ۱۴۰۵ ق. ۶۸. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد  
 (كاتب الواقدي) (م ۲۳۰ ق )، بيروت: دار صادر.

ص: ۲۲۷

۶۹. عدّه الداعی و نجاح الساعی ، أحمد بن محمد الحلّی الأسدی (ابن فهد) (م ۸۴۱ ق ) ، تحقیق : أحمد الموحّدی ، تهران : مکتبه وجدانی . ۷۰. علل الشرائع ، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، بیروت : دار إحياء التراث ، ۱۴۰۸ ق ، اول. ۷۱. عوالی اللآلی العزیزیه فی الأحادیث الیدیّه ، محمد بن علی الأحسانی (ابن أبی جمهور) (م ۹۴۰ ق ) ، تحقیق : مجتبی العراقی ، قم : مطبعه سید الشهداء علیه السلام ، ۱۴۰۳ ق ، اول. ۷۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام ، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقیق : السید مهدی الحسینی اللاجوردی ، تهران : جهان . ۷۳. عیون الحکم و المواعظ ، علی بن محمد اللیثی الواسطی (قرن ۶ ق ) ، تحقیق : حسین الحسنی البیرجندی ، قم : دار الحدیث ، ۱۳۷۶ ش ، اول. ۷۴. الغارات ، إبراهیم بن محمّد (ابن هلال الثقفی) (م ۲۸۳ ق ) ، تحقیق : میر جلال الدین المحدث الأرموی ، تهران : انجمن آثار ملی ، ۱۳۹۵ ق ، اول. ۷۵. غرر الحکم و درر الکلم ، عبد الواحد الأمیدی التیمی (م ۵۵۰ ق ) = ترجمه و شرح غرر الحکم . ۷۶. الفردوس بمأثور الخطاب ، شیرویه بن شهردار الدیلمی الهمدانی (م ۵۰۹ ق ) ، تحقیق : محمد السعید بسیونی زغلول ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، ۱۴۰۶ ق ، اول. ۷۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام . ۷۸. القاموس المحيط ، محمد بن یعقوب الفیروز آبادی (م ۸۱۷ ق ) ، بیروت : دار الفکر . ۷۹. قرآن کریم ، ترجمه : محمد مهدی فولادوند ، تهران : دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ، ۱۳۷۶ ، سوم . ۸۰. قرب الإسناد ، عبدالله بن جعفر الحمیری القمّی (م بعد از ۳۰۴ ق ) ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت علیهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، اول. ۸۱. الکافی ، محمد بن یعقوب الکلینی الرازی (م ۳۲۹ ق ) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، بیروت : دار صعب و دار التعارف ، ۱۴۰۱ ق ، چهارم .

ص: ۲۲۸

۸۲. کتاب من لا یحضره الفقیه ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق ) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، دوم . ۸۳. كشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ، علی بن عیسی الیربلی (م ۶۸۷ ق ) ، تصحیح : السید هاشم الرسولی المحلّاتی ، بیروت : دار الكتاب ، ۱۴۰۱ ق ، أوّل . ۸۴. كشف المحجّه لثمره المّهجه ، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق ) ، تحقیق : محمّد الحسون ، قم : مكتب الإعلام الإسلامی ، ۱۴۱۲ ق ، أوّل . ۸۵. كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال ، علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق ) ، تصحیح : صفوه السقا ، بیروت : مكتبة التراث الإسلامی ، ۱۳۹۷ ق ، أوّل . ۸۶. كنز الفوائد ، محمّد بن علی الكراچکی الطرابلسی (م ۴۴۹ ق ) ، تصحیح : عبد الله نعمه ، قم : دار الذخائر ، ۱۴۱۰ ق ، أوّل . ۸۷. لسان العرب ، محمّد بن مكرم المصری الأنصاری (ابن منظور) (م ۷۱۱ ق ) ، بیروت : دار صادر ، ۱۴۱۰ ق ، أوّل . ۸۸. المجازات النبویّه ، محمّد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی) (م ۴۰۶ ق ) ، تحقیق وشرح : طه محمّد الزینی ، قم : مكتبة بصیرتی . ۸۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان) ، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) (م ۵۴۸ ق ) ، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی ، بیروت : دار المعرفه ، ۱۴۰۸ ق ، دوم . ۹۰. المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقی القمّی (م ۲۸۰ ق ) ، تحقیق : السید مهدي الرجائی ، قم :المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، أوّل . ۹۱. مختصر بصائر الدرجات ، سعد بن عبد الله بن أبی خلف الأشعری ، اختصار : حسن بنسليمان الحلّی (ق ۸ ق) ، قم : الرسول المصطفى . ۹۲. المراسيل مع الأسانيد ، ابو داوود السجستاني ، تحقیق : عبد العزيز عز الدين السيروان ، بیروت : دار القلم ، ۱۴۰۶ ق ، أوّل . ۹۳. المزار الكبير ، محمّد بن جعفر المشهدی (ق ۶ ق ) ، تحقیق : السید جواد القیومی الإصفهانی ، قم : قیوم ، ۱۴۱۹ ق ، أوّل .

ص: ۲۲۹

۹۴. المستدرک علی الصحیحین ، محمد بن عبد الله الحاکم النیسابوری (م ۴۰۵ ق ) ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا ، بیروت : دار الکتب العلمیه ، ۱۴۱۱ ق ، اول . ۹۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، میرزا حسین النوری الطبرسی (م ۱۳۲۰ ق ) ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۷ ق ، اول . ۹۶. مستطرفات السرائر ، لأبی عبد الله محمد بن أحمد بن إدريس الحلبي (م ۵۹۸ ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي عج ، قم ، ۱۴۰۸ ق ، اول . ۹۷. مسند أبي يعلى الموصلي ، أحمد بن علي التميمي الموصلي (أبو يعلى) (م ۳۰۷ ق ) ، تحقیق : إرشاد الحق الأثری ، جدّه : دار القبلة ، ۱۴۰۸ ق ، اول . ۹۸. مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمد الشيباني (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق ) ، تحقیق : عبد الله محمد الدرويش ، بیروت : دار الفكر ، ۱۴۱۴ ق ، دوم . ۹۹. مسند اسحاق بن راهويه ، إسحاق بن إبراهيم الحنظلي المروزي (م ۲۳۸ ق ) ، تحقیق : عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشي ، " مدينة منوره : مكتبة الإيمان ، ۱۴۱۲ ق ، اول . ۱۰۰. مسند البزار (البحر الزخار) ، أحمد بن عمرو العتكي البزار (م ۲۹۲ ق ) ، تحقیق : محفوظ الرحمان زين الله ، بیروت : مؤسسه علوم القرآن ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۱۰۱. مسند الشهاب ، محمد بن سلامه القضاعي (القاضي) (م ۴۵۴ ق) ، بیروت : مؤسسه الرساله . ۱۰۲. مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، علی بن الحسن الطبرسی (ق ۷ ق) ، تحقیق : مهدی هوشمند ، قم : دار الحديث ، ۱۴۱۸ ق ، اول . ۱۰۳. مصادقه الإخوان ، أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق و نشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم ، ۱۴۱۰ ق ، چاپ اول . ۱۰۴. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شارح : حسن المصطفوی ، تهران : انتشارات قلم ، ۱۳۶۳ ه . ش ، اول . ۱۰۵. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی ، أحمد بن محمد المقرئ الفيومي (م ۷۷۰ ق) ، قم : دار الهجره ، ۱۴۱۴ ق ، دوم .

ص: ۲۳۰

۱۰۶. المصباح فی الأدعیه و الصلوات و الزیارات ، تقی الدین ابراهیم بن زین الدین الحارثی الهمدانی (الکفعمی) (م ۹۰۰ ق) ، قم : منشورات الشریف الرضی . ۱۰۷. المصنّف فی الأحادیث و الآثار ، عبد الله بن محمد العبسی الکوفی (ابن أبی شیبہ) (م ۲۳۵ ق) ، تحقیق : سعید محمد اللّخام ، بیروت : دار الفکر . ۱۰۸. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ، محمد بن طلحه النصیبی الشافعی (م ۶۵۲ ق) ، تحقیق : ماجد أحمد العطیّه ، بیروت : مؤسسه أم القرى ، ۴۲۰ ق . ۱۰۹. معانی الأخبار ، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۳۶۱ ش ، اول . ۱۱۰. المعجم الأوسط ، سلیمان بن أحمد اللّخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق) ، تحقیق : طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن ابراهیم الحسینی ، قاهره : دار الحرمین ، ۱۴۱۵ ق . ۱۱۱. المعجم الصغیر ، سلیمان بن أحمد اللّخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق) ، تحقیق : محمد عثمان ، بیروت : دار الفکر ، ۱۴۰۱ ق ، دوم . ۱۱۲. المعجم الکبیر ، سلیمان بن أحمد اللّخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق) ، تحقیق : حمدی عبد المجید السلفی ، بیروت : دار إحياء التراث العربی ، ۱۴۰۴ ق ، دوم . ۱۱۳. مکارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطّبرسی (أمنین الإسلام) (م ۵۴۸ ق) ، تحقیق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۱۱۴. مکارم الأخلاق ، عبد الله بن محمد القرشی (ابن أبی الدنيا) (م ۲۸۱ ق) ، بیروت : دار الکتب العلمیّه ، ۱۴۰۹ ق . ۱۱۵. مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق) ، قم : المطبعه العلمیّه . ۱۱۶. مناقب الإمام أمير المؤمنین علیه السلام (المناقب للکوفی) ، محمد بن سلیمان الکوفی القاضی (م ۳۰۰ ق) ، تحقیق : محمد باقر المحمودی ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلامیّه ، ۱۴۱۲ ق ، اول . ۱۱۷. منیه المرید فی أدب المفید و المستفید ، زین الدین بن علی العاملی (الشهید الثانی) (م ۹۶۵ ق) ، قم : مکتب الإعلام الإسلامی ، ۱۴۱۵ ق .



ص: ۲۳۱

۱۱۸. الموطأ، مالک بن أنس (م ۱۵۸ ق )، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق، أول. ۱۱۹. مهج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق )، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۴ ق، أول. ۱۲۰. المؤمن، لحسین بن سعید الکوفی الاهوازی (قرن ۳ق)، تحقیق و نشر: مدرسه الامام المهدي (عج) - قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۱. النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مبارک بن محمد الجَزَری (ابن الأثیر) (م ۶۰۶ ق )، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش، چهارم. ۱۲۲. نهج البلاغه، جمع و تدوین محمد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی) (م ۴۰۶ ق )، تصحیح: صبحی الصالح، قم: دارالأسوه، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۳. وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملی (م ۱۱۰۴ ق )، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، أول.

ص: ۲۳۲

..

ص: ۲۳۳

فهرست تفصیلی .

ص: ۲۳۴

..

ص: ۲۳۵

..

ص: ۲۳۶

..



## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر



بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

